

گزارشی از

جنگ ارزی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

سال ۹۱-۱۳۹۰



ویراست نخست

زمستان ۱۳۹۶

www.currency-war.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزارشی از

جنگ ارزی ایالات متحدهی آمریکا

علیه جمهوری اسلامی ایران

سال ۹۱-۱۳۹۰

زمستان ۱۳۹۶



معاونت انگیزه - جنبش مقاومت در جنگ ارزی

گزارشی از جنگ ارزی ایالات متحده ی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران (سال ۹۱-۱۳۹۰)

ویراست یکم - زمستان ۱۳۹۶

مهناز رحیمی

فهرست

۷.....	مقدمه
۱۳.....	بخش یکم: ایران در آتش جنگ ارزی
۱۶.....	خلاصه‌ای از آنچه اتفاق افتاد.....
۲۱.....	بخش دوم: نقش عوامل خارجی
۲۳.....	فصل یکم: وزارت خزانهداری؛ نهاد عملیاتی جنگ اقتصادی علیه ایران.....
۳۷.....	یوترن.....
۳۹.....	دلار؛ اسلحه آمریکا در جنگ ارزی.....
۴۳.....	حمله به ریال در وزارت خزانهداری.....
۴۶.....	نقش تحریم‌ها.....
۴۸.....	ساختار تحریم‌های مالی و بانکی.....
۵۱.....	به‌کارگیری استراتژی قورباغه.....
۵۹.....	تأثیر تحریم‌ها در کاهش ارزش ریال.....
۶۱.....	فصل دوم: نقش دبی در جنگ ارزی علیه ایران.....
۶۵.....	۱. کنترل بازار ارز ایران توسط دبی.....
۶۷.....	۲. ایجاد مراکزی در دبی توسط آمریکا برای کنترل فعالیت‌های مالی ایران.....
۷۱.....	فصل سوم: نقش ایجاد جنگ روانی علیه ریال ایران.....
۷۶.....	وقتی جنگ نرم بستر جنگ نیمه‌سخت علیه ایران می‌شود!.....
۷۹.....	بخش سوم: نقش عوامل داخلی
۸۱.....	فصل یکم: همکاری عناصر داخلی در اثربخش کردن تحریم‌ها.....
۸۷.....	فصل دوم: نقش نهاد بانک.....

۹۳	فصل سوم: نقش نهاد صرافی
۱۰۵	بخش چهارم: نقش علم اقتصاد
۱۰۷	فصل یکم: توجیهات افزایش نرخ ارز
۱۱۳	فصل دوم: اصول اقتصاد لیبرالی
۱۲۱	بخش پنجم: راه کارها و جمع بندی
۱۲۳	فصل یکم: ارائه راهکارها
۱۳۳	فصل دوم: جمع بندی
۱۳۹	منابع

مقدمه

در گذشته جنگ‌ها در زمین، دریا و هوا به صورت فیزیکی انجام می‌شد اما در حال حاضر نبرد در بازارهای مالی رخ می‌دهد و جنگ‌های مالی میدان‌های اصلی نبرد بین تمدن‌ها هستند.

نظام اقتصادی یکی از مهم‌ترین زیر نظام‌های جامعه است که می‌تواند بقا و فنای جوامع را رقم بزند. به همین علت در عصر جدید که جنگ نیمه سخت از مرسوم‌ترین شیوه‌های جنگیدن به شمار می‌رود، دشمن از ابزارهای اقتصادی برای تضعیف و براندازی جمهوری اسلامی استفاده می‌کند. کما این که غرب از سال‌های آغازین جمهوری اسلامی از تحریم‌ها برای بی‌ثبات‌سازی فضای اقتصادی ایران استفاده کرده است.

«جنگ ارزی»^۱ نوعی از جنگ مالی است که سقوط ارزش پول کشورها را در دستور کار قرار می‌دهد باهدف کوچک کردن ساختار هزینه‌ها، افزایش صادرات، ایجاد شغل و رونق بخشیدن به اقتصادهایشان به بهای تضعیف اقتصاد طرف تجاری‌شان.^۲

ارزش پول یک کشور پاشنه آشیل آن است؛ اگر پول ملی سقوط کند، همه‌چیز با آن به باد می‌رود. به همین دلیل است که در هر جنگ ارزی، خود ارز یک کشور هدف نهایی حملات قرار می‌گیرد. جان مینارد کینز بیان می‌کند که:

برای از هم پاشیدن بنیان‌های جامعه، بی‌ارزش کردن پول ملی، برترین روش ناملموس و یقینی است. فرآیند نابودی ارزش پول ملی از نیروهای پنهان قانون نابودسازی اقتصاد استفاده می‌کند و این کار را به شیوه‌ای انجام می‌دهد که حتی یک در میلیون نفر جامعه نیز قادر به شناسایی و تحلیل آن نخواهد بود.^۳

^۱ Currency War

^۲ ریکاردز، جیمز - جنگ‌های ارزی - ترجمه رحیم میلانی - تهران - ترجمه بنیاد تعاون ناجا - ۱۳۹۳ - چاپ اول

^۳ گزیده‌ای از پیامدهای اقتصادی صلح توسط جان مینارد کینز، ۱۹۱۹. ص ۲۳۵-۲۴۸.

[Excerpts from *the Economic Consequences of the Peace* by John Maynard Keynes, 1919. pp. 235-248.](#)

در این جنگ از ارز به عنوان سلاح برای وارد کردن ضربه به اقتصاد دشمن استفاده می‌شود. صرف وجود چنین تهدیدی کافی است تا کشوری مجبور شود تا در دیگر فضاها نبرد به رقبای خود امتیاز واگذار کند. هنگامی که پول دارای ارزش متغیر است و با هر نوسانی دچار تغییر ارزش می‌شود؛ به تبع آن تمام کالاها و خدمات موجود در بازار نیز تغییر قیمت پیدا می‌کنند. «جنگ ارزی» در این ساختار ربوی شکل گرفته است؛ ساختاری که در آن «پول» مبنای سنجش تمام پدیده‌ها است و خودش نیز مستقلاً واجد ارزش متغیر است. اقتصاد یکی از ارکان قدرت در کشور است. رهبر انقلاب در دانشگاه افسری امام حسین علیه‌السلام بیان کردند:

«... اقتصاد قوی و مستقل کشور ما هم مایه‌ی اقتدار ما است لذا با آن مخالفانند. تحریم می‌کنند، برای اینکه اقتصاد را ضربه بزنند تدابیر گوناگونی به کار می‌بندند که ای کاش اقتصاددان‌های مؤمن ما بیایند برای مردم تشریح کنند تدابیری را که دشمنان ما در آن سوی مرزها به کار می‌برند تا ما نتوانیم در داخل، اقتصاد محکم و مستقل و قوی داشته باشیم. چرا؟ چون اقتصاد مایه‌ی اقتدار است و یک کشوری که اقتصاد محکمی دارد، این کشور یک وسیله‌ی اقتدار دارد.»^۴

در پاسخ به این مطالبه‌ی رهبری بر آن هستیم که روند شکل‌گیری جنگ ارزی علیه ایران در سال‌های ۹۱-۱۳۹۰ را بیان کنیم.

اتفاقاتی که در آن سال‌ها پیش آمد و منجر به بحرانی گسترده در قیمت ارز و طلا شد. سقوط ارزش ریال در برابر ارزهای دیگر منجر به تورم افسارگسیخته‌ای شد که گریبان گیر مردم طبقه پایین و متوسط جامعه شد و باعث شد که سفره‌ی اقتصادی خانوار کوچک‌تر شود. بحرانی که شاید یکی از عوامل تشدیدکننده آن سیاست‌های غلط اقتصادی دولت وقت بود اما دست‌هایی پشت پرده مشاهده شد که به شدت نقش مهم‌تری در این جنگ ارزی علیه مردم ایران را بازی کردند. رهبر انقلاب چندین بار در سال‌های گذشته نسبت به وقوع جنگ اقتصادی علیه ایران هشدار داده‌اند، اما به عنوان هشدار جدی در ۲۸ شهریور ۱۳۹۵ در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران به «جادوی مالی و پولی» دشمن اشاره کردند:

^۴ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36490>

«اگر مسئولان و مردم بتوانند اقتصاد مقاومتی را به معنای واقعی محقق و کشور را از جادوی مالی و پولی دشمن خلاص کنند و ارزش و آقایی دلار را در زندگی اقتصادی بشکنند، کشورهای دیگر را نیز نجات داده‌اند و برای آن‌ها الگو خواهند شد.»^۵

یکی از مصداق‌های جادوی مالی و پولی، اتفاقی است که توسط ترکیب ابزارهای سیاست و علم اقتصاد در فرآیند جنگ ارزی رقم می‌خورد. نابودی ارزش پول یک کشور یک هدف استراتژیک است که از طریق ابزارهای جنگ ارزی در سطح عملیاتی محقق می‌شود.

جادوی پولی و مالی دلار، بشر را نابود کرده است. در جهاد کبیر باید به قواعد تعریف‌شده‌ی جهانی شک کرد و از آن‌ها تبعیت نکرد. دلار یک قاعده‌ی جهانی است که توسط استکبار تعریف‌شده است. پس طبق قاعده‌ی جهاد کبیر نباید از آن تبعیت کرد. دلار ابزار وابستگی استراتژیک به دشمن است که دشمن از این ابزار در جنگ ارزی علیه ایران استفاده می‌کند. ایران شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را در وجه سیاسی انجام داده است اما استقلال در بخش اقتصاد عملی نشده است. ایران باید درهای اقتصاد را به روی دلار آمریکا بسته و جهاد علمی و عملی علیه دلار آمریکا به کار گیرد. بقای ایالات متحده به بقای دلار گره‌خورده است. تبلور استکبار جهانی، امروز در مفهوم دلار متجلی شده است. از منظر رهبر انقلاب، جهان در غل و زنجیر هژمونی دلار آمریکا است. اگر این سلطه و سیطره‌ی دلار آمریکا را زمین بزیم، نه تنها خود که ملت‌های دیگر را نیز نجات خواهیم داد.

جنگ اقتصادی عرصه‌ی مبارزه‌ی نسل سوم انقلاب است. رهبر انقلاب از فرماندهان سپاه می‌خواهد که آقایی و سروری دلار را بشکنند؛ زیرا اقتصاددانی که همه نظام معرفتی‌اش غربی است، برای او دلار به‌مثابه یک بت است و شکستن این بت برای او غیرقابل تصور است. در این راستا برای حفظ ثبات اقتصاد کشور، نهادهایی مانند سپاه پاسداران باید قرارگاهی را برای حفظ ثبات ارزش پول کشور ایجاد کنند تا بتوانند ثبات نظام اقتصادی را حفظ و کنترل کنند.

^۵ <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=34389>

در این گزارش قصد داریم به بررسی جنگ ارزی علیه ایران که در سال‌های ۹۱-۱۳۹۰ رخ داد بپردازیم. این که دشمن چه اقداماتی را به کار گرفت تا اقتصاد ایران را از راه حمله به پولش زمین بزند. در این جنگ ارزی که توسط آمریکا علیه ایران انجام شد، بیش از ۲۰۰ درصد از ارزش ریال از دست رفت. در شکل‌گیری جنگ ارزی علیه کشور، عوامل متعددی و با درجه تأثیرگذاری متفاوت ایفای نقش نمودند که می‌توان آن‌ها را در سه دسته نقش عوامل خارجی، نقش عوامل داخلی و نقش علم اقتصاد دسته‌بندی نمود.

گروه اقتصاد استراتژیک

میز جنگ ارزی

مرکز بررسی‌های دکترینال

بخش یکم

ایران در آتش جنگ ارزی

نرخ ارز از مهم‌ترین مؤلفه‌های کلیدی در عملکرد یک اقتصاد محسوب می‌شود. نرخ ارز تعیین‌کننده حجم و ترکیب مراودات بین‌المللی یک کشور با کشورهای دیگر است. از این طریق که هرگونه تغییر در نرخ ارز سبب تغییر در قیمت کالاهای داخلی در مقایسه با کالاهای خارجی می‌شود که قدرت رقابت‌پذیری محصولات تولید داخلی را تغییر می‌دهد و موجب افزایش یا کاهش در میزان صادرات و واردات و درآمدهای ارزی کشور می‌گردد.

صادرات کالا و خدمات، دریافت وام از خارج و انتقالات ارزی از خارج به داخل (ناشی از عوامل سرمایه و نیروی کار و ورود سرمایه) منابع اصلی ارز را تشکیل می‌دهد. در مقابل، مصارف اصلی ارزی کشور ناشی از واردات کالا و خدمات (رسمی و غیررسمی) و انتقالات ارزی از داخل به خارج (از طریق عوامل سرمایه و نیروی کار خارجی‌ها در داخل کشور، خروج سرمایه از کشور و ...) و پرداخت تعهدات مربوط به بدهی‌های خارجی کشور می‌باشد.^۶

ایالات متحده از دلار به‌عنوان سلاح استفاده می‌کند. به این طریق که چون دلار ایالات متحده مبنای ذخایر و معاملات جهانی است می‌تواند در جنگ ارزی علیه کشور هدف با کاهش و یا قطع دسترسی این کشور به دلار و سیستم پرداخت جهانی به این کشور فشار وارد کند. ایالات متحده این کار را از طریق اعمال تحریم‌ها انجام می‌دهد.

رئیس‌جمهور آمریکا مبتنی بر قانون اضطراری اقتصادی اگر تشخیص دهد که فرد، گروهی یا کشوری تهدیدی غیرعادی برای آمریکا است با اعلام وضعیت فوق‌العاده ملی علیه آن کشور می‌تواند دارایی‌های آن را مسدود کند، مبادلات مالی او را متوقف کند و یا حتی اموال آن را مصادره کند؛ و در یک جمله «جنگ اقتصادی» علیه آن کشور راه بی‌اندازد. آمریکا با تحریم بانک مرکزی ایران و مسدود کردن دارایی‌های ایران جنگ اقتصادی تمام‌عیار علیه ملت ایران را رقم زد. با تحریم، ریال ایران کاملاً در حصر پول و مالی قرار می‌گیرد. آمریکا تلاش کرده تا با وضع تحریم‌های هوشمندانه به تدریج

^۶ فارس: تحلیل رسمی تحولات بازار ارز توسط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور / طرح ۱۰ راهکار برای مدیریت بازار

اقتصاد ایران را محاصره و آن را فلج کند. با تحریم‌های نفتی درآمد کشور تا حد ممکن پایین می‌آید، تحریم‌های پولی و مالی باعث می‌شود که پولی را هم که داریم نتوانیم جابه‌جا کنیم و با وجود تحریم‌های صنعت حمل‌ونقل واردات و صادرات بعضی از کالاها دچار مشکل کلیدی می‌شود. آمریکا در سال‌های اخیر، با این اقدام توانست بدون اینکه به ایران صادرات داشته باشد، از ابزار دلار برای ضربه وارد کردن به اقتصاد ایران استفاده کند.

آمریکا باهدف قرار دادن اقتصاد ایران درصدد است که ثبات و بقای نظام جمهوری اسلامی ایران را به هم بزند. تحریم‌های آمریکا علیه ایران از ابتدای انقلاب تا سال ۸۹ موردی بوده و عمدتاً توسط خود آمریکا اعمال می‌شده است اما از سال ۸۹ به بعد آمریکا تلاش کرد تا همه‌ی قدرت‌های اقتصادی را علیه ایران بسیج کند و از سویی دیگر تحریم‌ها را جامع و کامل کند و هر چیزی که می‌تواند را تحریم کند.

هم‌زمانی فشارهای اقتصادی و روانی حاصل از جنگ ارزی ۹۰-۹۱ باعث شد تا گروهی در ایران به فکر مذاکره با آمریکا بیفتند.

خلاصه‌ای از آنچه اتفاق افتاد

تحرکات افزایش نرخ ارز از مهرماه سال ۱۳۹۰ با آغاز محدودیت تبدیل درهم به ریال از بانک‌های امارات متحده عربی شروع شد. این اقدام هم‌زمان با اقدامات یک‌جانبه آمریکا برای تشدید تحریم‌های اقتصادی ایران بود و آمریکایی‌ها بازار ارز را هدف قرار دادند. افزایش قیمت درهم به ریال در بازار بزرگ‌ترین متحد تجاری کشور که به‌گونه‌ای به مرکز ورود کلیه کالاهای ایرانی از سایر کشورها تبدیل شده بود منجر به افزایش نرخ دلار به ریال شد و دائماً محدودیت‌های بانک‌های تجاری امارات و بانک مرکزی آن کشور افزایش یافت.

بحران به بازار ارز ایران منتقل و آمریکا شروع به صدور قطعنامه‌های جدید یک‌طرفه به‌منظور فلج نمودن اقتصاد ایران نمود و با اعمال جریمه‌های سنگین و به دلیل نفوذ گسترده مالی، سایر کشورهای جهان را با خود همراه نمود. بانک مرکزی و نفت ایران تحریم شدند؛ تحریمی که هر یک به‌طور جداگانه برای سقوط اقتصاد یک کشور در یک سال کافی است. درآمد ارزی نفتی ایران نصف شد و همین ارز نیز قابل‌انتقال نبود و هزینه‌های بسیار سنگینی به واردات کشور برای فرار از تحریم تحمیل شد. تحریم بانک مرکزی یک کشور حتی در شدیدترین جنگ‌های فیزیکی بین کشورها صورت نمی‌پذیرد ولی در مورد ایران اعمال شد و ضمن محدود کردن مبادلات تجاری کشور عموم بانک‌های تجاری کشور و سیستم انتقال ارز نیز تحریم شد؛ اما در کنار تمام این تحریم‌ها، جنگ روانی غرب و ایجاد ترس از آینده اقتصادی کشور

که به صورت هدفمند از طریق رسانه‌های گروهی و سایر روش‌های تبلیغاتی صورت می‌پذیرفت بحران بازار ارز کشور را تشدید نمود.^۷

روایت شمس‌الدین حسینی وزیر اقتصاد دولت دهم از جنگ ارزی:

خاطرم هست نرخ ارز در زمستان ۱۳۹۰ با یک شوک جدی مواجه شد و به ۱۸۰۰ تومان رسید. واقعیت این بود که عرضه‌ی ارز محدود و محدودتر می‌شد و تقاضای ارز از پوشش نیازهای واقعی به تقاضای جدید احتیاطی پیوند می‌خورد. از سویی تقاضای سفته‌بازی نیز شکل گرفته و افراد دارایی‌شان را به ارز تبدیل می‌کردند. در واقع نقدینگی به سمت بازار ارز سرازیر می‌شد و به دلیل تحریم بانک مرکزی و محدودیت نقل و انتقال و عدم امکان استفاده از ذخایر ارزی، قدرت مداخله بانک مرکزی نیز به شدت کاهش یافته بود. عرضه محدود، چشم‌انداز تحدید عرضه، افزایش تقاضای احتیاطی، شکل‌گیری تقاضای انتظاری جدید و... روزه‌روز فشار را به بازار ارز بیشتر می‌کرد. در این بین دغدغه تأمین کالاهای اساسی و نیازهای واقعی مردم، بسیار جدی بود. به هر حال مسائل زیادی وجود داشت که برخی از آن‌ها مانند کاهش شدید فروش نفت به صورت علنی اعلام نمی‌شد.

بازار در بحران

قطعنامه ۱۹۲۹ خرداد ۱۳۸۹ صادر شد. اولین شوک ارزی نیز حوالی مرداد تا شهریورماه ۱۳۸۹ روی داد. البته در مهر و آبان ماه نیز شاهد تلاطم‌های جزئی بودیم؛ اما در آذرماه تقریباً به ثبات رسیدیم. وقتی وارد سال ۱۳۹۰ شدیم در شش ماه اول سال اوضاع مناسب بود؛ اما از اواخر پاییز این فاصله و اختلاف نرخ‌ها در بازار ارز بیشتر می‌شد. با تحریم بانک مرکزی و تحریم خرید نفت از ایران، بازار ارز، شوک‌های جدیدی را تجربه کرد. فشار اصلی یعنی

^۷ فارس: شوک ارزی سال ۹۰ از کجا آب خورد؟

تحریم بانک مرکزی در زمستان سال ۱۳۹۰ خودش را نشان داد و فشار تحریم نفتی در بهار سال ۱۳۹۱ اوج گرفت. لذا ما در سال ۱۳۹۱ به مرحله‌ای رسیدیم که بانک مرکزی در توان خود برای ایفای نقش مداخله‌ای در بازار ارز و حالا یک بازار متصور یعنی بورس یا گواهی ارزی دچار تردید می‌شود.

در زمستان (دی‌ماه) سال ۱۳۹۰ بانک مرکزی ایران تحریم شد. طبیعی است که پس از تحریم، ما شاهد شوک‌هایی در بازار ارز باشیم. اگرچه ظرف مدت ۶ ماه در بازار ارز شاهد افزایش ۶۰۰ تومانی قیمت‌ها بودیم ولی با این حال نرخ ارز در تابستان ۱۳۹۰، حدود ۱۳۸۰ تومان بود اما در زمستان ۱۳۹۰، به ۱۸۰۰ تومان رسید. یادم هست مذاکرات هسته‌ای شروع شده و به جاهای حساس رسیده بود. تا سال ۱۳۸۹ نه تنها منابع ارزی کشور خوب و مناسب بود بلکه مازاد ارزی تجاری هم وجود داشت. بانک مرکزی سعی می‌کرد با استفاده از ذخایر خودش بازار را مدیریت کند. در ماه‌های اول سال ۱۳۹۰ این امکان وجود داشت اما در نیمه دوم این سال اتفاقی که افتاد این بود که بانک مرکزی که مسئول کنترل این عدم تعادل‌ها بود خودش تحریم شد و به نوعی راه استفاده از ذخایر ارزی برای تنظیم بازار بسته شد. در سال ۱۳۹۱ در کنار تحریم بانک مرکزی، خرید نفت نیز تحریم شد؛ یعنی فشار مضاعفی به بخش مالی و درآمد ارزی کشور وارد شد. لذا در سال ۹۱ به نقطه‌ای رسیدیم که نمی‌توانستیم از ذخایرمان استفاده کنیم و درآمدهای نفتی مان هم رو به افول بود. پس طبیعتاً نمی‌توانستیم با نرخ‌های موجود، بازار را کنترل کنیم. لذا شما می‌بینید از اواسط سال ۹۱ یعنی از حدود تیر و مرداد، به سمتی می‌رویم که به جای استفاده از ذخایر ارزی، برای کنترل نرخ ارز، باید ذخایر ارزی مان را حفظ و لاجرم نرخ ارز را تعدیل کنیم.^۸

^۸ مهرپور، مهدی - محرمانه‌های اقتصاد ایران - تهران - نشر نور علم - ۱۳۹۵ - جلد اول

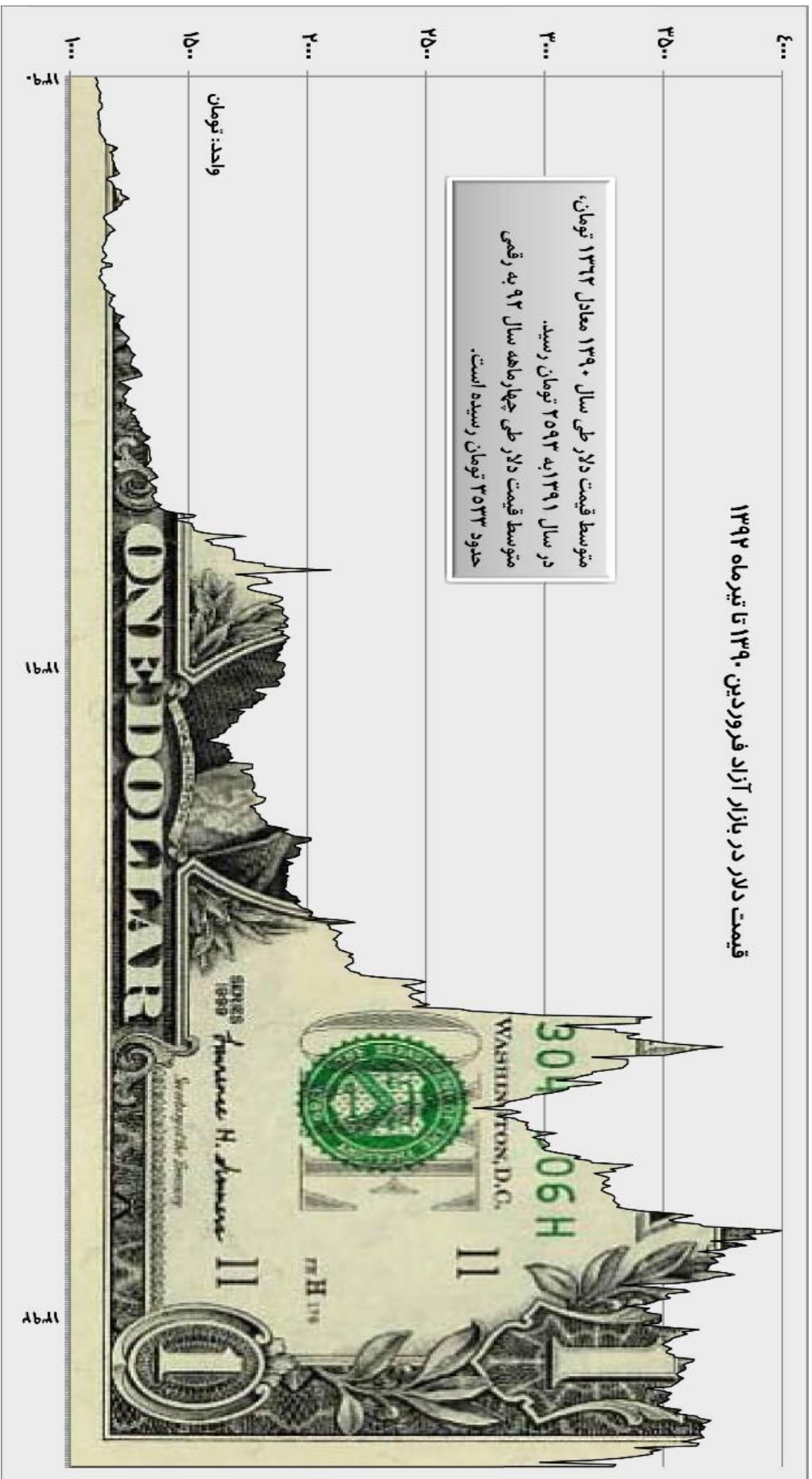
نرخ ارز در بازار آزاد در پایان سال ۸۹ معادل ۱۰۳۳۷ ریال بود. قیمت‌های بازار ارز از مهر ۹۰ شروع به بالا رفتن کرد. دولت در بهمن ۹۰ نرخ مرجع را ۱۲۲۶ تومان تعیین کرد اما در پایان اسفند سال ۹۰، بهای ارز در بازار آزاد به میزان ۱۸۹۲۶ ریال تعیین شد. جنگ ارزی سال ۹۰ در سال ۹۱ نیز ادامه یافت. به دنبال اجرایی شدن تحریم بانک مرکزی و نفت ایران در تابستان ۹۱ نرخ ارز از حدود ۱۸۰۰۰ ریال در تیرماه، به حوالی ۲۳۰۰۰ ریال در پایان شهریور ۹۱ رسید. افزایش دلار در مهر ۹۱ به بالای ۳۵۰۰ تومان رسید. در ۳ مهر ۹۱ دلار ۲۴۰۰ تومان مبادله می‌شد اما در طول یک هفته بعد یعنی در ۱۱ مهر ۹۱ قیمت دلار به ۳۶۰۰ تومان می‌رسد که به معنای سقوط ۵۰ درصدی ارزش ریال فقط در طول یک هفته است. این افزایش همچنان در سال ۹۱ ادامه داشت و نرخ دلار در بازار آزاد حتی تا مرز ۴۰۰۰ تومان هم افزایش یافت.

به طور متوسط می‌توان گفت که ارزش پول ملی ایران در طی سال‌های ۹۰-۹۲ بیش از دو برابر درصد سقوط کرده است.

تحریم بانک مرکزی و تحریم خرید نفت به عنوان منبع درآمد ارزی کشور همراه با حملات سوداگرانه به بازار ارز، منجر به جنگ ارزی شد. مراحل نوسانات دلار در نمودار زیر مشخص شده است.

قیمت دلار در بازار آزاد فروردین ۱۳۹۰ تا تیرماه ۱۳۹۲

متوسط قیمت دلار طی سال ۱۳۹۰ معادل ۱۳۶۲ تومان، در سال ۱۳۹۱ به ۲۵۹۳ تومان رسید. متوسط قیمت دلار طی چهارماهه سال ۹۲ به رقمی حدود ۲۵۳۳ تومان رسیده است.



بخش دوم

نقش عوامل خارجی

فصل یکم

وزارت خزانهداری

نهاد عملیاتی جنگ اقتصادی علیه ایران

آمریکا برای رهبری جنگ اقتصادی علیه ایران ستاد فرماندهی دارد. این فصل به بررسی این نهادهای عملیاتی و نقش دلار در این جنگ ارزی می‌پردازد.

جنگ اقتصادی محور اصلی تهدید آمریکا علیه ایران را تشکیل می‌دهد. تحریم‌های وضع شده علیه ایران در چند سال گذشته عمدتاً ماهیت اقتصادی داشته و برای فلج کردن اقتصاد ایران طراحی شده‌اند.

جنگ ارزی علیه ایران جنگ ارزی چریکی است. در این جنگ ارزی دشمن با استفاده از تحریم‌ها و دلار در محیط اقتصادی جهان در نسبت با ایران بی‌ثباتی ایجاد می‌کند و محیط مالی را برای تعاملات اقتصادی با ایران ناامن می‌کند. دشمن جنگ ارزی علیه ایران را آغاز کرده تا بتواند با ایجاد عدم ثبات ارزی و کاهش ارزش پولی، کشور را با چالش مواجه سازد.

یکی از اهداف سیاسی جنگ ارزی فقیرتر کردن کشور هدف و کوچک کردن ثروت و اقتصاد کشور هدف است که این امر از طریق تغییر نرخ ارز انجام می‌گیرد. جنگ ارزی لزوماً برای اهداف اقتصادی نیست بلکه بیشتر برای اهداف سیاسی و نظامی انجام می‌پذیرد و این یک دکترین است.

ورود وزارت خزانه‌داری به قرارگاه مرکزی جنگ اقتصادی در آمریکا

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر هیئت حاکمه‌ی آمریکا بهانه‌ی خوبی پیدا کرده بود تا برخی اصلاحاتی که برای بازسازی ساختار دفاعی و امنیتی کشورش لازم می‌دید را پیاده‌سازی کند. یکی از این اصلاحات ساختاری در «وزارت خزانه‌داری»^۹ آمریکا رقم خورد و باعث شد که این وزارتخانه از ۱۱ سپتامبر به بعد در کنار سازمان‌های امنیتی و دفاعی آمریکا، عضوی از

^۹ Treasury Department

اعضای جامعه اطلاعاتی ایالات متحده به شمار بیاید. جی سولومون در کتاب مهم خود تحت عنوان «جنگ‌های ایران: بازی جاسوسی، نبرد بانک‌ها و توافقات پشت پرده» طی روایت اتفاقات مربوط به جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران، نقش وزارت خزانه‌داری را این‌گونه توصیف می‌کند:

طی پنج سال اخیر (۲۰۱۶) وزارت خارجه و کنگره آمریکا پیگیر یک جنگ مالی شدیدی علیه ایران جهت اجبار تهران به پایان دادن به برنامه هسته‌ایش بوده‌اند. تحریم‌های آمریکا تقریباً تمامی بخش‌های اقتصاد ایران به‌ویژه بانک‌ها، شرکت‌های باربری و بخش بیمه را نشانه گرفته بودند؛ در سال ۲۰۰۴ دولت جورج بوش یک اداره جدید در وزارت خزانه‌داری ایجاد کرد؛ این مجموعه «اداره تروریسم و اطلاعات مالی»^{۱۰} یا TFI نام‌گذاری شد و شامل واحدهایی بود که تمرکزشان بر جمع‌آوری اطلاعات جاسوسی، تحریم‌ها و جنایت مالی بود. تا آن سال (۲۰۰۴)، دولت‌های قبلی آمریکا گاهی از «وزارت خزانه‌داری» برای تنبیه دشمنان آمریکا به‌واسطه‌ی تحریم‌های اقتصادی، ردیابی تراکنش‌های مالی دلان اصلی مواد مخدر آمریکای لاتین و رهبران جرائم سازمان‌یافته آمریکایی استفاده می‌کردند؛ اما «وزارت خزانه‌داری» هنوز از یک کرسی در پای میز دستگاه امنیت ملی کشور برخوردار نشده بود. این وزارتخانه یک «بازیگر حاشیه‌ای» در امور امنیت ملی بود؛ با این‌که ادارات آن در ساختمان مجاور کاخ سفید قرار داشتند!

این وضعیت، بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر شدیداً تغییر یافت. دولت بوش به‌سرعت استراتژی‌هایی با اولویت بالا برای قطع کمک‌های مالی به گروه‌های تروریستی در سطح جهان را در اولویت کاری خود قرار داد و «وزارت خزانه‌داری» در هسته‌ی مرکزی این اقدامات قرار گرفت.^{۱۱}

^{۱۰} Office of Terrorism and Financial Intelligence

^{۱۱} Jay Solomon, "The Iran Wars, Spy Games, Bank Battles, and the Secret Deals That Reshaped the Middle East", Random House, 2016.

وزارت خزانهداری نهاد عملیاتی جنگ اقتصادی با ایران

دلار؛ سلاح اصلی مبارزه

آمریکایی‌ها در طی جریان مقابله‌ی اقتصادی خود با جمهوری اسلامی ایران، به این مؤلفه‌ی کلیدی رسیده‌اند که باید از طریق کنترل ارز غالب (دلار) ضربه‌ی اصلی خود را وارد کند. از این رو، همان طور که «هنری کیسینجر»^{۱۲} گفته است که برای اداره‌ی جهان باید پول را به کنترل خود درآورد، جی سالومون^{۱۳} هم به نقل از «وان زاراته»^{۱۴} (یکی از افراد دولت بوش که به رهبری عملیات ضد تروریستی وزارت خزانهداری بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر نقش بسیاری داشت)، به این موضوع تأکید می‌کند:

ما دریافتیم که جلوگیری از دسترسی دشمنان آمریکا به دلار یک وسیله و عامل حیاتی در مجازات کردن آن‌ها بود. چنین وسیله‌ای به‌عنوان یک سلاح مؤثر در معماری امنیت ملی ما پدیدار گشت.^{۱۵}



^{۱۲} Henry Kissinger

^{۱۳} Jay Solomon

^{۱۴} Juan Zarate

^{۱۵} Ibid

در دامنه‌ی این دکترین اساسی (اداره‌ی جهان از طریق کنترل پول)، وزارت خزانه‌داری آمریکا مأموریت ویژه‌ی خود را تعریف کرد و نقل‌وانتقال مالی ایران را زیر ذره‌بین سازمان‌های ناظر خود قرار داد تا از طریق ره‌گیری تراکنش‌های مالی ایران، توسط ابزاری به نام تحریم کنترل پول را در اختیار بگیرد.

ستاد فرماندهی جنگ اقتصادی

در جنگ سخت اتاق فرماندهی جنگ برای هدایت و برنامه‌ریزی عملیات‌ها وجود دارد. آمریکا برای هدایت و رهبری جنگ اقتصادی علیه ایران ستاد فرماندهی دارد. اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر مختلف پشت این جنگ اقتصادی وجود دارند که به نهادهای رسمی آمریکا مشاوره می‌دهند و تصمیم می‌سازند که آمریکا چگونه در این جنگ عمل کند. تعداد قابل توجهی از اتاق‌های فکر معروف آمریکایی در قضیه تحریم فعال هستند. از مرکز تحقیقاتی کنگره گرفته تا اندیشکده «بروکینگز»، اندیشکده «کارنگی»، «بنیاد دموکراسی» و ... علاوه بر این اتاق فکرها در یک سطح بالاتر یک مرکز فرماندهی برای این جنگ اقتصادی وجود دارد. این مرکز فرماندهی شامل سه تا از وزارتخانه‌های ایالات متحده می‌شود: وزارت خزانه‌داری^{۱۶}، وزارت امور خارجه^{۱۷}، وزارت دادگستری^{۱۸} و همچنین سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا^{۱۹}. از این چهار سازمان؛ دو سازمان عضو جامعه اطلاعاتی ایالات متحده هستند.

نهاد اصلی این ستاد فرماندهی وزارت خزانه‌داری است که وظیفه اعمال تحریم‌ها و حفظ ساختار تحریم‌ها را بر عهده دارد. وظیفه دیگر این نهاد اجرای اقدامات تنبیهی علیه کشورها نهادها اشخاصی است که تحریم‌های ایالات متحده را نقض کنند.

یکی از وظایف سازمان سیا جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز در کشورهای هدف برای اعمال جنگ اقتصادی است. البته اگر شرایط ایجاب کند جاسوسان سازمان سیا در کشورهای هدف عملیات میدانی هم انجام می‌دهند. عملیاتی مثل دست‌کاری در بازارهای تجاری آن کشور یا چاپ پول در آن کشورها برای از بین بردن ارزش پول آن کشور. جلوگیری از ارتباطات

^{۱۶} United States Department of the Treasury

^{۱۷} United States Department of State

^{۱۸} United States Department of Justice

^{۱۹} Central Intelligence Agency

تجاری و اقتصادی ایران با دیگر کشورهای جهان یکی از عملیات میدانی سازمان سیا برای جلوگیری از اقدامات ایران در منطقه است.

وزارت امور خارجه در درون خود؛ سازمانی را برای پیاده‌سازی تحریم‌ها دارد. «اداره سیاست‌گذاری و پیاده‌سازی تحریم‌های اقتصادی» در وزارت امور خارجه مسئول توسعه و اجرای تحریم‌های مربوط به سیاست خارجی است که برای مبارزه با تهدیدات امنیت ملی مطرح شده است. این سازمان حمایت‌های بین‌المللی را برای اجرای تحریم‌های اقتصادی جلب می‌کند، رهنمودهای سیاست خارجی را برای وزارت خزانه‌داری در اجرای تحریم‌ها فراهم می‌کند و با کنگره همکاری می‌کند تا قوانینی را پیش‌بینی کند که اهداف سیاست خارجی ایالات‌متحده را در کشورهای تحریم شده به پیش ببرد.

از حیث تنوع و گستردگی، تحریم‌های آمریکا علیه ایران یکی از وسیع‌ترین تحریم‌های تصویب‌شده علیه یک کشور است و وزارت خزانه‌داری آمریکا بدون شک مهم‌ترین عامل در ایجاد چنین رژیم‌ی از تحریم‌ها علیه ایران است. «اداره تروریسم و اطلاعات مالی» یا TFI بازوی اجرایی وزارت خزانه‌داری برای جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل اطلاعات مالی، برنامه‌ریزی و اجرای تحریم‌های اقتصادی و تجاری در حمایت از اهداف امنیت ملی و سیاست خارجی آمریکا است. اداره تروریسم و اطلاعات مالی پنج سازمان را زیرمجموعه خود دارد. وزارت خزانه‌داری با اداره تروریسم و اطلاعات مالی خود به شکلی کاملاً پلیسی شرکت‌ها و مؤسسات کشورهای مختلف را در رابطه با تعامل با ایران دنبال می‌کنند. قابل‌ذکر است که اداره تروریسم و اطلاعاتی مالی وزارت خزانه‌داری یکی از سازمان‌های جامعه اطلاعاتی آمریکا است.

نقش وزارت دادگستری در جنگ اقتصادی علیه ایران این است که دادستان‌های عمومی و وکلای حقوقی برای هدف قرار دادن منابع مالی ایران به وزارت خزانه‌داری و وزارت خارجه‌ی آمریکا پیوستند. نقش وزارت دادگستری در پیگیری اموال ایران در خارج از کشور و بلوکه کردن و حتی تصاحب این اموال به بهانه‌های مختلف حائز اهمیت است. وزارت دادگستری، کشورها و نهادهایی که تحریم‌های وزارت خزانه‌داری را زیر پا می‌گذارند مجازات می‌کند. جی سولومون نقش وزارت دادگستری را این‌گونه توصیف می‌کند:

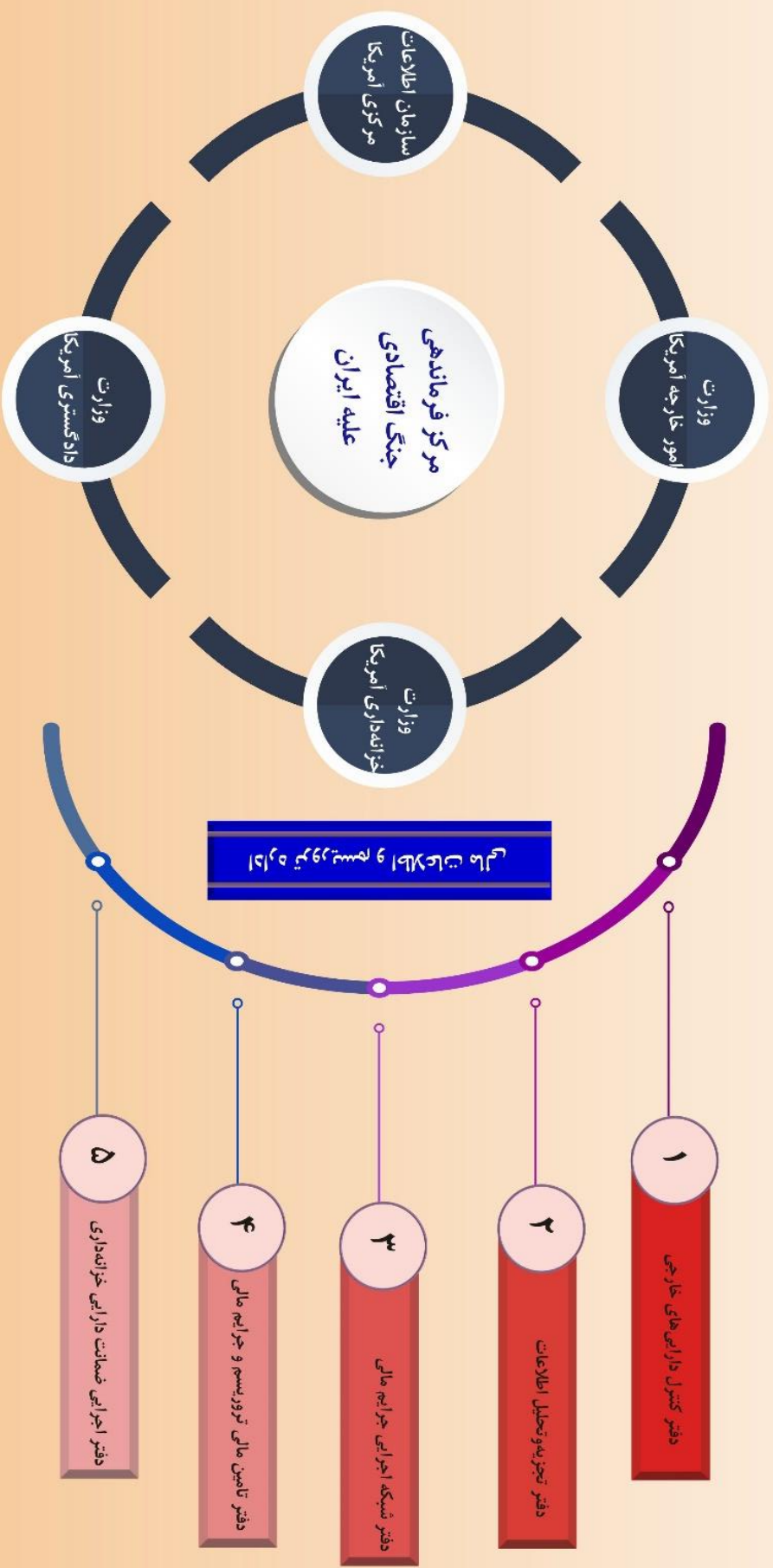
«رابرت مورجینتا^{۲۰}» یهودی الاصل که یکی از مقامات قضایی آمریکا است احساس وظیفه می‌کرد تا با استفاده از نظام مالی نیویورک و نفوذ عظیم آن در اقتصاد جهانی، قانون مالی آمریکا را به بانک‌های جهان اعمال کند و دشمنان واشنگتن را به سزای اعمال خود برساند.

^{۲۰} Robert Morgenthau

این وظیفه‌شناسی برای او در سال‌های آخر خدمتش به‌گونه‌ای بود که تنبیه کردن ایران برایش تبدیل به یک عقده شده بود.

در سال ۲۰۰۵ یکی از دستیاران اصلی مورجیتتا در دفتر بازپرسی بخش منهن نیویورک یک افسر سابق ارتش اسرائیل به نام «ایتان آروسی»^{۲۱} بود. این شخص ۳۲ ساله زمانی نیز به‌عنوان سخنگوی نیروهای نظامی اسرائیل خدمت می‌کرد. او در زمان خدمتش در ارتش اسرائیل نیز در زمینه‌ی ردیابی منابع مالی دشمنان کشور یهود همچون حزب‌الله، حماس و حامی اصلی آن‌ها یعنی ایران، مهارت کسب نموده بود. آروسی و ارگان‌های اعمال قانون نیویورک منابع مالی بنیاد «بنیاد علوی» را تعقیب و تصاحب کردند. پیش از استوارت لیوی، مورجیتتا نیز معتقد بود که کشورها زمانی قانون اعمال فشار بر ایران را رعایت می‌کنند که منابع مالی خودشان را در مخاطره دیده باشند. جریمه‌های بانک‌های اروپایی در نیویورک باعث شد یک فشار ناگهانی توسط این بانک‌ها در اوایل سال ۲۰۱۰ به ایران ایجاد شود که در جهت قطع تمامی روابط مالی‌شان با ایران بیانجامد.

^{۲۱} Eitan Arusy



تلاش آمریکا برای اخذ اجماع جهانی علیه ایران

اخذ اجماع جهانی و منطقه‌ای و پرهیز از تکرور اقتصادی یکی از مؤلفه‌های دکترین استراتژیک اقتصادی آمریکا است. یکی از استراتژی‌هایی که در دولت اوباما به کار گرفته شد و موفقیت‌آمیز هم بود این بود که واشنگتن توانست ائتلافی از کشورهای مختلف برای مقابله با ایران به وجود بیاورد که منافع بسیار متفاوت از هم داشتند. ائتلافی متشکل از کشورهای اروپایی و آسیایی. وزارت خزانه‌داری با همکاری کنگره نوع جدیدی از جنگ اقتصادی علیه ایران را آغاز کرد. استراتژیست‌های اقتصادی آمریکا در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران، نسبت به راه انداختن یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی کاملاً به تصمیم رسیده بودند. «استوارت لیوی»^{۲۲} معاون یهودی وزیر خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی؛ از نخستین افرادی بود که در این حوزه نقش‌آفرینی کرد. هم‌زمان با تأسیس «اداره تروریسم و اطلاعات مالی» در سال ۲۰۰۴ و تفویض نخستین حکم مسئولیت به استوارت لیوی، مشخصاً ایران زیر ذره‌بین‌های وزارت خزانه‌داری قرار گرفت. وی در سال ۲۰۰۶ پیشنهاد تحریم‌های جدید را به «کاندولیزا رایس»^{۲۳} ارائه کرد و کمپین مجاب کردن بازار جهانی برای قطع رابطه اقتصادی با ایران را آغاز کرد. استوارت لیوی به حدود ۸۰ کشور سفر کرد و در دیدار با مدیرعامل بانک‌ها سعی کرد آن‌ها را قانع کند که رابطه مالی با ایران ریسک بالایی دارد.

در زمستان سال ۲۰۰۶ لیوی فهرستی از سلاح‌های مالی^{۲۴} برای پیشبرد لشکرکشی‌های جدید دولت بوش علیه تهران به «کاندولیزا رایس» ارائه داد. او به رایس گفت که تمرکز اولیه کوچک و محدود خواهد بود و آن عبارت است از قطع دسترسی بانک‌های عمده دولتی ایران مانند بانک ملی، صادرات، سپه و ملت به دلار آمریکا. معاملات عمده بازرگانی بین‌المللی از جمله فروش نفت و گاز تقریباً همیشه با ارز ایالات متحده انجام می‌گیرد؛ زیرا که نرخ آن ثابت و دسترسی به آن سهل می‌باشد. لیوی بحث کرد که در ابتدای کار بعید است آمریکا بتواند حمایت شورای امنیت سازمان ملل از تحریم‌ها علیه این بانک‌ها را جلب کند؛ زیرا که بسیاری از شرکت‌های اروپایی، چینی و روسی هنوز با ایران تجارت می‌کردند؛ اما او اعتقاد داشت که به‌مرور زمان اقدامات یک‌جانبه‌ی آمریکا در قبال این بانک‌ها تأثیر

^{۲۲} Stuart Levey

^{۲۳} Condoleezza Rice

^{۲۴} Financial Weapons

ویرانگرانه‌ای بر معاملات آن‌ها خواهد داشت. هر بانک یا شرکت معتبر خارجی برای انجام تجارت بین‌المللی الزاماً نیاز به دسترسی به دلار آمریکا دارد. به گفته‌ی لیوی: نگاه ما اعمال یک جنگ فزاینده مالی^{۲۵} بود که هیچ انتهای مگر با تسلیم شدن ایران در پیش نداشت و وزیر خارجه رایس هم از بدو کار کاملاً با ما همراه و پشتیبانمان بود.^{۲۶}

همان‌طور که گفته شد وزارتخانه‌های مختلف ایالات متحده در جنگ اقتصادی علیه ایران درگیر هستند. جی سولومون در زیر به همکاری کنگره و وزارت امور خارجه اشاره می‌کند و در ادامه جنگ مالی ایالات متحده علیه ایران را این‌گونه بیان می‌کند:

طی پنج سال اخیر (از سال ۲۰۱۲ تا سال ۲۰۱۶) وزارت خارجه و کنگره آمریکا پیگیر یک جنگ مالی شدیدی علیه ایران جهت اجبار تهران به پایان دادن به برنامه هسته‌ایش بوده‌اند. تحریم‌های آمریکا تقریباً تمامی بخش‌های اقتصاد ایران به‌ویژه بانک‌ها، شرکت‌های باربری و بخش بیمه را نشانه گرفته بودند؛ اما قلب راهکار واشنگتن علیه ایران بیش‌ازپیش خشکاندن صادرات نفتی این کشور که حدود ۷۰ درصد کل بودجه تهران را تأمین مالی می‌کرد بود که با فلج کردن توانایی‌اش برای انجام هرگونه تجارتی عجین شده بود. مقامات آمریکایی اعتقاد داشتند که محروم کردن ایران از این پول نقد احتمالاً تنها راه به‌غیراز جنگ نظامی برای وادار ساختن این کشور به تسلیم شدن در مورد کارهای هسته‌ایش می‌باشد.^{۲۷}

^{۲۵} Escalating Financial War

^{۲۶} Jay Solomon, "The Iran Wars, Spy Games, Bank Battles, and the Secret Deals That Reshaped the Middle East", Random House.

^{۲۷} Ibid



استوارت لیوی

رئیس وقت اداره‌ی «تروریسم و اطلاعات مالی» در وزارت خزانه‌داری

به‌موازات تشکیل ستاد فرماندهی برای جنگ اقتصادی علیه ایران تعداد کمی از مقامات ایرانی نیز به این مسئله پی برده بودند. سردار جلالی؛ رئیس سازمان پدافند غیرعامل از تشکیل قرارگاه در جنگ اقتصادی توسط آمریکا سخن می‌گوید:

در حوزه اقتصاد همه فکر می‌کردند که با یک مجموعه منفردی از تهدیدکننده مواجه هستیم و گروه‌ها یا کشورهایی می‌آیند و تک‌به‌تک ما را تهدید کرده و رها می‌کنند، سه سال موضوعی را در دبیرخانه شورای امنیت ملی مطرح کردیم که آمریکایی‌ها قرارگاه تشکیل داده در وزارت

خزانه‌داری و کار طرح‌ریزی تحریم و جنگ اقتصادی را در آنجا از طریق گروه‌های مختلف کنترل و دنبال می‌کنند که متأسفانه آن موقع توجه نشد.

آمریکایی‌ها در این قرارگاه جنگ اقتصادی، تمام ابزارهای سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک و اطلاعاتی، امنیتی و همه مؤلفه‌های قدرت اقتصادی و نظامی را جمع‌آوری کرده و اتاق‌های فکر پیچیده ترتیب داده‌اند که در حوزه‌های مختلف برای آن‌ها کار کند، اینکه دست روی هر حوزه‌ای می‌گذاریم، آن حوزه سریع تحریم می‌شود، خودبه‌خود و اتفاقی صورت نمی‌گیرد آن‌ها شبکه کشف هدف‌دارند و برای این اطلاعات هزینه می‌کنند.^{۲۸}

روایت شمس‌الدین حسینی؛ وزیر وقت اقتصاد از اعمال فشار آمریکا

تجار سایر کشورها می‌دانستند اگر با ایران کار کنند باید قید رابطه تجاری با آمریکا را بزنند. چون حجم کاری اکثر کشورها با آمریکا بیشتر بود، کشورها مجبور بودند برای آنکه بتوانند با آمریکا کار کنند قید تجارت با ایران را بزنند. در بسیاری از موارد وقتی با مسئولین دولت‌های مختلف صحبت می‌کردیم آن‌ها قول همکاری داده و همکاری نیز می‌کردند، اما وقتی بازرگان آن کشور حاضر به همکاری با شما نیست چکار می‌شود کرد؟ این مسائل پیچیدگی‌هایی بود که باعث شد در سال ۹۰ و ۹۱ شرایط سخت‌تر شود.

غربی‌ها به درستی مدعی بودند که این تحریم‌ها هوشمند و پویا است. آن‌ها کمیته‌ای تشکیل داده بودند که تمام فعالیت‌های اقتصادی ما را رصد می‌کرد. این کمیته در گزارشی می‌گوید: ما با سفر به ۶۰ کشور دنیا، تمام تحرکات مقامات اقتصادی ایران را رصد کردیم.

یعنی این یک جنگ فعال بود، به همان میزانی که ما تلاش می‌کردیم به کانال‌ها و مجاری عملیات اقتصادی خود تنوع ببخشیم آن‌ها نیز مقابله می‌کردند. چیزی که غربی‌ها انتظار داشتند این بود که اقتصاد ایران در مقابل این تحریم‌ها فروپاشی کند. من تردیدی ندارم اگر

^{۲۸} ایرنا: سردار جلالی: باید پذیرفت که وارد جنگ اقتصادی شده‌ایم

همکاری‌های داخلی وجود داشت ما هزینه‌های خیلی کمتری در تحریم می‌پرداختیم. بخش عمده‌ای از وقت ما صرف توضیح امور برای عده‌ای در داخل کشور می‌شد تا فقط آن‌ها قانع و ساکت شوند.^{۲۹}

بی‌تردید، مهم‌ترین علت در پذیرفتن سلطه‌ی مالی آمریکا در این کشورها، ترس از تحریم‌های آمریکا بود. آمریکا نشان داد که حاضر است شرکت‌ها را با جریمه‌های چندین میلیارد دلاری جریمه کند؛ بنابراین درست است که ایران مبادله‌های تجاری زیادی با ایالات‌متحده ندارد و تحریم بانک مرکزی ایران توسط این کشور به‌تنهایی نمی‌تواند تأثیرگذاری چندانی داشته باشد، اما دنباله‌روی سایر کشورها از ایالات‌متحده و نقش کلیدی دلار در مبادله‌های جهانی، در حقیقت شرایط را برای ایران سخت کرد.

^{۲۹} مهر پور، مهدی- محرمانه‌های اقتصاد ایران- تهران- نشر نور علم- ۱۳۹۵- جلد اول

یوترن

مرکز سیاست دوحزبی^{۳۰} آمریکا در پاییز سال ۱۳۸۷ سندی درباره نحوه برخورد با ایران منتشر کرد؛ در این سند که استراتژی «دایم پارادایم»^{۳۱} را تشریح می‌کند، یکی از سیزده استراتژی آمریکا برای به زمین زدن ایران ارائه شده است.^{۳۲} «دایم DIME» مخفف چهار استراتژی است که عبارت‌اند از:

Diplomatic, Informational, Military & Economic Strategies

در «دایم پارادایم» چهار نوع استراتژی علیه ایران هم‌زمان اجرا می‌شود. «دایم» نام کوچک‌ترین سکه در ایالات متحده است. تحت این استراتژی، آمریکا فشارها را از چهار حوزه دیپلماتیک، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی به ایران وارد می‌کند. با سرکار آمدن اوباما این استراتژی لازم‌الاجرا بود. فصل استراتژی اقتصادی این سند یوترن را بیان می‌کند.



در ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ بر اساس دستور جیمی کارتر رئیس‌جمهور وقت آمریکا کلیه اشخاص آمریکایی مکلف شدند دارایی‌های ایران نزد خود را توقیف کنند؛ از این رو، هرگونه نقل و انتقال وجوه متعلق به ایران از سوی بانک‌های آمریکایی ممنوع شده بود. بعد از «پیمان برتون‌وودز» دلار آمریکا مبنای معاملات جهانی شد، آمریکا مبتنی بر این پیمان بین‌المللی که ایران

نیز جزو آن بود نمی‌توانست ارتباط ایران را با دلار قطع کند. در این راستا ایالات متحده در

۲۴ آبان ۱۳۵۸ (۱۵ نوامبر ۱۹۷۹) با طراحی چرخه‌ی یوترن دسترسی مستقیم ایران به دلار را قطع کرد. وزارت خزانه‌داری ایالات متحده در بخش مقررات کنترل دارایی‌های ایران^{۳۳} استثناء U-Turn^{۳۴} یا دوربرگردان را طراحی کرد.

^{۳۰} *Bipartisan Policy Center*

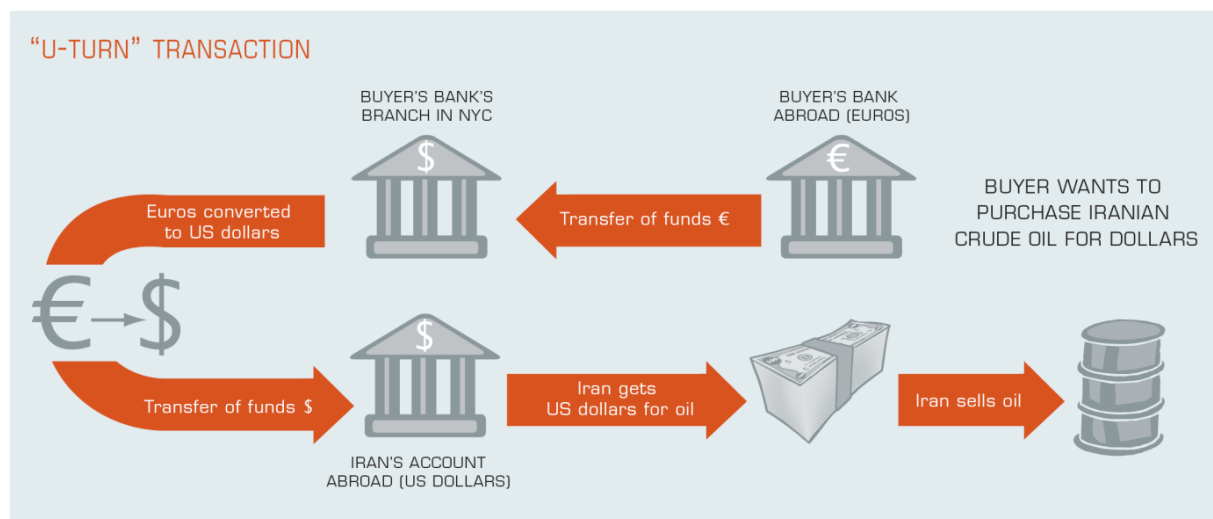
^{۳۱} *Dime Paradigm*

^{۳۲} آمریکا چند نوع مرکز تصمیم‌ساز دارد که تصمیمات لازم برای حزب دموکرات، جمهوری خواه یا مراکز نظامی، علمی و دانشگاهی را تأمین می‌کنند. یکی از مراکز که محل توافق هر دو حزب جمهوری خواه و دموکرات است و تصمیمات مشترک ایشان در آن تهیه می‌شود به «مرکز سیاست دوحزبی» شناخته می‌شود.

^{۳۳} *Iranian Assets Control*

^{۳۴} چرخه‌ی دلاری به آن دسته از پرداخت‌های بین‌المللی مربوط می‌شود که مبدأ و مقصد آن‌ها در خارج از آمریکا است ولی تسویه آن‌ها در داخل آمریکا انجام می‌گیرد. در یک نقل و انتقال U-Turn بانک‌های آمریکایی و هم بانک‌های غیر آمریکایی عملیات انجام می‌دهند. اگر در یک نقل و انتقال، بانک‌های آمریکایی مداخله نداشته باشند به آن U-Turn دلاری گفته نمی‌شود.

سازوکار یوترن این گونه طراحی شده بود که بانک‌های آمریکایی به‌رغم این که حق نداشتند مستقیم یا غیرمستقیم به اشخاص ایرانی سرویس بدهند یا برای آن‌ها حساب باز کنند یا خدماتی را به آن‌ها بدهند، اما در یک مورد می‌توانند به‌طور غیرمستقیم به ایران سرویس نقل‌وانتقال دلاری بدهند و آن نیز هنگامی است که دو بانک غیر آمریکایی نزد دو بانک آمریکایی حساب داشته باشند و قرار باشد وجهی در این حساب‌ها جابه‌جا شود و ذی‌نفع نهایی آن وجه یک یا چند شخص ایرانی باشند. در چنین صورتی، نقل‌وانتقال یادشده اگرچه نوعی ارائه خدمت غیرمستقیم به اشخاص ایرانی است، اما مجاز است.



از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۷ نظام مالی ایران مبتنی بر یوترن کار می‌کرد. با استفاده از چرخه‌ی یوترن، بانک‌های ایرانی بدون داشتن ارتباط مستقیم با سیستم بانکی آمریکا و با استفاده از بانک‌های کشورهای دیگر می‌توانستند از خدمات دلاری استفاده کنند. بر همین اساس ایران می‌توانست مهم‌ترین تجارت خارجی خود یعنی فروش نفت خام خود را با استفاده از دلار انجام دهد. همچنین در طرف دیگر و در واردات از ارز دلار استفاده کند. این کار تحت نظارت وزارت خزانهداری در خاک آمریکا انجام می‌شد؛ اما در زمستان سال ۱۳۸۷ در دولت اوباما این چرخه دوربرگردان هم برداشته شد. وزارت خزانهداری قبلاً دسترسی بانک‌های دولتی ملی، سپه، آینده و توسعه‌ی صادرات ایران را به چرخه‌ی یوترن به بهانه تأمین مالی تروریسم قطع کرده بود اما در نوامبر ۲۰۰۸ استثناء یوترن را برای تمام بانک‌های ایرانی اعم از دولتی و خصوصی همچنین بانک مرکزی ایران ملغی اعلام کرد و مؤسسات مالی آمریکا دیگر اجازه نداشتند که این نقل و انتقالات یوترن را انجام دهند.^{۳۵} با این رویکرد عملاً دیگر ایران نمی‌توانست به دلار آمریکا دسترسی داشته باشد.

^{۳۵} Treasury: <https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/hp1257.aspx>

دلار؛ اسلحه آمریکا در جنگ ارزی

ایالات متحده از دلار به عنوان سلاح استفاده می‌کند. در زیر به نمونه‌هایی از اظهارنظرهای استراتژیست‌های ایالات متحده درباره استفاده از دلار به عنوان سلاح اشاره می‌کنیم:

۱. وزارت خزانه‌داری آمریکا از دلار به عنوان سلاحی برای ایجاد بی‌ثباتی در کشورهای استفاده می‌کند که برای ایالات متحده تهدید بالقوه‌ای به شمار می‌روند. واشنگتن طی تلاش‌های خود برای شکست دادن ایران و مهار کردن پرونده هسته‌ای این کشور، توجه خود را روی نابودی «ریال ایران» متمرکز کرده است. وزیر دارایی آمریکا ضمن اعلام محاصره مالی جمهوری اسلامی ایران، اعلام کرد، «بی‌ارزش کردن ریال و بی‌اعتبار کردن آن برای کاربرد در معاملات تجاری بین‌المللی ضرورت دارد».^{۳۶}

۲. رابرت ونزل که یکی از نویسندگان مجله سیاست اقتصادی است، معتقد است که سازمان سیا در حال تضعیف اقتصاد ایران از طریق جعل ریال و جاری کردن این سیل به این کشور است تا ابرتورم را در این کشور ایجاد کند. فدرال رزرو ممکن است فکر کند که چاپ پول موجب رونق اقتصاد می‌شود اما سازمان سیا می‌داند آنچه واقعاً منجر به آن می‌شود. اگرچه شواهد اندکی در دست است مبنی بر این که سازمان سیا در حال جعل ریال برای تضعیف ایران است؛ اما شواهد کافی وجود دارد که ایالات متحده جنگ مالی علیه این کشور را به راه انداخته است.^{۳۷}

۳. دقیق‌ترین اطلاعات واشنگتن در مورد ایران به‌واسطه شبکه جاسوسی مالی آمریکا به دست می‌آید؛ زیرا معاملات تجاری عمده با دلار آمریکا می‌بایست در سامانه بانک مرکزی این کشور ثبت می‌گردید. به گفته‌ی وان زاراته^{۳۸}، مقام دولت بوش که به رهبریت عملیات ضد تروریستی وزارت خزانه‌داری بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر کمک کرد:

ما دریافتیم که جلوگیری از دسترسی دشمنان آمریکا به دلار یک وسیله و عامل حیاتی در مجازات کردن آن‌ها بود. چنین وسیله‌ای به عنوان یک سلاح مؤثر در معماری امنیت ملی ما پدیدار گشت.^{۳۹}

^{۳۶} مشرق: [جنگ مالی با ایران، آمریکا را به سوی تضعیف نرخ دلار سوق خواهد داد](#)

^{۳۷} Infowars: [Economic Warfare Against Iran Shows Results as Rial Drops](#)

^{۳۸} Juan Zarate

^{۳۹} Jay Solomon, "The Iran Wars, Spy Games, Bank Battles, and the Secret Deals That Reshaped the Middle East", Random House, 2016

قطعاً، وزارت خزانه‌داری می‌دانست که بنگاه‌های عمده‌ی تجاری بدون دسترسی به دلار آمریکا یعنی ارز حاکم بر جهان قادر به ادامه‌ی فعالیت خود نبودند. وزارت خزانه‌داری می‌توانست شرکت‌های خارجی را مجبور به انتخاب میان معامله با آمریکا، یا انجام معامله با کشورهای شرور و بنگاه‌های جنایتکار نماید. گزینه‌ی انتخابی اغلب شرکت‌ها بسیار واضح بود.^{۴۰}



جیمز ریکاردز، مشاور تهدیدات مالی و جنگ نامتقارن در CIA

^{۴۰} Jay Solomon, “The Iran Wars, Spy Games, Bank Battles, and the Secret Deals That Reshaped the Middle East”, Random House.

۴. جیمز ریکاردز^{۴۱} استراتژیست جنگ ارزی از نقش ایالات متحده در جنگ ارزی علیه ایران سخن می‌گوید و ادعا می‌کند که آمریکا از دلار برای بی‌ثبات کردن اقتصاد ایران استفاده کرده است:

نتیجه این تحریم انزوای فوری ایران از سیستم دلار و کمبود شدید دلار در ایران بود. ریال ایران در عرض فقط چند روز بیش از ۴۰ درصد از ارزش خود را در برابر دلار از دست داد. از آنجاکه بسیاری از کالاها در ایران وارد می‌شود، قیمت‌ها به ریال دو برابر شدند. کالاهای اساسی یک‌شبه از دویست هزار ریال به چهارصد هزار ریال افزایش یافتند؛ و تاجرها مجبور شدند به‌منظور به دست آوردن دلار موردنیاز برای وارد کردن کالاها به بازار سیاه روی بیاورند. بانک‌های ایرانی با افزایش نرخ بهره به بیش از ۲۰ درصد به‌منظور حفظ ریال و جلوگیری از خارج شدن آن از سیستم بانکی ایران واکنش نشان دادند.^{۴۲}

در عرض چند روز، ایالات متحده که ایران را از سیستم بانکی جهان جدا کرده بود، ارزش برابری ارز ایران را نابود کرد، به اقتصاد ایران ابر تورم را تزریق کرد و باعث افزایش در نرخ بهره شد. تمام این اتفاقات تنها چند هفته پیش از انتخابات ایران در زمانی روی داد که ایالات متحده در حال ترویج تغییر رژیم در ایران و راه‌اندازی دوباره‌ی انقلاب سبز بود و این موارد تصادفی نبود؛ بنابراین این رویه روش خوبی برای بی‌ثبات کردن یک رژیم است. تغییرات رژیم واقعاً اسم بازی در ایران است. کسی خواهان جنگ نیست اما می‌توانیم گروه جدیدی را مسئول اداره کشور کنیم تا شاید پس‌از آن راهی به برنامه‌ی هسته‌ای ایران بیابیم.^{۴۳}

^{۴۱} James Rickards

^{۴۲} Us news: [The Financial War against Iran](#)

^{۴۳} youtube: [Rickards: Iran's Currency War](#)



«دیوید کوهن»

۵. دیوید کوهن^{۴۴} که از او با عنوان معمار تحریم‌های ایران و روسیه یاد می‌شود، در سخنرانی خود در جمع دانشجویان مؤسسه آموزشی وکالت با عنوان «تکامل قدرت مالی آمریکا» تصریح می‌کند که موفقیت در اعمال تحریم‌های ایران، بر چندپایه استوار بوده است:

(۱) شفافیت نظام مالی که اجازه رصد کردن را به دولت مردان آمریکا می‌دهد.

(۲) نفوذ و گستره استفاده از دلار در اقتصاد جهانی که اجازه‌ی تنبیه بازیگران را می‌دهد.

۶. مرکز مطالعات توسعه در لندن تأکید کرد تحریم‌های بین‌المللی بخش‌های مهم اقتصاد ایران را تحت تأثیر قرار داده است و کشورهای غربی تلاش می‌کنند از طریق فشارهای جاری، بانک مرکزی این کشور را از دستیابی به ارز محروم کنند تا در صورت اصرار ایران بر مواضع خود زمینه سرنگونی رژیم حاکم در این کشور را فراهم کنند.

^{۴۴} David Cohen

این مرکز در پژوهش اخیر خود در مورد شرایط اقتصادی جاری در ایران اعلام کرد سقوط ۵۰ درصدی ارزش ریال و افزایش ۲۷ درصدی تورم، ایران را به تلاش برای دور زدن تحریم‌ها وادار کرده است.^{۴۵}

حمله به ریال در وزارت خزانه‌داری

۷. دیوید کوهن، معاون خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی مدعی شد، ایالات متحده به دنبال راه‌های مضاعف برای ایزوله بین‌المللی ایران در بخش مالی است تا از این طریق با برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی، مقابله کند. کوهن در کمیته امور بانکی، مسکن و شهری مجلس سنای ایالات متحده گفت:

«ما به تلاش برای تشخیص راه‌هایی به منظور قطع دسترسی ایران به سیستم مالی بین‌المللی ادامه خواهیم داد. ما منابع اصلی ایران برای کسب درآمد را نشانه می‌گیریم.»

وی درباره اقداماتی که برای فشار وارد کردن بر ریال انجام داده است گزارش می‌دهد:

«تحریم‌هایی که از جولای گذشته علیه ایران اعمال می‌شود به‌طور مشخص صنعت نفت جمهوری اسلامی را نشانه گرفته که اصلی‌ترین منبع کسب درآمد دولت به شمار می‌رود. این تحریم‌ها تاکنون ۵۰ درصد از صادرات نفتی ایران کاسته‌اند و ماهیانه ۵ میلیارد دلار هزینه برای اقتصاد ایران به همراه داشته است. به گفته کوهن، تحریم‌های جاری صادرات پتروشیمی ایران را نیز کاهش داده و دست‌کم ۷٫۶ درصد از صادرات پتروشیمی ایران در سال ۲۰۱۲ را کاهش داده‌اند. از سوی دیگر ارزش ریال در ۱۲ ماه گذشته نیز بیش از ۵۰ درصد سقوط کرد و نرخ تورم ۳۲ درصد محاسبه می‌شود.»

کوهن مدعی شد تمرکز آمریکا بر **منابع درآمد ایران و ریال** خواهد بود.

بخش‌هایی از این گزارش:

- با این دستور، وزارت خزانه‌داری، با مشورت با وزارت امور خارجه، مجاز است تحریم‌هایی را علیه مؤسسات مالی خارجی که معاملات تجاری خاصی را با ارز ایران؛ ریال انجام می‌دهند یا حساب‌های قابل‌توجه ریالی در خارج از ایران را نگهداری می‌کنند را اعمال کند.
- ما دیده‌ایم که ارزش و ثبات ریال اهمیت زیادی برای رژیم دارد.

^{۴۵} العربیه: تحریم‌ها و سقوط پیوسته ارزش ریال تا سرنگونی رژیم ایران ادامه دارد

- این اقدام جدید، استفاده از ریال را در معاملات بین‌المللی محدود می‌کند. همچنین محدودیت‌های بیشتری بر توانایی ایران برای دسترسی به ذخایر خارجی خود ایجاد می‌کند و ایران را از سیستم مالی بین‌المللی و بازارهای تجاری جدا می‌کند. این فرمان اجرایی علاوه بر این، بخش بزرگ دیگری در اقتصاد ایران، یعنی صنعت خودروسازی این کشور را مورد هدف قرار می‌دهد. صنعت خودروسازی ایران سهم قابل‌توجهی در اقتصاد این کشور دارد و از درآمدهای آن برای تقویت ریال و تقویت حکومت استفاده می‌شود.
 - همچنین در مورد محدودیت‌های تجارت دوجانبه در بخش ۵۰۴ «قانون کاهش خطر ایران و حقوق بشر در سوریه»^{۴۶} که در ماه فوریه به اجرا گذاشته شد، این اقدام دسترسی ایران به ذخایر ارز خارجی خود را محدود کرده و مانع توانایی دولت ایران برای حمایت از ریال شده است. با تلاش‌های گسترده ما در این زمینه، ذخایر ارزی ایران به‌طور فزاینده‌ای غیرقابل دسترسی است.
 - ارز ایران نیز به شدت تحت تأثیر قرار گرفته است. در آغاز سال ۲۰۱۲، دلار در بازار آزاد ۱۶۰۰۰ ریال بود و در تاریخ ۳۰ آوریل سال ۲۰۱۳، یک دلار ۳۶۰۰۰ ریال ارزش داشت. ریال در بازار آزاد بیش از دوسوم از ارزش خود را در دو سال گذشته از دست داده است.
 - به‌طور خاص، ما به‌دقت اقداماتی که می‌تواند فشار بر ارزش ریال را افزایش دهد، دنبال می‌کنیم. به این ترتیب، ما همچنان به‌طور فعالانه تحقیق درباره فروش طلا به دولت ایران را ادامه خواهیم داد، زیرا ایران با استفاده از طلا می‌تواند ارزش پول خود را تقویت کند و مشکلاتی که در دسترسی به ذخایر خارجی‌اش دارد را جبران کند.^{۴۷}
- اقداماتی توسط عناصر بیرون و داخل در جهت ایجاد روح ناامیدی در مردم دنبال شد و از جمله اقداماتشان این است که تنش‌هایی در مسائل اقتصادی کشور ایجاد کنند. این گفته‌ی وزیر اطلاعات دولت دهم درباره‌ی جنگ ارزی آن روزها است.^{۴۸}

^{۴۶} Threat Reduction and Syria Human Rights Act

^{۴۷} Treasury: [Iran Sanctions: Ensuring Robust Enforcement, And Assessing Next Steps](#)

^{۴۸} دنیای اقتصاد: [کشف پشت صحنه آشفته‌گی بازار ارز و طلا](#)

اعتراف وزیر وقت اقتصاد به مؤثر بودن تحریم‌ها در واشنگتن

شمس‌الدین حسینی که برای شرکت در نشست سالانه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به واشنگتن سفر کرده بود، در گفت‌وگو با نشریه آمریکایی اظهار کرد:

تحریم‌های نفتی و بانکی آمریکا و اروپا در کاهش ۸۰ درصدی ارزش ریال در دو سال گذشته نقش داشته است.

وی همچنین گفت: تحریم سیستم بانکی ایران از سوی واشنگتن و بروکسل هزینه انجام مبادلات بین‌المللی را برای کشور به میزان قابل توجهی افزایش داده و موجب شد ایران به دنبال راه‌های پرداخت دیگر باشد یا به معاملات تهاتری متوسل شود. با این همه با اقدام دولت برای بالا بردن صادرات غیرنفتی و انجام ندادن تجارت به دلار یا یورو، اقتصاد ایران با تحریم‌های غربی وفق پیدا کرده است.

وزیر امور اقتصادی و دارایی در این مصاحبه به میزان ذخایر ارزی کشور اشاره کرد که بالای صد میلیارد دلار باقی مانده و توان مالی کشور را با وجود امید دولت اواما برای رساندن ایران به آستانه فروپاشی اقتصادی، باثبات نگه داشته است.

وی در بخشی از اظهاراتش گفت: سیستم مالی ما بسیار قابل انعطاف و پیشرفته است. درس مهمی که از تحریم‌ها فراگرفتیم، استفاده از همه ارزهای خارجی است. ما به یورو یا دلار وابسته نیستیم.^{۴۹}

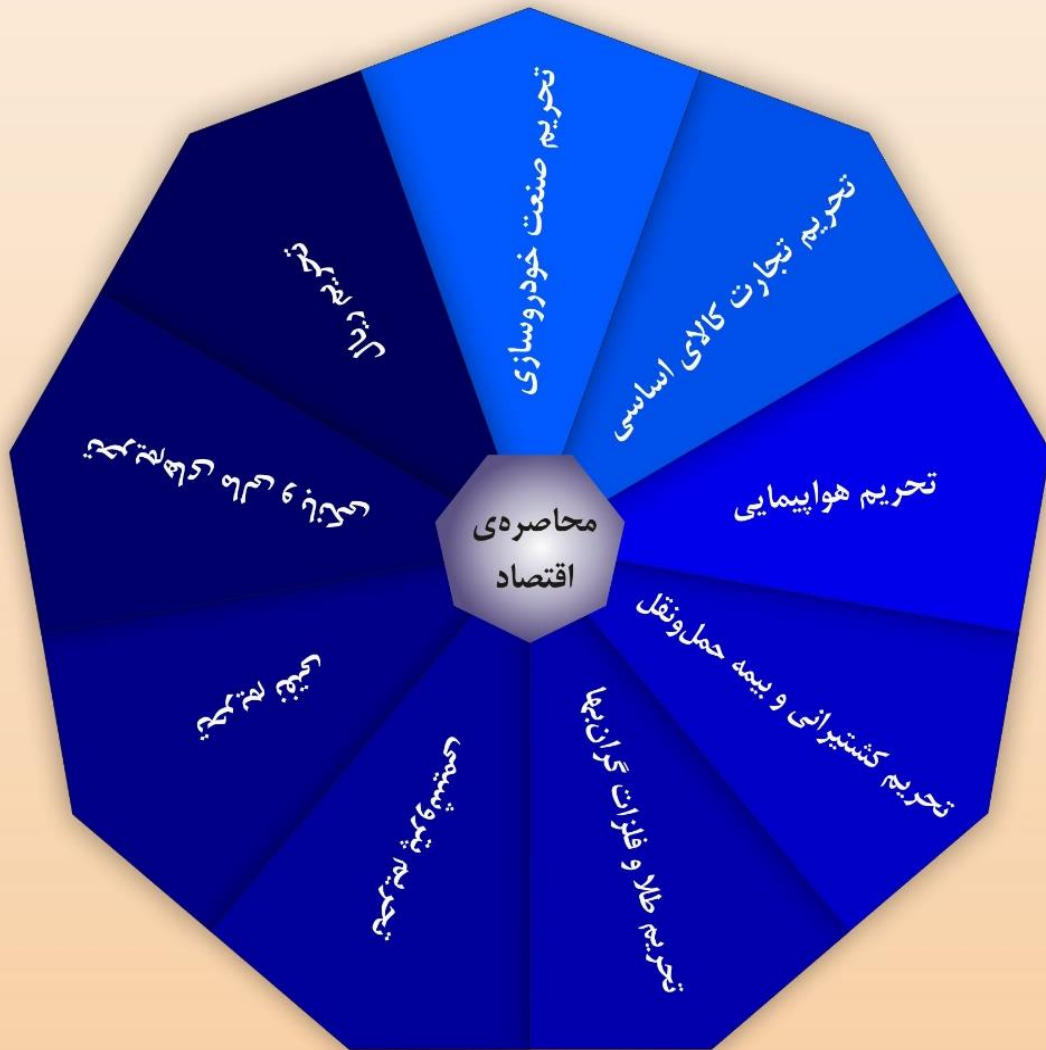
^{۴۹} دیپلماسی ایرانی: حسینی: ۱۰۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی داریم

نقش تحریم‌ها

یکی از ابزارهای جنگ اقتصادی استفاده از تحریم‌های اقتصادی علیه کشور هدف است. آمریکا از ابتدای قرن بیست و یکم از این ابزار به صورت گسترده علیه کشورهای هدف استفاده کرده است؛ زیرا در بسیاری از منازعات، به کارگیری نیروی نظامی را ناکارآمد و غیرعملیاتی می‌دانست و قدرت سیاسی و دیپلماسی را نیز ناکافی می‌دید. هدف از تحریم‌های آمریکا در دهه ۱۳۶۰ محدود کردن تجارت و قطع روابط تجاری با کشورهایی تحریم شده بود. از اواسط دهه ۱۳۷۰ تحریم‌ها روی نفت و سرمایه‌گذاری در نفت متمرکز شد. اولین تحریم بانکی در سال ۱۹۹۵ توسط کلینتون وضع شد و بانک‌های آمریکایی از دادن خدمات بانکی و دلاری به بانک‌های ایرانی منع شدند. از اوایل دهه ۸۰ تحریم‌های بانکی از انسداد دارایی برخی بانک‌ها شروع شد و در اواخر دهه ۱۳۸۰ به تحریم‌های ثانویه و پیچیده بانکی تغییر کرد. در سال ۱۳۸۷ با برداشتن چرخه‌ی یوترن دسترسی بانک‌های ایرانی به دلار آمریکا قطع شد. رژیم تحریم‌ها با تحریم بانک مرکزی و تحریم خرید نفت از ایران در بهمن سال ۹۰ کامل شد و به جنگ ارزی علیه ایران انجامید. آمریکا در طول عمر ۳۸ ساله جمهوری اسلامی تاکنون؛ تحریم‌های متعددی را در حوزه‌های مختلف علیه ایران وضع کرده است. تحریم‌هایی ایالات متحده علیه ایران شامل حوزه‌های زیر می‌شود:

۱. تحریم‌های مالی و بانکی
۲. تحریم تجارت کالاهای اساسی
۳. تحریم نفتی
۴. تحریم پتروشیمی
۵. تحریم صنعت خودروسازی
۶. تحریم هواپیمایی
۷. تحریم کشتیرانی و بیمه حمل‌ونقل
۸. تحریم طلا و فلزات گران‌بها
۹. تحریم ریال

قابل ذکر است که این گزارش به تحریم‌های مالی و بانکی و ارزی اشاره می‌کند و به تحریم‌های دیگر نمی‌پردازد.



ساختار تحریم‌های مالی و بانکی

۱. **تحریم نهادهای مالی:** بانک مرکزی ایران و همه‌ی بانک‌های بزرگ کشور تحت تحریم قرار گرفتند؛ یعنی هرگونه تجارت شرکت‌ها و افراد با بانک‌های ایرانی ممنوع شد و در صورت انجام، تحریم این کشورها از سوی آمریکا را در پی دارد.

۲. **تحریم ارزی:** یکی از مهم‌ترین تحریم‌های وضع‌شده علیه ایران تحریم ارزی است به این معنا که هیچ کشور یا بانکی (مطابق قراردادهای بین‌المللی که جهت استفاده از دلار به‌عنوان ارز دولت آمریکا دارد) حق دادن دلار به ایران و یا پرداخت دلار در مبادلاتش با ایران را ندارد و اگر چنین اتفاقی بیفتد شامل جرائم و تنبیهات قانونی و قضایی نقض تحریم می‌گردد و عملاً از تعامل با اقتصاد آمریکا بازمی‌ماند این در حالی است که امروزه دلار ارز اصلی رایج بین‌المللی است که بسیاری از خریدهای بین‌المللی باید با آن انجام شود.

۳. **تحریم شبکه‌های انتقال الکترونیک پیام‌های مالی:** شبکه‌های انتقال الکترونیک پیام‌های مالی در سطح دنیا برای تجارت بین‌بانکی استفاده می‌شود. سوئیفت، یکی از این شبکه‌های پیام‌رسانی بین‌بانکی است که استفاده از آن برای بانک‌های ایرانی ممنوع شد.

۴. **ایجاد مانع در دسترسی به دارایی‌ها:** یک بخش از دارایی‌های کشور که در بانک‌های خارجی قرار دارد، در پی تحریم‌ها و به‌ویژه تحریم بانک مرکزی از دسترس خارج شد و بخش‌های دیگر نیز به حکم قضایی بلوکه می‌شود.

تحریم اقتصادی به سه گروه همه‌جانبه، چندجانبه و یک‌جانبه تقسیم می‌شود. تحریم همه‌جانبه را معمولاً شورای امنیت سازمان ملل علیه کشورها یا گروه‌های هدف وضع می‌کند و تمام کشورها ملزم به رعایت آن هستند. تحریم چندجانبه را چند کشور علیه کشور هدف اعمال می‌کنند. تحریم‌های یک‌جانبه تحریم‌های یک کشور علیه کشور یا گروه هدف است که می‌توان به تحریم‌های آمریکا علیه کشورها اشاره کرد.

تحریم یک‌جانبه خود به دو نوع اولیه و ثانویه (فرا سرزمینی) تقسیم می‌شود. در تحریم‌های ثانویه^{۵۰} کشور تحریم‌کننده از اهرم‌های اقتصادی خود برای فشار به کشور ثالث استفاده می‌کند تا تحریم‌های مدنظر را علیه کشور هدف اعمال کند. این تحریم به‌صورت غیرمستقیم عمل می‌کند و در صورت تبعیت کشور ثالث موجب اعمال تحریم فراتر از سرزمین کشور تحریم‌کننده می‌شود که به آن «تحریم فرا سرزمینی»^{۵۱} نیز می‌گویند. تحریم فرا سرزمینی بانکی اولین بار و تنها درباره

^{۵۰} Secondary Sanctions

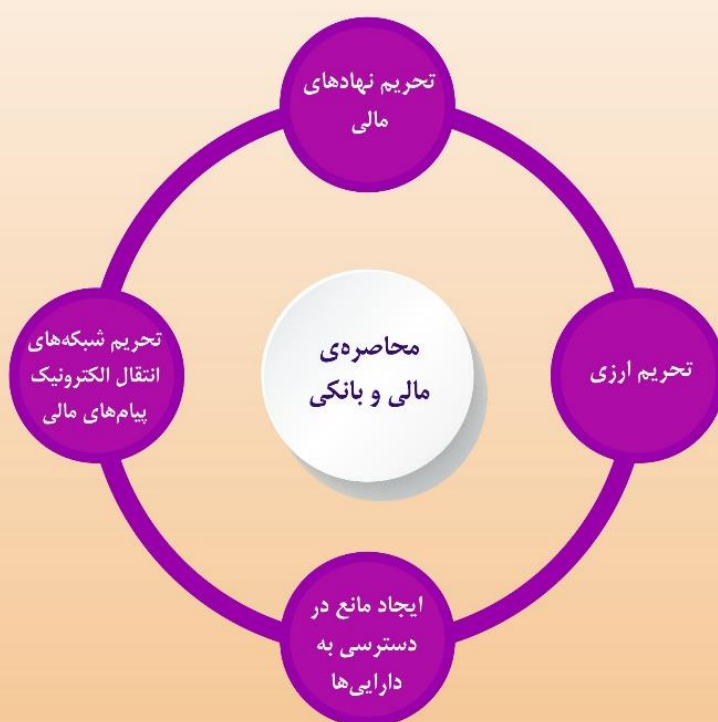
^{۵۱} Extraterritorial Sanctions

ایران اعمال شده است. کنگره آمریکا در ژوئیه ۲۰۱۰ با تصویب «قانون تحریم‌های جامع ایران» موسوم به CISADA^{۵۲} برای اولین بار در تاریخ تحریم‌ها، تحریم ثانویه بانکی را طراحی و اعمال کرد. بر اساس این قانون، بانک‌های ایرانی که هدف تحریم‌های اولیه اشاعه تسلیحاتی و حمایت از تروریسم باشند، مشمول تحریم ثانویه بانکی قرار می‌گیرند. این نوع تحریم؛ بانک‌های خارجی را بر سر دوراهی رابطه با بانک‌های هدف یا دسترسی به سیستم مالی آمریکا قرار داد. قرار گرفتن دلار به‌عنوان «ستون فقرات نظام مالی بین‌المللی» نقش مهمی در اثرگذاری تحریم‌های ایالات متحده دارد؛ زیرا ممنوعیت معامله با دلار به معنای محرومیت از تبادلات بین‌المللی و در نتیجه تعامل اقتصادی با بسیاری از دولت‌ها و شرکت‌ها است.

تصویب این تحریم‌ها حاصل تلاش شدید آمریکا برای متقاعد کردن کشورهای است که از ناحیه‌ی روابط اقتصادی، نفتی و سیاسی با جمهوری اسلامی منتفع می‌شوند. در ۱۰ دی‌ماه ۱۳۹۰ (۳۱ دسامبر ۲۰۱۱) اوباما پس از توافقی با کنگره بر سر رویکرد مرحله‌ای اعمال قانون معروف به «اختیار دفاع ملی ۲۰۱۲»^{۵۳} بخش ۱۲۴۵ این قانون را باهدف محروم کردن ایران از منابع درآمد مالی امضا کرد. بر اساس این قانون، نهادهای خارجی از انجام معاملات مالی مربوط به نفت، از طریق بانک مرکزی ایران منع شدند. تحریم بانک مرکزی یک کشور دیگر، یک اقدام بی‌سابقه است. به‌واسطه‌ی این قانون علاوه بر ممنوعیت معامله با بانک مرکزی ایران و مسدود کردن دارایی‌های دولت و همه‌ی نهادهای مالی ایران، بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی که در نقل‌وانتقال پولی حاصل از فروش نفت ایران نقش دارند، هدف تحریم همه‌جانبه‌ی آمریکا قرار گرفتند و از نظام مالی آمریکا اخراج شدند.

^{۵۲} Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act (CISADA), 2010

^{۵۳} National Defense Authorization Act 2012 (NDAA 2012)



به کارگیری استراتژی قورباغه

خانم شانون در بهمن ۸۴ در مجله‌ی آمریکایی «تایم» از جهت‌گیری استراتژیک غرب در مورد ایران پرده برداشت. در مقاله‌ی شانون، از منظر دیپلمات‌های آمریکائی و اروپائی، استراتژی جدید غرب علیه ایران «ستراتژی قورباغه»^{۵۴} معرفی شد. شانون این استراتژی را به «کاندولیزا رایس» برای مهار ایران معرفی کرد.

استراتژی قورباغه، یکی از سیزده استراتژی است که آمریکا در طول سال‌های مختلف علیه جمهوری اسلامی ایران به کار برده است. به موجب این استراتژی؛ آمریکا باید محیط جهانی را چون آب درون دیگ، به آرامی به نقطه جوش رساند تا ایران به مرور در آن آب‌پز شود.

در قضیه تحریم‌ها هم آمریکا در سال ۱۳۹۰ با تحریم بانک مرکزی از استراتژی قورباغه بهره گرفت. آمریکایی‌ها درصد بودند که محیط مالی ایران را چنان گرم کنند تا ایران آب‌پز شود. در حقیقت بانک‌های بین‌المللی از ارائه هرگونه خدمات بانکی و دلاری به بانک مرکزی ایران محروم شدند. ریکاردز؛ از بارگیری استراتژی قورباغه روایت می‌کند:

«بیش از ۳۰ سال است که ایالات متحده تحریم‌های مالی و اقتصادی علیه ایران را اعمال کرده است؛ این تحریم‌ها چیز جدیدی نیستند؛ اما چند هفته پیش رئیس‌جمهور او‌باما با اعمال تحریم بانک مرکزی ایران راه تأمین اکسیژن ایران را مسدود کرد. به بانک‌های بین‌المللی گفته شد اگر آن‌ها به کسب‌وکار با بانک مرکزی ایران پردازند، آن‌ها را از انجام کسب‌وکار در سیستم پرداخت جهانی دلار که توسط ایالات متحده کنترل می‌شود محروم خواهند شد. البته که این بانک‌ها از این دستور پیروی کردند.»^{۵۵}

«در حقیقت ایالات متحده با تحریم بانک مرکزی ایران از استراتژی قورباغه بهره گرفته است. این یک بازی جنگ است که اتفاق افتاده. در برابر این تک، ایران تهدید به بستن تنگه هرمز کرده است. در واکنش به این قضیه ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و فرانسه

^{۵۴} Frog Strategy

^{۵۵} US News: [The Financial War against Iran](#)

شش کشتی جنگی را به همراه ناو هواپیمابر هسته‌ای «یو اس اس اینترپراز»^{۵۶} همراه با ناو هواپیمابر «آبراهام لینکلن»^{۵۷} در خلیج فارس، مستقر کرده‌اند.^{۵۸} (بهمن ۱۳۹۰)

سوئیفت، یکی از این شبکه‌های پیام‌رسانی بین‌بانکی است که به دنبال فشار آمریکا و اتحادیه اروپا از ارائه خدمات مالی به ایران خودداری کرد. این شرکت در ۲۵ اسفند ۱۳۹۰ در بیانیه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد:

امروز سوئیفت به پیروی از تصمیم اتحادیه اروپا تصمیم گرفته است تا ارائه خدمات ارتباطی به بانک‌ها و مؤسسات مالی ایرانی که موضوع تحریم اتحادیه اروپا هستند را قطع کند.^{۵۹}

در تحریم‌های اتحادیه اروپا تمامی مؤسسات خدمات مالی و اعتباری از همکاری با مؤسسات مالی ایرانی که مورد تحریم هستند، منع شدند. سوئیفت قطع خدمات خود را از دو روز بعد آغاز کرد.

همچنین اوباما در دستور اجرایی ۱۳۶۲۲ در مرداد ۹۱ (۳۰ جولای ۲۰۱۲) مراودات مالی هر فرد و نهاد مالی با صنعت پتروشیمی، خرید نفت و محصولات پتروشیمی ایران را از طریق کشور ثالث ممنوع اعلام کرد. در واقع هدف این تحریم، بازداشتن ایران یا هر کشور دیگری از ایجاد سازوکارهای پرداخت برای خرید نفت ایران باهدف دور زدن تحریم‌های «قانون اختیار دفاع ملی» بود. اوباما در ۳ ژوئن ۲۰۱۳ با صدور دستور اجرایی ۱۳۶۴۵ تحریم‌های ثانویه جدیدی علیه نظام بانکی کشور وضع کرد. در این دستور اجرایی به‌منظور محدود کردن استفاده از ریال ایران در معاملات بین‌المللی و جلوگیری از دسترسی به ذخایر ریالی ایران در خارج از کشور، پول رسمی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد تحریم قرار گرفت.

طبق این قانون، مؤسسات خارجی که با ریال معامله کنند و حساب‌هایی در بانک‌های خارجی با ریال داشته باشند، تحریم و اموالشان مسدود می‌شود.^{۶۰} هدف از این تحریم، جلوگیری از عقد پیمان‌های پولی دوجانبه و چندجانبه بین ایران و

^{۵۶} USS Enterprise

^{۵۷} USS Abraham Lincoln

^{۵۸} fellowshipoftheminds: [U.S. war with Iran has already begun](http://www.fellowshipoftheminds.com/news/2013/07/25/us-war-with-iran-has-already-begun)

^{۵۹} Swift: http://www.swift.com/news/press_releases/SWIFT_disconnect_Iranian_banks

^{۶۰} Presidency. : <http://www.presidency.ucsb.edu/ws/index.php?pid=103646&st=&st1=>

کشورهای دیگر است؛ زیرا پایه پیمان‌های پولی استفاده از حساب‌های ریالی در بانک‌های خارجی است. ترکیب دو مجازات سنگین در این تحریم نشان‌دهنده اهمیت موضوع پیمان‌های پولی در نظر طراحان تحریم در آمریکا است.

یکی از مهم‌ترین نکاتی که باید درباره ساختار تحریم‌ها علیه ایران بدانیم، پیچیدگی و درهم‌تنیدگی تحریم‌های حوزه‌های مختلف و اثرگذاری زیاد بر روی هم است. تلاش آمریکا این بوده است که تحریم‌ها را به گونه‌ای طراحی کند تا همچون تار عنکبوت، به دور اقتصاد و ایران پیچیده شود. تحریم مالی و بانکی نقش زیرساخت و ستون محوری را برای مابقی تحریم‌ها بازی می‌کند. چراکه همه‌ی تحریم‌های حوزه‌های مختلف اقتصادی و تجاری، کاملاً محتاج این تحریم هستند.

در تحریم‌های مالی و بانکی، هدف ایزوله کردن اقتصاد ایران و مسدود کردن مبادی درآمدهای ارزی ایران است.

تحریم‌های مالی و بانکی سلاحی جدید است که وابستگی کشورها به ارتباط بانکی با بانک‌های خارجی را هدف می‌گیرد. بدیهی است این وابستگی خود معلول وابستگی به صادرات و واردات و سرمایه‌گذاری خارجی است. به دلیل وابستگی ارتباطات اقتصادی در عرصه بین‌المللی به خدمات بانکی، تحریم‌های بانکی قوی‌ترین تحریم مالی و اقتصادی است و ممکن است موجب اختلال تجاری در کشور هدف شود. مهم‌ترین کارکرد ارتباطات بانکی در عرصه بین‌الملل، نقل و انتقال پول است. از این رو قطع ارتباطات بانک‌های خارجی با بانک یا بانک‌های یک کشور موجب می‌شود تا علاوه بر نقل و انتقال وجه، عملیات صادرات، واردات، فاینانس و سرمایه‌گذاری خارجی در آن کشور نیز تا حد زیادی مختل شود.

ابتدا ایالات متحده ایران را از نظام پرداخت‌های دلاری کنار گذاشت، اما ایران به سادگی پرداخت‌های خود را به یورو، فرانک سوئیس و سایر ارزهای دیگر انجام می‌داد. در مرحله بعد، ایالات متحده و متحدان او، ایران را از سیستم پرداخت‌های جهانی، به نام سوئیفت کنار گذاشتند. این بدان معنی است که ایران می‌توانست نفت بفروشد اما نمی‌توانست بهای آن را دریافت کند. همچنین بدان معنی است که ایران مجبور شد که به دادوستد کالا با کالا برای به دست آوردن واردات موردنیاز خود روی آورد. در حقیقت جنگ ارزی علیه ایران در تابستان سال ۹۱ وارد فاز جدیدی شد. به دنبال اجرایی شدن تحریم بانک مرکزی و تحریم خرید نفت از ایران توسط آمریکا و اتحادیه اروپا، بازار ارز ایران با فشار جدی مواجه شد. یکی از منابع تأمین ارز در ایران فروش نفت و فروش محصولات پتروشیمی است. به دلیل سهم بالای درآمدهای نفتی در بودجه دولت - به دنبال کاهش خرید نفت از ایران و عدم دسترسی به دلار حاصل از فروش نفت - درآمدهای ارزی کشور کاهش یافت. کاهش درآمدهای نفتی معادل کاهش ارز خارجی در اختیار است. به دلیل تحریم بانک مرکزی دسترسی دولت به ذخایر ارزی این بانک در کشورهای مختلف نیز قطع شد. بانک مرکزی به دلیل محدودیت در تبدیل و انتقال ذخایر ارزی برای مدیریت بازار ارز دچار مشکل شد. از طرف دیگر عدم دسترسی دولت به دلار این باعث شد که تأمین نیازهای وارداتی و تجهیزاتی کشور با اختلال مواجه شود که موجب بروز بحران‌های اقتصادی داخلی و در نتیجه نارضایتی و اعتراض و تضعیف مقبولیت نظام نزد مردم شد.

حسینی از روند اعمال تحریم‌ها این‌گونه می‌گوید:

ما از سال ۱۳۹۰ با پدیده‌های هم‌افزا مواجه شدیم. یکی فضاسازی رسانه‌ای غربی‌ها و دیگری مسائل سیاسی داخل ایران. از طرفی تحریم بانک مرکزی دسترسی درآمدها به ذخایر ارزی و امکان نقل‌وانتقال پولی‌مان را به شدت تحت تأثیر قرارداد. در کنار این‌ها درآمدهای جاری نفتی نیز به شدت کاهش یافت. وقتی بانک مرکزی تحریم می‌شود، استفاده از این ذخایر به مشکل می‌خورد. از طرفی به‌طور هوشمندانه‌ای تحریم بانک مرکزی قبل از تحریم نفت صورت گرفت، لذا تحریم نفت هم مزید بر علت شد.

لذا در سال ۱۳۹۰، اقتصاد وارد یک‌فاز و دشواری‌های جدید می‌شود. دشواری‌هایی که حتی ما به‌عنوان دولت نمی‌توانستیم برخی از آن‌ها را بیان کنیم.

من تعبیری داشتم که تحریم بانک مرکزی در اقتصاد از جنس استفاده از سلاح کشتار جمعی در جنگ است.^{۶۱}

^{۶۱} مهر پور، مهدی- محرمانه‌های اقتصاد ایران- تهران- نشر نور علم-۱۳۹۵- جلد اول



«شمس‌الدین حسینی؛ وزیر اقتصاد دولت دهم»

ابزارهای مورد استفاده برای هدف قرار دادن اقتصاد ایران، می‌تواند در مقایسه با حملات سایبری محدود، تأثیرات بسیار بزرگ‌تری داشته باشد. جی سولومون در کتابش اشاره می‌کند که:

آمریکا در طول تاریخ از ابزارهای قهری مالی استفاده کرده است اما آشی که برای ایران در این زمینه پخته شد، بی‌سابقه بود. در سال ۲۰۱۲ نیز دیدیم که گزینه هسته‌ای نیز در کنار رویکرد مالی مطرح شد به این معنا که ایالات متحده ابتدا بانک مرکزی ایران را تحریم کرد و سپس اتحادیه اروپا به این روند ملحق شد و تحریم نفتی علیه ایران اعمال کرد. این کار سبب شد بیش از نیمی از صادرات ایران در مدت حدود شش ماه کاهش یابد. بلافاصله پس از این امر بود که دیدیم واحد پولی ایران به شدت سقوط کرد و این کاهش ارزش پول ایران حدود شصت درصد بود. درآمدهای دولتی ایران نیز حدود پنجاه درصد کاهش یافت. همه این اتفاقات تقریباً یک سال رخ داد.

درست است که تحریم‌های تشدید شونده تأثیرگذار بود اما از اواسط سال ۲۰۱۲ بود که با قطع صادرات نفتی ایران و بیرون راندن ایران از شبکه بانکی بین‌المللی موسوم به سوئیفت،

ایران به شدت دچار مشکل شد. این اقدامات بخش مهمی از تشدید جنگ مالی با ایران بود. دولت اسرائیل و دولت عربستان سعودی و حتی وزارت خزانه‌داری آمریکا در ابتدای امر تصور نمی‌کرد که تحریم‌های مالی می‌تواند تا آن اندازه به کشوری ضربه بزند که تأمین‌کننده بزرگ انرژی بود.^{۶۲}

در دانش استراتژیک باید نگاه همه‌جانبه نگری و کلان نگری نسبت به پدیده داشت. در سناریو جنگ اقتصادی علیه ایران باید ببینیم که هدف اصلی دشمن چیست. هدف اصلی ایالات متحده از اعمال جنگ اقتصادی علیه ایران تغییر رفتار نظام در قبال آمریکا است؛ که این مهم از طریق اعمال فشار اقتصادی بر مردم ایران حاصل می‌شود. هدف دشمن کاهش توان و رفاه ملی از طریق انزوای اقتصادی است. همواره، پیش و پس از هر موج تحریم اقتصادی به عملیات روانی و مهندسی انتظارات اقتصادی دست می‌زنند. به این صورت که با اعمال تحریم‌های اقتصادی، هزینه‌های اقتصادی زندگی مردم به‌خصوص طبقه متوسط جامعه افزایش می‌یابد. مردم نظام را مسئول مشکلات اقتصادی می‌بینند و از نظام جدا می‌شوند و ممکن است در سطح بالاتر موجب شورش‌های اعتراضی نسبت به نظام شود. رهبر انقلاب هدف اصلی تحریم‌ها را بیان می‌کنند:

در مقابله‌ی با جمهوری اسلامی، همه‌ی تلاش خودشان را دارند به کار می‌برند؛ هدف هم این است که نظام مقدس جمهوری اسلامی را از پشتیبانی مردم - از این پشتوانه‌ی عظیم - محروم کنند. این تحریم‌ها و این‌ها که مشاهده می‌کنید، هدف اصلی‌اش این است. البته به دروغ ادعا می‌کنند که هدف تحریم‌ها، مردم نیستند؛ می‌خواهیم به مردم ضربه وارد نیاید. مثل بقیه‌ی ادعاهایشان، این هم دروغ و فریب و خدعه است. نه؛ اتفاقاً هدف اصلی، مردمند. فشارها برای این است که مردم را به ستوه بیاورند، مردم را دچار مشکلات کنند تا از نظام جمهوری اسلامی دل ببرند؛ رابطه‌ی قلبی آن‌ها با نظام جمهوری اسلامی قطع شود.^{۶۳}

ویکتوریا نولاند، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا پس از اعتراضات مردمی و آشوب خیابانی در بازار ارز تهران در مهر ۹۱ گفت:

^{۶۲} تسنیم: [درسهای جنگ مالی آمریکا ضد ایران» در نشست اندیشکده هریج](#)

^{۶۳} [بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضائیه در ۷ تیر ۹۱](#)

«برداشت ما این است که ارز ایران به پایین ترین رقم در طول تاریخ در برابر دلار در مبادلات غیررسمی ارز رسیده است... از دید ما این اتفاق به معنای موفقیت روزافزون فشارهای تمام‌نشدنی بین‌المللی است که همه ما بر اقتصاد ایران تحمیل می‌کنیم. اقتصاد ایران اکنون تحت فشاری باورنکردنی است. تحریم‌ها هرچه عمیق‌تر اقتصاد ایران را تضعیف می‌کنند و این عامل مهمی برای تلاش جهت تغییر محاسبات رهبران ایران است.»^{۶۴}

در روزهایی که مردم ایران با تبعات جنگ ارزی روبه‌رو بودند، مقام‌های دولت آمریکا از جمله رئیس‌جمهور آمریکا^{۶۵}، جک لو؛ وزیر خزانه‌داری آمریکا^{۶۶} و جو بایدن؛ معاون رئیس‌جمهور آمریکا^{۶۷}؛ تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران را سخت‌ترین و فلج‌کننده‌ترین تحریم‌ها در طول تاریخ تمدن انسان نامیده‌اند.

تدابیر مقطعی ایران برای مقابله در جنگ اقتصادی

تدابیری که ایران در آن زمان برای مقابله با تحریم‌های مالی و بانکی به کار گرفت به این شرح است:

۱. راه‌اندازی پرتال ارزی و مرکز مبادلات ارزی
۲. استفاده از طلا و فلزات گران‌بها
۳. تعامل با بانک‌های با مأموریت خاص یا کوچک
۴. استفاده از شبکه گسترده‌ی صرافی‌ها
۵. راه‌اندازی سامانه‌ی داخلی انتقال الکترونیکی پیام‌های مالی
۶. مبادله‌ی چمدانی ارز
۷. نقل و انتقالات مالی با پوشش افراد و شرکت‌های غیرایرانی

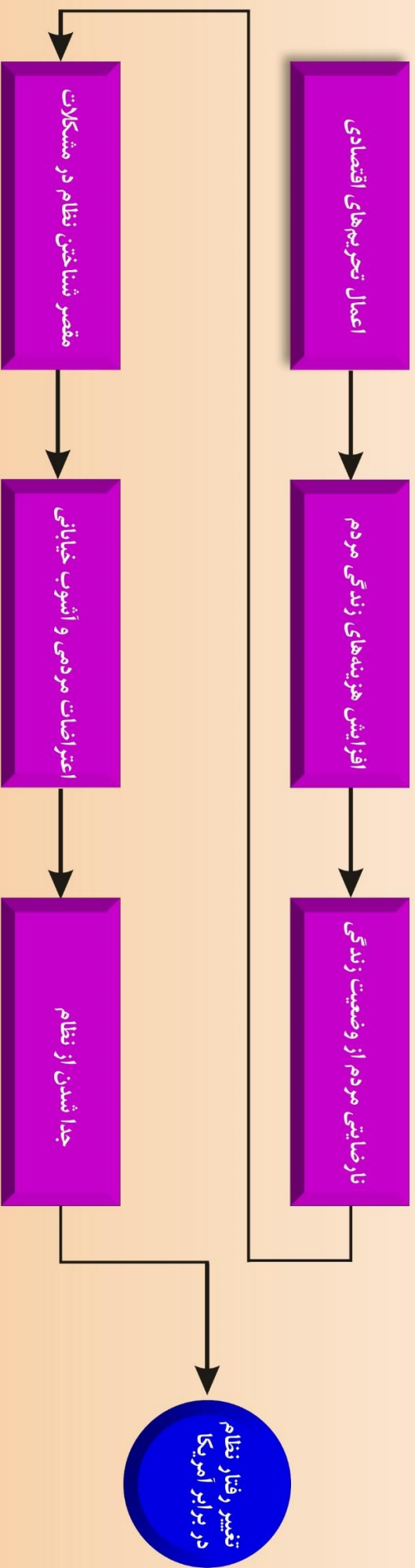
^{۶۴}Javanonline: <http://www.javanonline.ir/fa/news/874369>

^{۶۵} Cnn: [Pres. Obama rep. on Iran: Red line has been "laid out"](#)

^{۶۶} weeklystandard: [How Iran Sanctions Failed](#)

^{۶۷} Nytimes: [Full Transcript of the Vice-Presidential Debate](#)

هدف دشمن از تحریمها



تأثیر تحریم‌ها در کاهش ارزش ریال

چه عاملی باعث این رابطه تنگاتنگ بین تورم و بحران ارزی می‌شود؟ کارشناسان معتقدند که تورم پایدار باعث می‌شود که مردم اعتماد خود را به پول ملی ازدست‌داده و پول خارجی باثباتی را جانشین پول ملی نمایند و از این طریق، ثروت مالی خود را در فرم پول باثبات دیگری حفظ می‌کنند. البته انتظارات مردم که تورم ادامه خواهد داشت این بی‌اعتمادی را افزایش می‌دهد. این پدیده دلاری سازی نام دارد و در بحران ارزی ایران هم مشاهده می‌شود.

مطلب دیگری که احتیاج به توضیح دارد این است که تحریم‌های اقتصادی غرب با چه سازوکاری درافت شدید ریال نقش داشته‌اند.

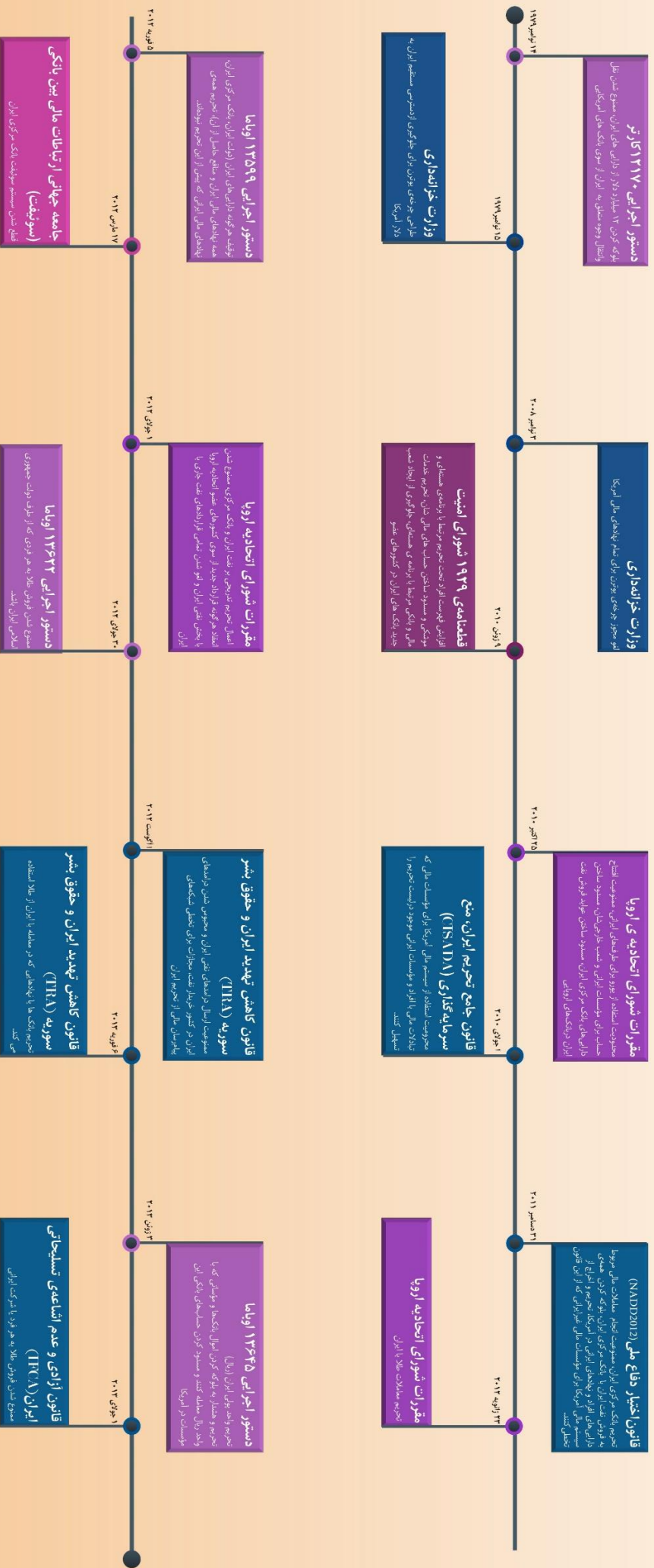
خبر ناگهانی عدم ورود سرمایه خارجی به کشور، باعث افت ارزش پول ملی آن کشور می‌شود. افت ارزش پول ملی برای کشورهایی که در شرایط سطح بالای بدهی ارزی باشد فوق‌العاده شدید خواهد بود. معنی بدهی ارزی این است که دولت، بانک‌ها، بنگاه‌ها و افراد عادی، بدهی برحسب یک پول خارجی داشته باشند. البته سازوکار توقف ناگهانی در ایران به علت سطح پائین سرمایه‌گذاری خارجی در کشور دقیقاً همان نیست که کشورهایی که بحران ارزی را تجربه کردند باشد.^{۶۸}

در ایران کانال اصلی ورود ارز خارجی به کشور، درآمد نفتی است. در حقیقت دلارهای حاصل از فروش نفت ایران نقش پشتوانه ریال را بازی می‌کند. خبر این که کشورهای خریدار نفت ایران در آتیه از خرید نفت ایران خودداری خواهند کرد در اذهان عمومی نقش همان توقف ناگهانی ورود سرمایه خارجی به کشور را بازی کرد و باعث بحران ارزی گردید. متأسفانه آمار دقیق بدهی ارزی کشور در دست نیست. باید در نظر داشت که اگر بانک مرکزی سیاست کاهش ارزش ریال را دانسته دنبال می‌کند در حقیقت به تشدید تورم در ایران کمک خواهد کرد؛ زیرا بحران ارزی و تورم با هم همبستگی دارند: تورم ارزش پول ملی را در مقایسه با پول‌های خارجی پائین می‌آورد و ضعیف شدن پول ملی تورم را شدت می‌بخشد به‌ویژه در شرایطی که ارز، اثرات بالائی روی قیمت‌های داخلی از طریق قیمت کالاهای وارداتی داشته باشد.^{۶۹}

حرکت ضربتی اقتصادی برای پایان دادن به بحران ارزی و تورمی در کشور و پایان دادن به فشار خردکننده تورمی بر مردم طبقه پایین و متوسط، نه تنها لازم است بلکه برای بقای نظام نقش حیاتی دارد.

^{۶۸} برای آشنایی بیشتر به [تاریخچه جنگ ارزی در جهان](#) به سایت جنبش مقاومت در جنگ ارزی مراجعه شود.

^{۶۹} عبدالله صوفی، استاد اقتصاد دانشگاه ویسکانسین، تورم و بحران ارزی در ایران: ۱۳۵۹-۱۳۹۱



* قابل ذکر است که تحریم‌های مالی ذکر شده در این پلنت، تمام تحریم‌های مالی غرب علیه ایران نیست و فقط تحریم‌های مالی مهم تا پایان سال ۹۳ لحاظ شده است.

فصل دوم

نقش دبی در جنگ ارزی علیه ایران

این فصل به بررسی عملیات‌های میدانی
وزارت خزانهداری در دبی برای
محاصره مالی ایران می‌پردازد.

نقش دبی در جنگ ارزی ۱۳۹۰ ایران حائز اهمیت است. دبی یکی از مراکز عمده نقل و انتقال پولی ایران با کشورهای دیگر است. به دنبال تحریم بانک مرکزی، ایران دارای مشکل جدی در سیستم نقل و انتقال ارز شد. در مهر ۱۳۸۹ امارات حواله‌های ارزی به این کشور را مسدود اعلام کرد. پس از اخلال در صدور حواله‌ی ارزی به امارات نرخ دلار در تهران روند صعودی به خود گرفت. بانک‌های امارات، تحت فشار آمریکا محدودیت‌ها را در مورد معاملات ایرانیان بیشتر کردند. همچنین بانک‌های دبی از دادن اعتبار به ایرانیان سرباز زدند.

بازرگانان و تجار در ایران به دنبال تحریم سوئیفت از «حواله»^{۷۰} برای دور زدن تحریم‌ها استفاده می‌کردند. معامله‌گران دبی از طریق صدور حواله‌های پولی و اعتباری، یا همان سیستم تجارت غیررسمی که بر اساس اعتماد و روابط شخصی اداره می‌شد این فضای خالی را پر کرده بودند.

قابل ذکر است که یدالله روز چنگ که یکی از افرادی بود که به علت اخلال در بازار ارز دستگیر شد در سال ۱۳۹۰ «صرافی زریوار» را تأسیس کرد و این صرافی یکی از معدود صرافی‌هایی بود که در دبی نیز شعبه داشت. روز چنگ شبکه‌ای برای خود داشته و معاملات زیادی نیز با بازار امارات داشته است. روش کار او این‌گونه بوده که از طریق انتقال دلار به دبی به وسیله‌ی مبادلات، نظیر تبدیل دلار به درهم و بالعکس، علاوه بر بردن سود، از طریق نرخ ارز در دبی بازار ارز در داخل کشور را تحت تأثیر قرار می‌داد.

نرخ نهایی حواله درهم در دبی نقش کلیدی در قیمت دلار در تهران دارد. این نرخ نتیجه و برآیند نیروهای بازار و خواست نهایی قدرت است. نوسان دلار در ایران وابسته به روند عرضه‌ی درهم در دبی است. اگر عرضه‌ی درهم در دبی کاهش یابد، قیمت دلار در تهران افزایش می‌یابد.

در جریان جنگ ارزی ۹۰-۹۱، فشاری که از سوی نماینده‌های مجلس و رسانه‌ها بر روی دولت بود باعث شد که دولت، افرادی را به‌عنوان مقصر افزایش نرخ دلار در بازار معرفی کنند. جمشید بسم‌الله یکی از این افراد بود. این در حالی است که طی مصاحبه‌ای که با کارمندان صرافی‌ها انجام می‌شود این افراد نظری غیر از این دارند:

جمشید بسم‌الله کارگر معمولی یکی از صرافی‌ها بود که هیچ‌وقت رنگ داخل صرافی را هم ندید. صاحب‌کار قدری داشت که هیچ‌وقت خودش وارد معرکه نمی‌شد. روزی دو تا سه

^{۷۰} حواله ارزی، (به انگلیسی: Payment order) نوعی از دستور پرداخت است که به‌موجب آن، یک بانک یا مؤسسه مالی به تقاضای مشتری یا دارنده یک حساب بانکی، به یکی از بانک‌های کارگزار خود در خارج از کشور، حواله‌ای را صادر می‌کند و از آن مؤسسه می‌خواهد مبلغ حواله را به ذینفع آن، پرداخت نماید

میلیون دلار هم برای صاحب‌کارش می‌فروخت. صاحب‌کار جمشید خیلی پولدار بود. میزان دلاری که می‌فروخت به قدری زیاد بود که هیچ صرافی در بازار قدرت رقابت با آن را نداشت. اینجا صرافی‌های بزرگ کارگر دارند، کارگران برای آن‌ها دلار و ارز می‌فروشند ی-ر، نفر اصلی بازار دلار بود؛ این آقای ی-ر اصلاً در ایران نیست، دبی کار می‌کند و صاحب چند کارخانه بزرگ است، ما هرروز اینجا هستیم، شخصاً افرادی را با نام کامل می‌شناسم که از بانک‌های خصوصی به اینجا می‌آیند و ارز بانک‌ها را با نرخ آزاد می‌فروشند.^{۷۱}

^{۷۱} مشرق: سرنوشت جمشید بسم‌الله چه شد؟

۱. کنترل بازار ارز ایران توسط دبی

آمریکا در طی این جنگ اقتصادی توسط نیروهای اطلاعاتی و میدانی خود متوجه شده بود که ایران از طریق دبی تحریم‌ها را دور می‌زند. بانک مرکزی ایران برای دریافت پول نفت خود، حواله‌های دلاری را در کشورهای دیگر از جمله امارات نقد می‌کرد. لذا مقامات وزارت خزانه‌داری شخصاً به دبی سفر می‌کردند و در دیدار با روسای بانک‌ها به آن‌ها فشار می‌آوردند که از ارائه خدمات مالی و بانکی به ایران خودداری کنند هدف اصلی وزارت خزانه‌داری این بود که ایران نتواند ارز حاصل از فروش نفت خود را به کشور وارد کند. تحت این فشار از سوی آمریکا بانک‌های اماراتی، از جمله بانک مرکزی آن، در تبدیل ارز همکاری لازم را انجام ندادند. لذا تحرکات افزایش نرخ ارز از مهرماه سال ۱۳۸۹ با آغاز محدودیت تبدیل درهم به ریال از بانک‌های امارات متحده عربی شروع شد. بانک‌های اماراتی از عرضه درهم به تاجران ایرانی سر باز زدند. تاجر ایرانی با درهم امارات کار می‌کرد و نیاز به درهم داشت اما درهم عرضه نمی‌شد. ارزش درهم به ارزش دلار وصل یا به اصطلاح **پگ Pege** است. به دنبال عرضه نشدن درهم توسط بانک‌های اماراتی، قیمت درهم بالا می‌رفت چون درهم به دلار وصل است قیمت دلار نیز در بازار تهران بالا می‌رفت یا ارزش ریال در برابر دلار کاهش می‌یافت. شمس‌الدین حسینی وزیر اقتصاد دولت احمدی‌نژاد یکی از مشکلات ارزی اقتصاد ایران را پیوند خوردن با امارات می‌داند و می‌گوید:

به‌رحال بیشتر تجار ما کارهایشان را از طریق دبی انجام می‌دادند. برای مثال ما در بانک‌های امارات ذخایر دلاری داشتیم. از طرفی تاجر ایرانی با درهم امارات کار می‌کرد و نیاز به درهم داشت، اما درهم اماراتی عرضه نمی‌شد یا کم عرضه می‌شد، دلارهای ایران به میزان لازم تبدیل به درهم نمی‌شد تا بتوانیم درهم موردنیاز تجار را تأمین کنیم. اتفاقی که می‌افتاد این بود که قیمت درهم در مقابل ریال بالا می‌رفت یا ارزش قیمت ریال افت می‌کرد. توجه کنید امارات تا قبل از این تحریم‌ها بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران بود. درحالی‌که امارات به این میزان نه واردات به ما و نه صادرات از ما دارد؛ اما تجار ما هنگام واردات و صادرات از مبادی امارات اقدام می‌کردند. این مسئله باعث شده بود مبادلات ارزی ما

ناخواسته به پول امارات ارتباط پیدا کند. البته این وابستگی در شرایط تحریم خود را نشان می‌دهد.^{۷۲}

نرخ ارز یکی از مهم‌ترین متغیرهای کلیدی اقتصاد است که بر تمام بخش‌های مختلف اقتصاد اثر می‌گذارد. نرخ ارز کشور تماماً باید تحت کنترل مقامات اقتصادی و گاه امنیتی کشور باشد؛ اما در جنگ ارزی سال ۹۰-۹۱ علیه ایران دیدیم که نرخ ارز ایران در دبی تعیین می‌شود. همین مسئله ضربه جبران‌ناپذیری به ارزش پول ملی کشور زد. اسدالله عسگراولادی رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین از آن روزها سخن می‌گوید:

مدتی بود که در بازار آزاد نرخ ارز تا ساعت ۱۱ مشخص نمی‌شد. چون فاصله نرخ ارز رسمی و غیررسمی زیاد شده بود بنابراین دلار ۱۲۲۶ تومان نمی‌توانست مبنا باشد و بنابراین ساعت ۱۱ برخی صرافان در دبی در ابتدا شروع به خرید درهم می‌کردند. وقتی حجم مشخصی درهم می‌خریدند قیمت آن بالا می‌رفت. با بالا رفتن قیمت، سایر ارزها نیز افزایش قیمت داشتند و زمانی که صعود در یک دامنه قابل‌ملاحظه‌ای اتفاق می‌افتاد شروع به فروش می‌کردند.^{۷۳}

^{۷۲} مهر پور، مهدی- محرمانه‌های اقتصاد ایران- تهران- نشر نور علم- ۱۳۹۵- جلد اول

^{۷۳} مهر: [نرخ ارز را دویی تعیین می‌کند](#)

۲. ایجاد مراکزی در دبی توسط آمریکا برای کنترل فعالیت‌های مالی ایران

ایالات متحده برای کنترل فعالیت‌های مالی ایران اقدام به ایجاد مراکزی در کشورهای نظیر امارات که با ایران تبادل اقتصادی دارند کرد. در این خصوص سردار جلالی؛ رئیس سازمان پدافند غیرعامل اظهار داشت:

در پی تصمیم آمریکا برای وضع تحریم‌های سازمان ملل، دبی به‌عنوان یکی از مراکزی که دارای تعاملات اقتصادی با ایران است، در کانون توجه آمریکا قرار گرفته و واشنگتن از طریق آن سعی در ایجاد محدودیت اقتصادی برای ایران دارد.

از آنجایی که بیش از هشت هزار واحد تجاری ایرانی در دبی مستقر هستند، از طریق این مجموعه‌ای که توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا در دبی ایجاد شده همه فعالیت‌های مالی و تجاری این واحدهای تجاری که در تقویت توان اقتصادی ایران مؤثر است رصد می‌شود. این مرکز باهدف ایجاد اختلال در فعالیت‌های اقتصادی ایران، فعالیت برخی شرکت‌ها در دبی را متوقف و برخی از شرکت‌های بخش خصوصی را نیز بلوکه کرده است. اقدام دیگر آمریکا در دبی تمرکز بر روی فعالیت‌های مالی اتباع ایرانی است به‌طوری که مبادلات نقدی بیش از ۵۰۰ دلار کنترل می‌شود.

غرب به دنبال آن است که به‌منظور محاصره اقتصادی ایران ظرفیت‌های کشور ما برای مبادله تجاری و مالی با کشورهای همسایه را محدود و کنترل کند.^{۷۴}

نقش دبی در جنگ ارزی علیه ایران به روایت جی سولومون

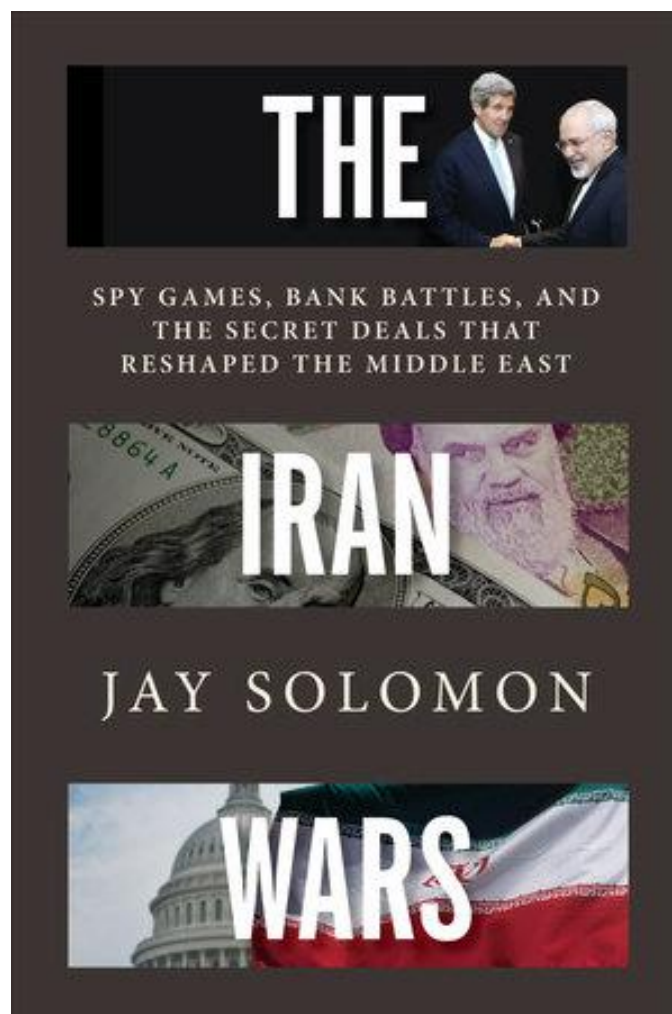
جی سولومون^{۷۵} در فصل ششم کتاب جنگ‌های ایران^{۷۶}؛ که جنگ ریال نام دارد به نقش دبی در این جنگ ارزی اشاره می‌کند:

وزارت خزانه‌داری دولت آمریکا در سال ۲۰۱۱ بانک اسلامی نور را مجبور به توقف انتقال میلیاردها دلار پول فروش نفت به ایران کرد. رئیس وقت این بانک؛ محمد بن راشد آل مکتوم؛ پسر حاکم دبی بوده است.

^{۷۴} ایرنا: شکست آمریکا در جنگ اقتصادی با ایران / ضرورت تشکیل قرارگاه مقابله با تهدیدات اقتصادی

^{۷۵} Jay Solomon

^{۷۶} [The Iran Wars](#)



بانک اسلامی نور برای جلوگیری از عواقب تحریم توسط ایالات متحده، تمام ارتباطات کاری خود با بانک‌های ایرانی در امارات را قطع کرد. همچنین، بانک نور در اواسط دسامبر توافق کرده بود که تا راه دستیابی ایران به ارز خارجی از طریق فروش نفت را ببندد.

در اوایل ژانویه ۲۰۱۲ بانک اسلام نور، وزارت خزانهداری آمریکا را مطلع ساخت که برای پرهیز از تحریم آمریکا تجارتش با ایران را به کلی قطع کرده است؛ عواقب این اقدام برای ایران بسیار وخیم بود. ارزش ارز ایران به فاصله فقط چند روز بیش از ۳۰ درصد در مقابل دلار سقوط کرد. تجارت در بازارها متوقف شد و بسیاری از ایرانیان برای خرید دلار و طلا به بازارهای سیاه روی آوردند.

نور یکی از مهم‌ترین راه‌های ایران برای دستیابی به درآمدهای نفت خود بود؛ و همین موضوع دلیل سقوط ریال بود.

مقامات آمریکایی از فروپاشی پول ایران به عنوان نشانه‌ای از ترک خوردن سیستم مالی تهران نام بردند.^{۷۷}



بانک اسلامی نور

غلامرضا مصباحی مقدم نماینده مجلس شورای اسلامی به نقش آمریکا در این رابطه اشاره می‌کند:

شوک ارزی که مهرماه سال ۹۰ وارد شد به خاطر این بود که دیوید لیبی معاون ارزی فدرال رزرو آمریکا شخصاً به امارت رفت، نشست و محکم گفت که باید تبدیل دلارهای ایران به درهم را متوقف کنید؛ آن‌ها برای چند روزی این کار را کردند. این شوک بلافاصله روی قیمت ارز اثر گذاشت.^{۷۸}

^{۷۷}Jay Solomon, “The Iran Wars, Spy Games, Bank Battles, and the Secret Deals That Reshaped the Middle East”, Random House.

^{۷۸}تسنیم: [ماجرای تماس تلفنی که بازار ارز را بهم ریخت](#)

فصل سوم

نقش ایجاد جنگ روانی علیه ریال ایران

یکی از راهکارهای دشمن در جنگ ارزی،
ایجاد جنگ روانی و رواج بی‌اعتمادی
نسبت به پول ملی است. این امر از طریق
مدیریت باورها صورت می‌پذیرد.

نقش ایجاد جنگ روانی علیه ریال ایران

عملیاتی روانی مستقل (عملیات روانی پشتیبان) شامل چهار گام می‌شود:

۱. برهم زدن انسجام روانی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران
۲. برهم زدن تعادل روانی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران
۳. برهم زدن ثبات روانی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران
۴. برهم زدن بقاء روانی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

این نوع عملیات روانی، به‌منظور مدیریت باورها انجام می‌پذیرد. ابزار عملیات روانی؛ رسانه و مخاطب؛ مردم و مسئولین جامعه هستند. هر کس بتواند باورهای مردم در این نردبان باور را مدیریت کند، مبتنی بر رویکرد علم مدار و قدرت‌مدار اعمال قدرت کرده است.

در عملیات روانی علیه ریال، باور زایی و باور زدایی صورت گرفت. دشمن با استفاده از تکنیک‌های عملیات روانی، باور مردم به ریال را از بین برد و در مردم باور به دلار را تقویت کرد. بر بستر این باور زایی و باور زدایی بود که جنگ ارزی علیه ایران رقم خورد. دشمن نقاط ضعف جمهوری اسلامی را شناسایی کرد و به‌وسیله‌ی آن به باوری که قرار بود نابود شود (باور به ریال) ضربه زد. عدم اعتماد مردم جامعه به پول ملی کشور اسب تروایی را رقم زد که دشمن با تمسک به آن توانست جنگ ارزی علیه کشور را صورت دهد.



دشمن از این نوع عملیات روانی در جنگ ارزی سال ۱۳۹۰ علیه جمهوری اسلامی استفاده کرد. رسانه‌های خارجی و ضدانقلاب در آن روزها محورهای تبلیغی خود را علیه عملکرد نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای بی‌ثباتی نرخ دلار گذاشتند. آن‌ها از این جنگ روانی علیه ریال چند هدف را دنبال می‌کردند:

۱. از بین بردن امید نزد مردم کشور و مسئولین با بحرانی نشان دادن وضعیت اقتصادی
۲. بی‌اعتمادی نسبت به رهبران و مدیران کشور به خاطر عدم توانایی در حل بحران ارزی
۳. نشان دادن اثربخشی تحریم‌ها در وضعیت اقتصادی
۴. ایجاد شکاف در بین مردم جامعه

در همین راستا به بخشی از فضاسازی روانی این رسانه‌های دشمن و ضدانقلاب در آن روزها اشاره می‌شود. «تلویزیون العربیه» برای توصیف تنش در بازار اقتصادی ایران از عبارتهایی استفاده کرده است که یادآور شکست‌های بزرگ

اقتصادی است. استفاده از عبارت سقوط آزاد ارزش ریال ایران در برابر دلار آمریکا در بازار آزاد از جمله رویکردهایی است که به ادعای این شبکه موجبات برجای گذاشتن رکورد جدید کاهش هفت درصدی در ایران را بر جای گذاشته است. العربیه در تمامی بخش‌های خبری خود این وضعیت را صریحاً به تأثیر پیامدهای تحریم‌های غربی بر بخش بانکی و نفتی جمهوری اسلامی نسبت می‌دهد و مدعی می‌شود که پول ملی ایران به علت برنامه هسته‌ای ایران، بیش از شصت درصد ارزش خود را ازدست داده است.

بی‌بی‌سی فارسی نیز در برنامه خبری با استناد به روند صعودی نرخ ارز و طلا به اثبات بحرانی بودن شرایط اقتصادی در ایران کوشید که ادعا دارد نتیجه تحریم‌های خارجی و موجب به مخاطره افتادن زندگی و معیشت در جامعه ایرانی است.

از سوی دیگر نیز خبرگزاری رویترز دیروز با تأکید بر افزایش لحظه‌به‌لحظه قیمت ارزهای خارجی و طلا در بازار تهران، ضمن برشمردن پیامدهای اعمال تحریم‌های بین‌المللی، سوء مدیریت دولتی و نبود سیاست درست اقتصادی را عامل آشفتگی و نابسامانی در بازار ارز و سکه می‌داند و این‌گونه القاء می‌نماید که مادامی که تنش‌های بین‌المللی بر سر برنامه هسته‌ای ایران حل نشود نابسامانی اوضاع اقتصادی کشور نه تنها حل نخواهد شد بلکه شدت می‌یابد.^{۷۹}

با ایجاد بحران در بازار ارز شرایطی به وجود آمد که مردم اعتماد خود به ریال را از دست دادند به صورتی که در مقطعی از زمان برخی فروشندگان کالاهای خود را به دلار به مردم می‌فروختند. بازار موبایل و کامپیوتر بخشی است که این‌گونه معاملات در آن دیده شد؛ اما نکته جالب‌تر در مورد اجاره خانه‌های مناطق مرفه نشین تهران است. برخی موجران، خانه‌های خود را به دلار اجاره می‌دادند. آن‌ها این‌گونه استدلال می‌کردند که با توجه به روند افزایشی نرخ دلار، این روش می‌تواند بهترین کار برای حفظ ارزش پول موجران باشد، چراکه دیگر نیازی به خرید سکه یا سپرده‌گذاری در بانک‌ها نیست.

^{۷۹} مشرق: پشت پرده "جنگ روانی دلار"

وقتی جنگ نرم بستر جنگ نیمه سخت علیه ایران می شود!

شمس‌الدین حسینی به نقش جنگ روانی در بحران ارزی اشاره می‌کند:

مشخصاً از نیمه دوم سال ۹۰، سیاستی که آمریکا و غربی‌ها داشتند این بود که اقداماتشان را با عملیات روانی انجام می‌دادند؛ یعنی فضای رسانه‌ای و ذهنیت‌ها را برای بزرگ جلوه دادن تصمیم، اثربخشی تصمیم و بزرگنمایی اثرات تصمیم‌شان آماده می‌کردند؛ یعنی این‌طور نبود که هر مسئله‌ای را بلافاصله تصمیم‌گیری، ابلاغ و اجرا کنند. بلکه با ایجاد یک موج رسانه‌ای کاری می‌کردند که حتی اگر آن تصمیم گرفته نمی‌شد، اثرات روانی آن تصمیم بر اقتصاد ایران تحمیل شود. البته در این بین، مسائلی داخلی نیز بسیار مهم بود.

در سال ۱۳۹۰ در حالی که هنوز اتفاقی نیفتاده بود، یک بازرگان بزرگ و سرشناس در رسانه‌ها اعلام می‌کرد: «چند روز دیگر در ایران قحطی خواهد آمد.» شما بروید در مقطعی که این حرف زده شده است از فروشگاه‌های بزرگ ایران سؤال کنید که چقدر، روغن، برنج و... توزیع شد و مردم از ترس قحطی چه میزان به ذخیره کالاهای اساسی روی آوردند.

آمریکایی‌ها مدعی شدند که می‌خواهند اقتصاد ایران را فلج کنند؛ اما به‌رغم این ادعا، ایران هدفمندی یارانه‌ها را اجرا می‌کند. متأسفانه دیدیم افرادی که این انقلاب و نظام به آن‌ها اعتبار بخشیده است و حالا دارای جایگاهی شده‌اند و حرفشان برد و اهمیت یافته است مدعی می‌شوند که در ایران قحطی خواهد شد.

متأسفانه عملیات روانی غربی‌ها در داخل کشور بنا به مسائل سیاسی مدیریت نمی‌شد و به آن دامن هم زده می‌شد.

به‌رحال خود تحریم‌ها یک عامل سیاسی بود. یکی از دلایلی که ما حاضر نبودیم در باب تحریم‌ها بزرگنمایی کنیم و حتی برخی مواقع خوش‌بینانه نیز حرف می‌زدیم این بود که می‌دانستیم قصد طرف مقابل عملیات روانی است.^{۸۰}

^{۸۰} مهر پور، مهدی - محرمانه‌های اقتصاد ایران - تهران - نشر نور علم - ۱۳۹۵ - جلد اول

رسانه‌های دشمن و ضدانقلاب با دنبال کردن عملیات روانی به دنبال این بودند که ضمن ناامید کردن مردم از آینده اقتصادی و سیاسی کشور با مدیریت باورها از طریق تکنیک‌های جنگ روانی افکار عمومی کشور را به سمت رویگردانی از نظام حاکم سوق دهند. بزرگنمایی تحریم‌ها توسط رسانه‌های غربی، ضدانقلاب و بعضاً داخلی، بازی در زمین دشمن بود که به تحقق عملیات روانی در جامعه به دشمن کمک می‌کرد.

امنیت مقوله‌ی حسی، ذهنی و نسبی است. در حال حاضر در جامعه احساس امنیت اقتصادی وجود ندارد. وقتی در حال حاضر اکثر مردم اعتقاد ندارند که طی مدت کوتاهی اقتصاد کشور درست می‌شود این نشانه‌ی این است که ثبات روانی جامعه نیز به‌هم‌خورده است. برهم زدن تعادل روانی اقتصادی می‌تواند تعادل روانی سیاسی را نیز به هم بزند. کما این که این اتفاق در جنگ ارزی سال ۹۰ ایران اتفاق افتاد و مردم در سال ۹۲ به جناح دیگری رأی دادند.

ابزار ضربه زدن در جنگ ارزی متلاطم کردن اقتصاد کشور، ایجاد جنگ روانی و رواج بی‌اعتمادی در بین مردم است که موجب برهم زدن امنیت ملی کشور می‌شود. در واقع هیچ‌چیز به‌اندازه ترس از سقوط پول ملی نمی‌تواند باعث سقوط آن شود! این امر از طریق مدیریت باورها صورت می‌پذیرد.

بدون شک در این وضعیت بد اقتصادی، تحریم‌ها بی‌تأثیر نبود و اصلاً یکی از اهداف جدی غرب از اعمال تحریم‌ها همین سست کردن حمایت‌های مردمی و ایجاد بذر نارضایتی‌ها در سینه مردم است. لذا در پی تحریم اقتصادی، به‌تدریج مشکلات معیشتی در کشور به وجود آمد و از نارضایتی مردم، نیز به‌عنوان ابزاری دیگر بهره‌برداری گردید. رهبر معظم انقلاب به‌خوبی توضیح می‌دهند که «درزمینه‌ی سیاست داخلی، هدف آن‌ها از این تحریم‌ها این بود که ملت را درراه خودشان مردد کنند؛ بین ملت ایران و نظام اسلامی جدائی بیندازند؛ مردم را دلسرد کنند، ناامید کنند.»^{۸۱}

^{۸۱} [بیانات در حرم مطهر رضوی](#)

بخش سوم

نقش عوامل داخلی

فصل یکم

همکاری عناصر داخلی در اثربخش کردن تحریمها

همکاری عناصر داخلی در اثربخش کردن تحریم‌ها

چیزی که غربی‌ها انتظار داشتند این بود که اقتصاد ایران در مقابل این تحریم‌ها فروپاشی کند. من تردیدی ندارم اگر همکاری‌های داخلی وجود داشت ما هزینه‌های خیلی کمتری در تحریم می‌پرداختیم. بخش عمده‌ای از وقت ما صرف توضیح امور برای عده‌ای در داخل کشور می‌شد تا فقط آن‌ها قانع و ساکت شوند.^{۸۲}

این سخنان وزیر وقت اقتصاد در آن روزهاست. در جریان تحریم‌های اخیر هم شاهد بودیم که عده‌ای برای بردو باخت‌های سیاسی و حذف و بدنام کردن رقبیان حاضر بودند که تحریم‌ها تداوم بیابد تا این افراد بتوانند در رقابت‌های انتخاباتی کرسی‌هایی را به دست آورند.

«داریوش سجادی» مشاور مهدی کروبی از قول رئیس‌جمهور نوشت عده‌ای به خاطر منافع شخصی مخالف برداشتن تحریم‌ها هستند خیلی حرف دارم اما موقع گفتن آن، اینجا نیست؛ به‌موقع به مردم خواهم گفت که یک عده نمی‌خواهند تحریم برداشته شود و یک عده از عادی شدن شرایط کشور با دنیا به خاطر منافع شخصی و گروهی مخالف هستند. وی آنگاه به فایل صوتی مکالمه مهدی هاشمی با کاریکاتوریست فراری نیک‌آهنگ کوثر می‌پردازد و می‌نویسد:

مهدی هاشمی در ۱۳ اکتبر ۲۰۱۰ از تلفن دبی خود به من زنگ زد و خواست با مقام‌های وزارت خزانه‌داری ارتباط برقرار کنم تا تحریم‌ها علیه ایران افزایش یابد. وی که بارها تأکید کرده بود همه‌کاره‌ای خانواده‌اش هماهنگ انجام می‌شود، معتقد بود تحریم‌ها برای ضربه به حاکمیت و دولت [احمدی‌نژاد] بسیار مؤثر هستند. وقتی از او پرسیدم که چگونه ممکن است فرزند یکی از مقامات نظام، خواستار افزایش تحریم‌ها علیه نظامی بشود که خود به نحوی جزئی از آن است؟ جواب ساده بود؛ «خب دیگه!»
وی نتیجه گرفت: مردم به‌مثابه قربانی هستند که با «تیغ تحریم» هم در عزا و هم در عروسی در «بهار روحانی» و «خزان هاشمی» ذبح می‌شوند!^{۸۳}

^{۸۲} مهر پور، مهدی - محرمانه‌های اقتصاد ایران - تهران - نشر نور علم - ۱۳۹۵ - جلد اول

^{۸۳} کیهان: مهدی هاشمی یکی از مصادیق هشدار روحانی است

نقش نهادهای داخلی در تحریم بانک مرکزی

شمس‌الدین حسینی در این رابطه می‌گوید:

برای مثال در مقطعی، جایی می‌خواستند وجوه بانک مرکزی را با تعبیر دولتی بودن این بانک مسدود کنند. همکاران ما در بانک مرکزی می‌گفتند بانک مرکزی مستقل از دولت است، غربی‌ها نمی‌توانند به بهانه دولتی بودن، منابع بانک مرکزی را بلوکه کنند؛ اما در همین حال مؤسسه پژوهشی وابسته به مجلس گزارشی منتشر می‌کرد که بانک مرکزی ایران مستقل نیست و طرف غربی نیز به همین گزارش‌ها استناد می‌کرد. کما اینکه در بسیاری از موارد، به اظهارنظرهای برخی اشخاص داخلی استناد می‌کردند.^{۸۴}

نقش انگیزه‌های انتخاباتی در جنگ ارزی چه بود؟

بازوی داخلی دشمن در این جنگ ارزی عده‌ای بودند که دانسته یا نادانسته پازل دشمن در این جنگ ارزی را کامل می‌کردند. در شرایطی که کشور در حالت بحران به سر می‌برد افرادی برای ضربه زدن به دولت شروع به خریدن دلار و طلا در ارقام میلیونی در بازار ارز و سکه ایران کرده بودند. این افراد درصدد بودند تا با استفاده از تحریم‌ها، شرایط اقتصادی برای مردم را چنان تنگ کنند تا در انتخابات سال ۹۲ برای رهایی از وضع موجود به جناح دیگری رأی دهند. وزیر اقتصاد دولت دهم از انگیزه‌های انتخاباتی سخن می‌گوید:

زمان شدت گرفتن تحریم‌ها با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ مقارن شده بود. در آن زمان انگیزه‌های سیاسی محسوس بود. من به شما بگویم با هدفمندی یارانه‌ها و تحریم‌ها برخورد سیاسی شد و درنهایت نیز حکم سیاسی صادر شد. اینکه شما فکر کنید در یک جنگ اقتصادی به سر می‌برید وعده‌ای بنا به منافع اقتصادی وعده‌ای دیگر بنا به منافع اقتصادی - سیاسی و خدای ناکرده حتی وعده‌ای به دلیل وابستگی، در بازارهای شما اخلاص می‌کنند خیلی دور از ذهن نیست. چیزی که من می‌توانم با استفاده از ادبیات اقتصادی بگویم این است که بازار ارز و طلای ما یکی از غیر شفاف‌ترین بازارهاست

^{۸۴} مهر پور، مهدی - محرمانه‌های اقتصاد ایران - تهران - نشر نور علم - ۱۳۹۵ - جلد اول

و درجه تمرکز یا به بیانی وجود افرادی که در فکر خروج حجم قابل توجهی طلا از کشور بودند. حالا، اسم این کار را هر چه می‌خواهید بگذارید. اگر شما بگویید آیا در این بازار اخلال وجود داشته؟ من صراحتاً به شما می‌گویم: آری،^{۸۵}

محمدعلی ابطحی یکی از دستگیرشدگان فتنه ۸۸ می‌گوید:

«این اصلاح‌طلبان بودند که به او با ما پیغام دادند تا زمان انتخابات ریاست جمهوری در ایران صبر کند و مطمئن باشد در این انتخابات دوستانش در ایران به جای دولت محمود احمدی‌نژاد سر کار خواهند آمد!»^{۸۶}

جی سالمون، خبرنگار امور ایران در روزنامه وال استریت ژورنال ۲۰ نوامبر ۲۰۰۹ طی گزارشی می‌نویسد:

«طی بازدید مخملباف از واشنگتن، آقای مخملباف که سخنگوی کاندیدای ریاست جمهوری ایران میرحسین موسوی است به او با ما پیام داده است پشتیبانی علنی خود را برای نیروهای دموکراتیک در ایران افزایش داده و به فشارهای مالی بر سپاه بیفزاید. آقای محسن مخملباف اعلام کرده است جنبش سبز ایران از تحریم‌های اقتصادی هدفمند پشتیبانی می‌کند»^{۸۷}

برخی در بحران ارزی سال ۹۰ و ۹۱ با تأسیس ده‌ها شرکت صرافی و سرمایه‌گذاری و نیز تمسک به انواع شیوه‌های غیرقانونی، باهدف معارضة با دولت وقت، چنان تلاطمی در زندگی مردم درست کردند که فرجام آن نابودی اقتصاد میلیون‌ها خانوار ایرانی و البته به دست آوردن کرسی‌های دولتی بود.

^{۸۵} مهر پور، مهدی - محرمانه‌های اقتصاد ایران - تهران - نشر نور علم - ۱۳۹۵ - جلد اول

^{۸۶} kayhan.ir/fa/news/77432/

^{۸۷} همان

فصل دوم

نقش نهاد بانک

در متن جنگ ارزی علیه ایران، بانکها به
دلالتان ارزی تبدیل شدند به طوری که
انگار برای چنین روزهایی تأسیس شده
بودند

نقش نهاد بانک

از همان اولین روزهایی که نرخ ارز شروع به افزایش کرده بود مردم شتابان به صرافی‌ها و بانک‌ها مراجعه می‌کردند تا اغلب با خرید دلار و یورو، از کاهش پولی که در دست دارند و از آب رفتن سرمایه‌های خود جلوگیری کنند؛ اما اجرای دیگری زیرپوست شهر که در ظاهرش عجله مردم برای خرید ارز دیده می‌شد، به تدریج اتفاق می‌افتاد؛ خود بانک‌ها نیز دست‌به‌کار شده بودند تا هر چه می‌توانند ارز بخرند و عملاً شروع به ذخیره ارزی کرده بودند. بانک‌ها بسیار بیشتر از مردم پول و نقدینگی در اختیار داشتند و همین مسئله باعث شده بود که خرید ارز به وسیله آن‌ها، بیش از ارزش‌های خانگی در قیمت دلار تأثیر داشته باشد.^{۸۸}



«عباس شاکری؛ اقتصاددان»

شاکری، اقتصاددانی که ریاست وقت دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی هم عهده‌دار است اظهار داشت که «در بحران ارزی، بانک‌ها به دلالت ارز تبدیل شدند به طوری که انگار برای چنین روزهایی تأسیس شده بودند». او می‌گفت:

^{۸۸} بانک‌ها در بحران ارزی سال ۹۱ چه نقشی داشتند؟ مجله نامه اتاق بازرگانی - آبان ۱۳۹۲، سال هشتم و پنجم

«به محض این که اقتصاد با کاهش منابع ارزی روبه‌رو شد، همه به معامله ارز روی آوردند به گونه‌ای که مؤسسات مالی و بانک‌های خصوصی که البته هیچ کدام خصوصی نیستند، وارد بازار شدند و این ادعا را می‌توان از نتایج مالی و سودهایی که از این بانک‌ها در سازمان بورس اعلام می‌شود اثبات کرد. برخی بانک‌ها حتی در نوساناتی که در بازار ارز بود، دخیل بودند و اقدام به خرید و فروش ارز کردند و باعث بروز مشکلاتی در بازار ارز و اقتصاد کشور شدند.»

تابستان و پاییز سال ۹۰ گذشت و برخی از بانک‌ها چهره خود را در بحران ارزی آن روزها به خوبی نشان دادند. آن‌ها از سویی در صف خرید ارز جزو نفرات اول بودند اما از دیگر سو، حتی در نقد کردن حساب‌های ارزی مردم تعلل کردند. بانک مرکزی نیز به قدری گرفتار بحران بود که نمی‌توانست به خوبی بر کار بانک‌ها نظارت کند.

در هنگام بحران ارزی و در دولت دوم احمدی‌نژاد تقریباً تمام بانک‌ها یک شرکت صرافی هم تأسیس کرده بودند، در آن سال‌ها که جنگ ارزی تمام ابعاد اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار داده و مسئله قیمت ارز مستقیماً در معیشت مردم کوچه و بازار اثر گذاشته بود، بانک‌ها هر کدام برای خود شرکت صرافی تأسیس کرده و وارد بازار ارز شده بودند. اواخر سال ۹۲ بانک مرکزی لیست صرافی‌های مجاز را از طریق سایت خود اعلام کرد، بررسی این لیست نشان می‌دهد مجوز فعالیت صرافی هفت بانک خصوصی کشور و یک موسسه اعتباری تمدید نشده یا تعلیق و فاقد اعتبار تشخیص داده شده است.

در میان این لیست می‌توان صرافی‌های مربوط به بانک‌های مشهوری چون «بانک پاسارگاد» (خدمات ارزی و صرافی پاسارگاد) و صرافی «بانک سامان» را مشاهده کرد که به عنوان مشهورترین شرکت‌های موجود در این لیست، در دوره جدید مورد تأیید بانک مرکزی قرار نگرفته‌اند و پرونده آن‌ها فعلاً زیر ذره‌بین کارشناسی بانک مرکزی است. همچنین در این لیست صرافی بانک‌های «اقتصاد نوین»، «بانک شهر» و «بانک دی» نیز وجود دارند که مجوز «بانک دی» اساساً فاقد اعتبار اعلام شده است. همچنین بانک مرکزی در لیست رسمی خود مجوز صرافی موسسه اعتباری توسعه را نیز تعلیق کرده است.^{۸۹}

اگرچه حضور صرافی‌ها برای مقابله با تحریم‌های یک‌جانبه غرب علیه ایران نسخه‌ای کارآمد عنوان شده، اما عوارض این نسخه در اقتصاد ارزی کشور به سرعت خودنمایی کرد و کارکرد صرافی‌ها برای انتقال ارز و دلارهای نفتی ایران از خارج به داخل کشور را به روندی معکوس تبدیل کرد و باعث سونامی واردات یا خروج ارز از کشور شد. همین مسئله

^{۸۹} بورس نیوز: نقش موثر بانک‌ها در تحولات بازار ارز

موجب دخالت دوباره بانک مرکزی به عنوان عالی‌ترین نهاد مالی کشور برای تعیین صرافی‌ها به دو بخش مجاز و غیرمجاز شد.

نقش بانک‌ها در دامن زدن به بحران ارزی

بانک مرکزی دلار با قیمت ارز مرجع را در اختیار بانک‌ها قرار می‌داد تا با عرضه این ارزها در بازار ارز موجبات کاهش قیمت دلار را فراهم کنند اما بانک‌ها با استفاده از صرافی‌های خود نه تنها این ارزها را در بازار عرضه نمی‌کردند بلکه دلار داخل بازار را نیز می‌خریدند تا بتوانند در آینده گران‌تر بفروشند. به دلیل تحریم بانک مرکزی و کاهش درآمدهای ارزی بعد از مرداد ۹۱؛ بانک مرکزی نمی‌توانست بر کار بانک‌ها نظارت کند و دیگر توان و مانور گذشته را نداشت. شمس‌الدین حسینی به نقش بانک‌ها و صرافی‌ها در دامن زدن به بحران ارزی اشاره می‌کند:

برخی از بانک‌ها دلار دولتی را گرفته و در بازار آزاد می‌فروختند. یکی از آسیب‌هایی که می‌توان به آن اشاره کرد این بود که نقش صرافی‌ها در مقطعی که به سمت جایگزینی بانک‌ها می‌رفتند افزایش یافته بود. البته بعدها تلاش شد که سهم و نقش صرافی‌ها، به حد نقل و انتقال کاهش پیدا کند؛ یعنی گفته می‌شد در مقاطعی خود صرافی‌ها به دنبال این بودند تا مستقیماً با بانک مرکزی کار کنند. از آنجاکه سیستم بانکی تحریم شده بود، روبه بانکی و تجارت خارجی از طریق LC کمتر شده بود و صرافی‌ها از طریق حواله، رونق و سهولت کاری بیشتری پیدا کرده بودند. من فکر می‌کنم یکی از تجربیاتی که به دست آمد این بود که گرچه باید از ظرفیت صرافی‌ها برای نقل و انتقال پول استفاده کرد ولی صرافی‌ها هرگز نباید جایگزین سیستم بانکی شوند. چراکه معتقدم در بدترین شرایط، کارکرد سیستم بانکی از کارکرد صرافی‌ها شفاف‌تر است. البته این بدین معنا نیست که بانک‌ها هیچ تخلفی نداشتند. بلکه می‌شد مواردی را یافت که بانک‌ها نیز تخلف می‌کردند یا حداقل با اولویت‌های تعیین شده کار نمی‌کردند.^{۹۰}

^{۹۰} مهر پور، مهدی- محرمانه‌های اقتصاد ایران- تهران- نشر نور علم-۱۳۹۵- جلد اول

فصل سوم

نقش نهاد صرافى

نقش نهاد صرافی

از نگاه کارشناسان، دلایل زیادی برای افزایش قیمت دلار در سال‌های ۹۰ و ۹۱ مطرح شده اما از همه مهم‌تر، تشدید تحریم‌های بین‌المللی و کاهش درآمدهای نفتی و دست‌آورد ائتلاف دلالتان برای بالا کشیدن قیمت دلار بوده است. صرف‌نظر از پرداختن به بخشی از دلایل موردنظر، اما نمی‌توان از نقش صرافان و دلالتانی که با ایجاد جنگ روانی در حوزه‌ی ارز، خرمن اقتصاد کشور را به آتش کشیدند گذشت.

با وجودی که کارشناسان اقتصادی تحریم و ایجاد مشکل در نقل‌وانتقال پول را از دلایل جهش نرخ ارز در آن سال‌ها عنوان می‌کردند اما موضوع سود ۷ هزار میلیارد تومانی سه صراف در سال ۹۰ با همکاری بانک مرکزی باید مورد بازبینی قرار بگیرد. این فساد مالی دقیقه در همان سالی رخ داده که رسانه‌ها در شهریور ۱۳۹۰ از کشف سوءاستفاده بزرگ در بانک‌های ایران خبر دادند که بر اساس آن ۳ هزار میلیارد تومان (سه تریلیون تومان) از شبکه‌های بانکی ایران به سرقت رفته است.

بانک مرکزی به‌طور مستقیم به کسی ارز نمی‌فروشد بلکه ارز از طریق بانک‌ها به دست متقاضیان می‌رسد و در آن زمان چون بانک مرکزی و بسیاری از بانک‌ها تحریم بودند، از طریق صرافی‌های بانک‌ها، گشایش اعتبارها انجام شد. صرافی‌هایی که به‌صورت رانتی متولی فروش ارزهای ارزان بانک مرکزی بودند، آزادی کامل در فروش داشتند. سود ما به تفاوت فروش ارز و حتی خواب ارز در حساب صرافی‌ها در ارقام چند صدمیلیاردی محاسبه می‌شود که منجر به فساد و میلیارد در شدن یک‌شبه‌ی برخی صرافی‌های ذی‌نفوذ می‌شود. یکی از این صرافی‌ها متعلق به فاطمه حسینی، دختر صفدر حسینی و همسرش می‌باشد که با عنوان «صرافی سید هانی میرمحمدعلی و شرکا» در تاریخ ۳ بهمن‌ماه ۱۳۹۰ تأسیس شده است.



«صفدر حسینی و دخترش فاطمه حسینی»

آگهی زیر که در روزنامه رسمی کشور به چاپ رسیده نشان می‌دهد، شرکت صرافی سیده فاطمه حسینی (دختر صفدر حسینی) و همسرش (هانی میر محمدعلی) در اوج بحران ارزی سال ۹۰ تأسیس شده که سیده فاطمه حسینی رئیس هیئت‌مدیره این صرافی بوده است.

شماره روزنامه: ۱۹۳۹۳ تهران

شماره صفحه روزنامه:

تاریخ نشر: ۱۳۹۰/۱۱/۱۶

شماره نامه اداره ثبت: ۳۲/۹۰.ت/۲۶۹۳۲

تاریخ نامه اداره ثبت:

شماره پیگیری روزنامه رسمی: ۲۰۱۴۵۰۰۰۰۱۱۱۰۲۰۲۹۸۷۲

آگهی تأسیس شرکت تضامنی سید هانی میرمحمدعلی و شرکاء

شرکت فوق در تاریخ ۳/۱۱/۱۳۹۰ تحت شماره ۲۲۰۹۸۹ و شناسه ملی ۱۰۳۳۰۷۲۳۰۲۳ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۳/۱۱/۱۳۹۰ از لحاظ امضاء ذیل دفاتر تکمیل گردیده و خلاصه شرکتنامه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم در روزنامه رسمی آگهی می‌شود.

۱- موضوع شرکت: خرید و فروش نقدی ارز (غیرالکترونیک) و مسکوکات طلا و نقره در محل صرافی.

۲- مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود.

۳- مرکز اصلی شرکت:

۱- ۳- استان تهران - شهر تهران خ وزرا نبش خ یکم مجتمع ستاره واحد ۱۳ تجاری -
کدپستی ۱۵۱۳۶۳۳۱۷۹

۴- سرمایه شرکت: مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.

۵- اولین مدیران شرکت:

۱- ۵- خانم سیده فاطمه حسینی به شماره ملی ۲۳۰۰۷۵۹۶۱۶ سمت رئیس هیئت مدیره.

۲- ۵- خانم مهین نیکبخت به شماره ملی ۶۰۰۹۷۹۸۸۲۵ سمت نائب رئیس هیئت مدیره.

۳- ۵- آقای سید هانی میرمحمدعلی به شماره ملی ۰۰۶۰۴۴۲۷۴۲ سمت عضو هیئت مدیره.

۴- ۵- آقای سید هانی میرمحمدعلی به شماره ملی ۰۰۶۰۴۴۲۷۴۲ سمت مدیرعامل به مدت نامحدود انتخاب گردیدند.

۶- دارندگان حق امضاء: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک سفته بروات و قراردادهای و عقود اسلامی و اوراق عادی و اداری با امضای مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است.

۷- اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه.

اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری

مجوز این صرافی در تاریخ ۲۰ فروردین ۹۱ (در دولت قبل) به شماره ۸۹۰۷ توسط بانک مرکزی صادر شد؛ اما همین بانک در اطلاعیه دیگری در تاریخ ۱۵ بهمن ماه سال ۹۲ (در دولت یازدهم) این صرافی را که فاطمه حسینی ریاست هیئت مدیره آن را بر عهده داشت، فاقد اعتبار معرفی می کند.^{۹۱}

The screenshot shows the website of 'Khey' (آگهی) company. The header includes the Iranian flag and the text 'روزنامه رسمی کشور' (Official Newspaper of the Country). The main content area displays the following information:

- شماره روزنامه: ۱۹۳۹۳ تهران
- شماره صفحه روزنامه: ۲
- تاریخ روزنامه: ۱۳۹۰/۱۱/۱۶
- شماره نامه اداره ثبت: ۳۳/۹۰۰/۲۶۹۲۲
- تاریخ نامه اداره ثبت: ۱۳۹۰/۱۱/۳
- شماره بگیر روزنامه رسمی: ۲۰۱۲۵۰۰۰۰۱۱۱۰۲۰۲۹۸۷۳

The 'آگهی تاسیس شرکت' (Company Incorporation Notice) section contains the following details:

- نامانی سید هانی میرمحمدعلی و شرکا
- شرکت فوق در تاریخ ۲/۱۱/۱۳۹۰ تحت شماره ۴۲۰۹۸۹ و شناسه ملی ۱۰۲۲۰۷۲۲۰۲۲ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۲/۱۱/۱۳۹۰ از لحاظ امضاء ذیل دفتر تکمیل گردیده و خلاصه شرکتنامه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم در روزنامه رسمی آگهی می شود.
- ۱. موضوع شرکت: خرید و فروش نقدی ارز (عبرالکترونیک) و مسکوکات طلا و نقره در محل صرافی.
- ۲. مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود.
- ۳. مرکز اصلی شرکت:
- ۴. استان تهران - شهر تهران ج ویرا نیش ج یکم مجتمع ستاره واحد ۱۲ نجاری - کدپستی ۱۵۱۲/۲۲۱۷۹
- ۵. سرمایه شرکت: مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد.
- ۶. اولین مدیران شرکت:
- ۱. ۵ - خانم سیده فاطمه حسینی به شماره ملی ۲۲۰۰۷۵۹۶۱۶ سمت رئیس هیئت مدیره.
- ۲. ۵ - خانم مهین نیک بخت به شماره ملی ۶۰۰۹۷۹۸۸۲۵ سمت نائب رئیس هیئت مدیره.
- ۳. ۵ - آقای سید هانی میرمحمدعلی به شماره ملی ۰۰۶۰۴۲۲۷۲۲ سمت عضو هیئت مدیره.
- ۴. ۵ - آقای سید هانی میرمحمدعلی به شماره ملی ۰۰۶۰۴۲۲۷۲۲ سمت مدیرعامل به مدت نامحدود انتخاب گردیدند.
- ۷. دارندگان حق امضاء: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک سفته پروات و قراردادهای و عقود اسلامی و اوراق عادی و اداری با امضای مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است.

On the right side of the page, there is a sidebar with navigation links and a large 'انتشارات' (Publications) section.

^{۹۱} فارس: بازخوانی تاسیس صرافی توسط «حسین فریدون و صدقی» و «دختر و داماد صفدر حسینی

ردیف	نام مدیر عامل	نام شرکت صراف	مشخصات ثبت			نوع صراف	حوزه جغرافیایی محل فعالیت			مشخصات مجوز			اطلاعات تماس
			محل ثبت	شماره ثبت	تاریخ ثبت		شماره مجوز	تاریخ مجوز	وضعیت مجوز	شماره تماس	تلفنی		
۶۶۶	جهانگیر نیروی	جهانگیر نیروی و شرکا	فهرستین	۶۴۱	۱۳۹۱/۱۰/۲۶	توجه اول	کرمانشاه	فهرستین	۴۴۲-۴۳	۱۳۹۱/۱۲/۱۷	مجوز دارای اعتبار	۰۹۱۸۳۳۵۰۴۱۱	فهرستین، بازارچه مرزی پرویزخان، روبروی بانک ملی، جنب صراف صباپز
۶۶۷	مجید کاظمی شورین	مجید کاظمی و شرکا	یزد	۱۳۳۸۱	۱۳۹۸/۱۲/۱۸	توجه اول	یزد	یزد	۱۶۱۰-۱۱	۱۳۹۱/۰۶/۲۳	مجوز دارای اعتبار	۰۲۸۱۳۳۸۰۰۰۱	یزد، خیابان مسجد جامع، بازارچه سران، جنب تانویی، پلاک ۳۶
۶۶۸	داریوش محمودی	داریوش محمودی و شرکا	شهرکرد	۱۰۰۳۶۴	۱۳۹۲/۱۰/۱۶	توجه اول	شهرکرد	چهارمحل صباپز	۵۴۳۸۷	۱۳۹۲/۰۲/۲۹	مجوز دارای اعتبار	۰۲۸۱۳۳۸۰۰۰۱	شهرکرد، خیابان ۱۲ محرم مجتمع تجاری زینت طبقه پلاک ۲۸۱۳۳۸۰۰۰۱
۶۶۹	حسن باغی	حسن باغی و شرکا	فهرستین	۵۹۱	۱۳۹۰/۰۲/۰۵	توجه اول	کرمانشاه	فهرستین	۲۲۳۵۳	۱۳۹۰/۰۹/۲۲	مجوز در حال بررسی	۰۹۱۵۱۳۳۵۰۴۱۱	فهرستین، بازارچه مرزی پرویزخان، کرمان ۱۹
۶۷۰	مهدی درشنی	مهدی درشنی و شرکا	تربت حیدریه	۲۵۹۱	۱۳۹۲/۰۲/۰۹	توجه اول	خراسان رضوی	تربت حیدریه	۱۰۸۳۲۱	۱۳۹۲/۰۴/۱۶	مجوز دارای اعتبار	۰۹۱۵۱۳۳۵۰۴۱۱	تربت حیدریه، خ فردوسی شمالی، پاساژ باغی طبقه همکف واحد ۳
۶۷۱	محمین شرف پور	محمین شرف پور و شرکا	فهرستین	۳۳۸	۱۳۹۱/۰۸/۱۰	توجه اول	کرمانشاه	فهرستین	۳۵۳۸۷	۱۳۹۱/۱۲/۲۸	مجوز دارای اعتبار	۰۸۴۴۳۳۴۳۰۰۱	فهرستین، بازارچه مرزی پرویزخان
۶۷۲	محمود فدایی	محمود فدایی و شرکا	قشم	۳۹۳	۱۳۹۰/۱۰/۲۰	توجه اول	قشم	قشم	۱۳۳۷۹	۱۳۹۱/۰۱/۱۶	مجوز دارای اعتبار	۰۷۳۵۲۷۰۹۱۲	قشم، در کهن، پاساژ دو دلفین طبقه اول- لاین ۱۳۳۵۲۷۰۹۱۲
۶۷۳	سعد الوسی	سعد الوسی و شرکا	تهران	۳۹۹۹۲۳	۱۳۹۸/۱۲/۲۸	توجه اول	تهران	تهران	۱۳۳۷۹	۱۳۹۱/۰۵/۱۸	مجوز دارای اعتبار	۲۲۳۵۳	تهران، بلوار میرداماد، نرسیده به میدان حسینی، پاساژ گلها، پلاک ۱۱۲ واحد ۵، کد پستی ۱۵۴۹۳۳۸۱۷
۶۷۴	لادن ولد بیگی	لادن ولد بیگی و طاهری	تهران	۳۹۷۷۵۱	۱۳۹۸/۱۲/۰۱	توجه اول	تهران	تهران	۱۵۸۵۰	۱۳۹۱/۰۱/۲۷	مجوز ابطال گردیده	۶۳۷۰۹۰۶۴	تهران، خیابان جمهوری اسلامی، چهار راه استانبول پاساژ گلشن، طبقه همکف پلاک ۱۵
۶۷۵	علی فتح الهی نین	علی فتح الهی نین و شرکا	اردهیل	۱۰۲۸۷	۱۳۹۰/۰۳/۰۱	توجه اول	اردهیل	اردهیل	۸۸۴۳۰	۱۳۹۱/۰۴/۰۷	مجوز فاقد اعتبار	۰۴۱۳۳۵۰۳۳۸۲	اردهیل، میدان عالی قاپو، مجتمع تجاری عالی قاپو، طبقه همکف پلاک ۳۶-۵ کد پستی ۵۱۱۴۳۷۷۱۱
۶۷۶	ازاده شعبانپور	ازاده شعبانپور و شرکا	ایلر	۳۸۴۳	۱۳۹۰/۱۰/۲۴	توجه اول	ایلر	ایلر	۱۰۹۹۳۲	۱۳۹۲/۰۴/۱۷	مجوز دارای اعتبار	۳۳۳۹۵۴۰-۱۱۱	ایلر، خ امام خمینی، پاساژ گلچوبان، جنب بانک ملی مازنیار
۶۷۷	پرهنگ عطار نوشتری	پرهنگ عطار و شرکا	تهران	۴۳۸۵۷	۱۳۹۲/۰۲/۰۳	توجه اول	تهران	تهران	۱۱۰۸۱۳	۱۳۹۲/۰۴/۱۷	مجوز دارای اعتبار	۸۸۹۰۵۸۰۸	تهران، خ ولعصر (مجمع) روبروی پارک ملت برج تجاری ملت پلاک ۳۶-۵ طبقه اول واحد ۶۱
۶۷۸	محمد باقر اسفندی	اصوفی اسفندی و شرکا	چلچلا / مناطق آزاد	۴۵۸	۱۳۹۰/۰۳/۲۱	توجه اول	آذربایجان شرقی	چلچلا - های شهر	۳۳۳۸۹	۱۳۹۱/۰۱/۰۴	مجوز دارای اعتبار	۰۴۳۳۰۴۳۳۸	چلچلا - های شهر، میدان نوبت، پاساژ گلزار شهید، پاساژ صاحب الزمان، پلاک ۵
۶۷۹	بانک دی	خدمات ارزی و صرافی دی	تهران	۳۹۷۷۴	۱۳۹۸/۱۲/۱۸	توجه دوم	تهران	تهران	۷۴۷۸۰	۱۳۹۱/۰۴/۰۴	مجوز فاقد اعتبار	۸۸۵۰۳۳۴۰۰۶	تهران، خیابان مطهری، سطح شمالی نرسیده به بل مدرس، پلاک ۱۹۳
۶۸۰	حسن رحیمی	حسن رحیمی و شرکا	تهران	۳۹۸۸۵۲	۱۳۹۸/۱۲/۱۱	توجه اول	تهران	تهران	۳۴۱۴۰	۱۳۹۱/۱۲/۲۱	مجوز دارای اعتبار	۴۴۳۸۵۰۰۱	تهران، خیابان شرفی اسفندی، بالاتر از پارک شهید حکیم، جنب چهارراه باغشیر، مجتمع هامون، طبقه همکف واحد ۱۲
۶۸۱	فرهاد صابونیان	فرهاد صابونیان و شرکا	تهران	۴۰۵۳۶۳	۱۳۹۰/۰۳/۱۶	توجه اول	تهران	ری	۳۳۰۴۷	۱۳۹۱/۱۲/۰۶	مجوز دارای اعتبار	۵۵۳۳۳۶۳	ری، میدان مدرس، بازار بزرگ ری، طبقه همکف شماره ۹۷
۶۸۲	احمد بزرگان پناه	احمد بزرگان پناه و شرکا	تهران	۳۹۹۱۸۶	۱۳۹۸/۱۲/۱۶	توجه اول	تهران	تهران	۳۷۱۰۰۱	۱۳۹۰/۱۱/۱۲	مجوز تعطیل گردیده	۳۳۰۸۳۵۰	تهران، بلوار میرداماد، بین میدان ماز و خیابان شریعتی، مرکز تجاری مریه، طبقه همکف واحد ۱۶، کد پستی ۱۵۸۸۳۳۸۷۸
۶۸۳	ابراهیم صرایی	ابراهیم صرایی و شرکا	تهران	۴۳۰۴۴۹	۱۳۹۱/۰۳/۲۴	توجه اول	تهران	تهران	۳۰۴۴۰	۱۳۹۲/۰۲/۰۹	مجوز دارای اعتبار	۸۸۶۰۷۱۰۰	تهران، خیابان ملامرغاب، در پیمارستان طبقه اول، برج ونوس، طبقه همکف پلاک ۲۱۴، واحد ۱۰ تجاری
۶۸۴	سید جلیل ترائی	ترائی و سامعی مقدم و شرکا	تهران	۹۹۴۷	۱۳۹۱/۱۱/۱۶	توجه اول	تهران	تهران	۳۳۷۷۰	۱۳۹۲/۰۲/۰۲	مجوز دارای اعتبار	۰۴۴۱۴۴۳۳۳۱	تهران، خ امام خمینی - مجتمع تجاری نور - طبقه زیر همکف - پلاک ۱۲
۶۸۵	علی زارعی	علی زارعی و شرکا	تهران	۴۳۲۰۱	۱۳۹۱/۰۸/۱۷	توجه اول	تهران	تهران	۳۴۷۳۴	۱۳۹۱/۰۹/۱۳	مجوز فاقد اعتبار	۳۳۳۸۸۱۳۵	تهران، خیابان جمهوری - نرسیده به چهارراه استانبول - پاساژ پروانه، طبقه همکف پلاک ۳۷۶
۶۸۶	مجید پارسیان مرام	مجید پارسیان مرام و شرکا	تهران	۴۳۱۵۶	۱۳۹۱/۰۸/۲۰	توجه اول	تهران	تهران	۴۴۴۳۷	۱۳۹۱/۰۹/۱۵	مجوز دارای اعتبار	۸۸۷۶۷۰۰۰۶	تهران، خیابان ولعصر بالاتر از پارک ساحلی پلاک ۲۲-۹ مرکز خرید مرام واحد ۱۰
۶۸۷	سیدمهدی میرمحمد علی	سیدمهدی میرمحمد علی و شرکا	تهران	۴۲۰۹۸۵	۱۳۹۰/۱۱/۰۲	توجه اول	تهران	تهران	۸۸۰۷	۱۳۹۱/۰۱/۲۰	مجوز فاقد اعتبار	۸۸۷۸۰۸۷۰	تهران، خیابان وزرا، نبش خیابان جگم، مجتمع ستاره، واحد ۱۲ تجاری، کد پستی ۱۵۱۳۳۳۳۳۳
۶۸۸	بانک توسعه تعاون	صرافی توسعه تعاون	تهران	۱۱۴۴۵۸	۱۳۹۰/۰۵/۱۸	توجه دوم	تهران	تهران	۳۳۳۷۰	۱۳۹۰/۱۲/۰۶	مجوز در حال بررسی	۱۱۴۴۵۸۱۱	تهران، خیابان انقلاب، بعد از میدان فردوسی، نرسیده به لاکاز، پلاک ۶۰۸، کد پستی ۱۱۴۴۵۸۱۱
۶۸۹	حیدر شریفی رئالی	حیدر شریفی رئالی و شرکا	اسفهان	۴۹۹۸۴	۱۳۹۲/۱۰/۱۷	توجه اول	اسفهان	اسفهان	۹۴۱۳۱	۱۳۹۲/۰۴/۰۴	مجوز دارای اعتبار	۰۹۱۳۱۱۹۳۳۰	اسفهان، سی و سه پل ابتدای چهار باغ بالا، ساختمان تجاری افروز گولر، فلز یک طبقه اول واحد ۳۱۴
۶۹۰	علی جواد	علی جواد و شرکا	تهران	۴۳۴۱۳۳	۱۳۹۱/۱۱/۰۷	توجه اول	تهران	تهران	۱۱۴۰۰۶	۱۳۹۲/۰۴/۱۸	مجوز دارای اعتبار	۰۹۱۳۳۰۳۸۱۹	تهران، خ جمهوری، مقابل بانی ساندرو، پاساژ آریان، پلاک ۱۹
۶۹۱	شاهنواز زاده	شاهنواز زاده و شرکا	اهواز	۴۰۷۴۹	۱۳۹۰/۱۰/۲۲	توجه اول	خوزستان	اهواز	۳۳۸۸۰۰	۱۳۹۰/۱۲/۰۲	مجوز فاقد اعتبار	۰۶۱۱۳۳۳۳۳۳۳	اهواز، گلباری، خیابان چمران، بین خیابان ۱ و ۲ غربی، پلاک ۷۷۱
۶۹۲	فرشاد صالحی توک	مردان توک و شرکا منطقه آزاد چابهار	چابهار / مناطق آزاد	۱۷۸۰	۱۳۹۱/۱۱/۲۳	توجه دوم	سیستان و بلوچستان	چابهار / مناطق آزاد	۱۱۳۶۱۷	۱۳۹۲/۰۴/۱۶	مجوز دارای اعتبار	۰۹۱۳۳۸۰۷۵۰۰	چابهار / مناطق آزاد، مجتمع تجاری پردیس طبقه همکف پلاک ۱۱
۶۹۳	لقی حسن زاده	محمد باقر حسین زاده و شرکا	ارومیه	۱۳۳۳۹	۱۳۹۱/۱۰/۰۲	توجه دوم	آذربایجان غربی	ارومیه	۳۴۰۳۷۰	۱۳۹۱/۱۲/۲۵	مجوز دارای اعتبار	۰۴۴۱۳۳۳۳۳۳۳	ارومیه، خیابان مدنی دو، نرسیده به میدان امام حسین نبش کوچه اسکندر، پلاک ۳۳۵
۶۹۴	فرزانه نصراللهی	علی ترکاشوند و شرکا	تهران	۴۳۴۴۹	۱۳۹۱/۱۱/۰۲	توجه اول	تهران	تهران	۳۴۱۸۸	۱۳۹۱/۱۱/۲۴	مجوز دارای اعتبار	۳۳۸۰۸۴۵	تهران، لیوران، مناطق کورامیه- تهرانی- پروین شهر کتاب ب-۱۲۰
۶۹۵	نادر فرهادی	لیلا میرزایی و شرکا	تهران	۱۳۷۳۲	۱۳۹۱/۱۲/۱۳	توجه دوم	سیستان و بلوچستان	چابهار / مناطق آزاد	۴۴۴۰	۱۳۹۱/۰۲/۲۱	مجوز دارای اعتبار	۷-۸۸۱-۳۳۵۰	چابهار / سیستان و بلوچستان، بل، مجتمع تجاری ابریشم - طبقه همکف - واحد ۳-۰-۲ کد پستی ۹۹۱۷۱۷۸۴۳۳
۶۹۶	سید احمد سجادی نقرشی	سید احمد سجادی نقرشی و شرکا	تهران	۴۳۴۷۹	۱۳۹۱/۰۳/۲۱	توجه اول	تهران	تهران	۳۳۳۳۹	۱۳۹۱/۰۹/۰۲	مجوز دارای اعتبار	۴۴۲۳۳۸۲	تهران، خیابان شهید احمد میر خ ۳
۶۹۷	یوسف کابوسی	یوسف کابوسی و شرکا	تهران	۴۳۱۳۳۱	۱۳۹۱/۰۸/۱۴	توجه اول	تهران	تهران	۳۸۳۳۸	۱۳۹۲/۰۹/۱۶	مجوز دارای اعتبار	۸۸۴۰۳۳۵۰	تهران، خیابان شریعتی - نرسیده به بل سیستان - پلاک ۹۰۶ - کد پستی ۱۵۵۸۳۳۳۳۱۱
۶۹۸	محمدعلی خانی چاهریسه	محمد علی خانی چاهریسه و شرکا	اصفهان	۴۳۷۳۳	۱۳۹۲/۰۲/۱۴	توجه اول	اصفهان	اصفهان	۹۴۳۳۴	۱۳۹۲/۰۴/۰۴	مجوز دارای اعتبار	۰۹۱۳۳۳۳۳۳۳	اصفهان، خیابان حکیم - مجتمع تجاری پردیس - طبقه اول - پلاک ۲
۶۹۹	بامداد پاسره کارمیری	نساء شعبانی و شرکا	تهران	۴۳۳۰۸۶	۱۳۹۱/۰۳/۲۳	توجه اول	تهران	تهران	۱۶۸۸۳۵	۱۳۹۱/۱۷/۰۱	مجوز در حال بررسی	۲۲-۸۴۳۴۰	تهران، خیابان ولعصر نبش خیابان زعفرانی - پاساژ گلزار ۲۸۹۳
۷۰۰	علی صدیقی	علی صدیقی و شرکا	تهران	۴۳۱۴۳	۱۳۹۰/۱۱/۱۵	توجه اول	تهران	تهران	۳۳۷۱۲	۱۳۹۱/۰۳/۱۰	مجوز فاقد اعتبار	۸۸۷۶۳۳۰۶	تهران، خیابان شهید مطهری، خیابان فولاد، پلاک ۱۱، طبقه همکف، کد پستی ۱۵۸۷۳۴۴۴۱۶

«گزارش بانک مرکزی در تعیین تکلیف مجوز صرافیهای داخل کشور»

متمهین جنگ ارزی سال ۹۰ برای بهزانو درآوردن کشور، از وابستگی دولت یازدهم هستند که در سالهای ۹۰ تا ۹۲ دست به جمع آوری ثروت‌های افسانه‌ای از طریق باز کردن صرافی و به هم ریختن اقتصاد کشور زدند.

دختر و داماد وزیر اقتصاد دولت اصلاحات برای بازگشایی صرافی در آن دوران بانگیزه‌ی طمع و منفعت در نیمه دوم سال ۸۹ و نیمه نخست سال ۹۰ اقدام به بازگشایی صرافی کردند به سرعت پولدار شدند و به نوعی زندگی خود را بستند. زبان ناشی از کم شدن ارزش دارائی‌ها در سفره مردم که بخشی از آن ناشی از دلال‌بازی و طمع چنین افرادی بوده که رانت داشته‌اند، موجب سقوط روزافزون دستمزد واقعی محرومین و طبقه متوسط جامعه شده است.

از دیگر متمهین جنگ ارزی سال ۹۰ می‌توان به اقدام حسین فریدون و علی صدیقی در تأسیس و راه‌اندازی صرافی در همان روزها در متن جنگ ارزی، اشاره کرد.

صرافی حسین فریدون

درست در بحبوحه تنگ‌تر شدن حلقه تحریم‌ها و در متن جنگ ارزی سال ۹۰ حسین فریدون (برادر رئیس‌جمهور فعلی) مشاور حسن روحانی در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام و علی صدقی به همراه علی اسدیان و مانی مهاجران اقدام به ایجاد صرافی «علی صدقی و شرکا» کردند که اتفاقاً فاقد مجوز از بانک مرکزی است! این افراد نیز درصدد بودند تا همانند دیگر عوامل جنگ ارزی علیه ایران دستی بر آتش داشته باشند.

روزنامه رسمی
شماره ویژه قوانین و مقررات: ۵۴۶

روزنامه < آگهی ها > آگهی رسمی < آگهی تاسیس > تهران

شماره: 32/90/27367 آگهی تاسیس شرکت تضامنی صدقی و شرکا
تاریخ: 1390/11/15

شرکت فوق در تاریخ 15/11/1390 تحت شماره 421483 و شناسه ملی 10320726658 در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ 15/11/1390 از لحاظ اعضاء ذیل دفتر تکمیل گردیده و خلاصه شرکتنامه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم در روزنامه رسمی آگهی می‌شود:

1. موضوع شرکت: خرید و فروش نقدی ارز غیرالکترونیکی و مسکوکات طلا و نقره در محل صرافی.
2. مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود.
3. مرکز اصلی شرکت: 3.1. استان تهران - شهر تهران خ مطهری خ کوه نور ب 11 ط همکف - کد پستی 1587643416.
4. سرمایه شرکت: مبلغ 2.000.000.000 ریال می‌باشد.
5. اولین مدیران شرکت:

1. آقای مانی مهاجران به شماره ملی 0070509719 به سمت رئیس هیئت مدیره.
2. آقای حسین فریدون به شماره ملی 4569667511 به سمت عضو هیئت مدیره.
3. آقای علی اسدیان به شماره ملی 0055835937 به سمت عضو هیئت مدیره.
4. آقای علی صدقی به شماره ملی 1652423680 به سمت عضو هیئت مدیره.
5. آقای علی صدقی به شماره ملی 1652423680 به سمت مدیرعامل به مدت نامحدود انتخاب گردیدند.
6. دارندگان حق اعضاء: کلیه اوراق و اسناد بهادار و عهدآور شرکت از قبیل چک سفته پروان و قراردادهای و عقود اسلامی با اعضاء رئیس هیئت مدیره یا علی اسدیان عضو هیئت مدیره متفرداً همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

بخش شورای ...
مقررات عمومی
آرای هیات عمومی دیوان ...
تصویب نامه‌ها
آیین نامه‌ها
اساسنامه‌ها
مشروح مذاکرات مجلس ...
آگهی‌ها
سازمان امور مالیاتی ...
نظریات مشورتی اداره ...
فصولات شورای عالی ...
سازمان ثبت اسناد ...
مناقضه روزنامه رسمی
فصولات شورای شهر
فصولات شورای عالی ...
فصولات مجمع تشخیص ...
فصولات و نظریات شورای ...
فصولات شورای عالی ...
آرای وحدت رویه دیوانعالی ...
مبنی کامل قوانین و ...

فعالیت در انگلیس شاید آغاز نزدیک شدن صدقی به خانواده فریدون است. کما اینکه عبدالناصر همتی (مدیرعامل سابق بانک ملی و مدیر فعلی بیمه مرکزی) و ولی‌الله سیف (رئیس فعلی بانک مرکزی) هم در همین بانک انگلیسی فعالیت داشته‌اند. فریدون نقش زیادی در انتصاب‌های مشاغل پرپول دولت تدبیر و امید ایفا می‌کند. به‌عنوان مثال مدیران بانک‌های تجارت، صادرات، ملی و همچنین انتصاب مدیران شستا و تاپیکو با اعمال نظر فریدون انتخاب شده‌اند. علی صدقی رفیق و شریک حسین فریدون هم با فشار وی به ربیعی و طیب نیا، وزیرای کار و اقتصاد به‌عنوان مدیرعامل بانک رفاه منصوب شد. پیش‌ازین نقش فریدون در فرآیند فساد خیز مداخله ارزی بانک مرکزی هم رسانه‌ای شد. ماجرای که در آن فروش ارزهای ارزان قیمت بانک مرکزی از طریق برخی صرافی‌ها انجام می‌شد.

همچنین گفته می‌شود برخی اعضای خانواده حسین فریدون ساکن انگلیس هستند. انگار انگلیس برای فریدون‌ها محل تحصیل خانوادگی است.^{۹۲}



«حسین فریدون»

به گزارش بیزینس اینسایدر، مریم فریدون دختر حسین فریدون (برادر رئیس‌جمهور ایران) دانشجوی مقطع کارشناسی دانشگاه کلمبیای آمریکا بوده و پس از آن با دریافت بورس تحصیلی موسوم به لرد دارندورف^{۹۳} توانسته در کالج مشهور مدرسه اقتصاد لندن^{۹۴} مشغول به تحصیل شود. این بورس، در قالب بورسیه‌هایی که دوپچه بانک آلمان^{۹۵} به دانشجویان کشورهای درحال توسعه و نوظهور اعطا می‌کند، به مریم فریدون داده شده است.

بیزینس اینسایدر نوشته است که هدف از اعطای این بورس تحصیلی کمک به دانشجویان نیازمند کشورهای درحال توسعه است و بر همین اساس، اعطای آن به دختر برادر رئیس‌جمهور ایران که وضع مالی مناسبی دارد، تعجب‌برانگیز است.^{۹۶}

^{۹۲} رجانیوز: فشار شدید حسین فریدون برای انتصاب شریک صرافی اش به ریاست بانک ملی

^{۹۳} Lord Dahrendorf

^{۹۴} London School of Economics

^{۹۵} Deutsche Bank

^{۹۶}Businessinsider: [Iran's Leaders Rail Against The West](#)

مریم فریدون پس از اتمام تحصیل خود در دانشگاه، به عنوان تحلیل گر در تجارت و فروش و بازرگانی در شرکت مورگان استنلی مشغول به کار شده است. البته مریم فریدون در شعبه لندن دویچه بانک هم مشغول به کار است. شرکت آوا نوتریگا یکی از شرکت‌هایی است که فریدون به همراه صدقی و مانی مهاجران تأسیس کرده که زمینه فعالیت آن واردات و صادرات، انجام امور بازرگانی و ... با دامنه فعالیت گسترده است.



Maryam Fereydoun

Associate at Deutsche Bank

London, United Kingdom | Finansielle tjenester

Tilmeld dig, og få adgang til hele Maryam Fereydouns profil. Det er gratis!

Som medlem af LinkedIn kommer du i selskab med 300 millioner andre professionelle, der deler forbindelser, idéer og nye muligheder.

- Se, hvem du og **Maryam Fereydoun** begge kender
- Bliv introduceret for **Maryam Fereydoun**
- Kontakt **Maryam Fereydoun** direkte

سلطه بر کوهی از پول به راحتی می‌تواند تأمین مالی عوامل و حتی هزینه‌های انتخاباتی و سیاسی را بسیار تسهیل کند. تحصیل مسئولان کشور و فرزندان آنان، ممکن است ضربات سنگینی به امنیت ملی ایران وارد کند. به این دلیل که این افراد طعمه آماده‌ای برای سرویس‌های جاسوسی غرب هستند و شبانه‌روزی توسط این سرویس‌ها زیر نظر هستند تا نقطه ضعف و گافی از آن‌ها گرفته شود تا بعداً بتواند دست‌آویزی برای دشمنان جمهوری اسلامی فراهم کند تا آن‌ها را مجبور به اجرای خواسته‌های موردنظرشان کند. دشمن از طریق فرزندان این افراد به زندگی خانواده‌اش نفوذ می‌کند و از این طریق به نظام نفوذ پیدا خواهد کرد، اگر فرزند مسئولی طعمه سرویس جاسوسی کشور محل تحصیل گردد آیا پدرش برای نجات او هر کاری را نمی‌کند؟ این پدر بین منافع کشور و نجات فرزند، کدام را انتخاب می‌کند؟ آیا می‌شود به چنین

مسئولینی اعتماد کرد و حل پرونده‌هایی که با منافع کلان نظام اسلامی ارتباط دارد را، در اختیار آن‌ها گذاشت و اعتقاد داشت که خیانت نکنند؟!؟

نمی‌شود در جمهوری اسلامی «مرگ بر آمریکا» بگوییم و از آن طرف فرزند مسئول جمهوری اسلامی در آمریکا زندگی کند و این قضیه دردناک و مایه‌ی شرمندگی است. مقامات امنیتی باید تدابیری اتخاذ کنند تا هر مسئولی که فرزندش در آمریکا و انگلیس اقامت دارد باید از مقام و مسئولیتش کنار بکشد.

بخش چهارم

نقش علم اقتصاد

فصل یکم

توجیهات افزایش نرخ ارز

مهم‌ترین درس جنگ ارزی این است که آن نتایجی که کارشناسان علم اقتصاد از آن انتظار دارند مانند افزایش صادرات و اشتغال را ایجاد نمی‌کند که عموماً دلایلی هستند که برای توجیه نشان دادن افزایش دلار توسط اساتید و کارشناسان علم اقتصاد استفاده می‌شوند.

به‌راستی چه عواملی بستر جنگ ارزی علیه کشور را رقم می‌زند؟

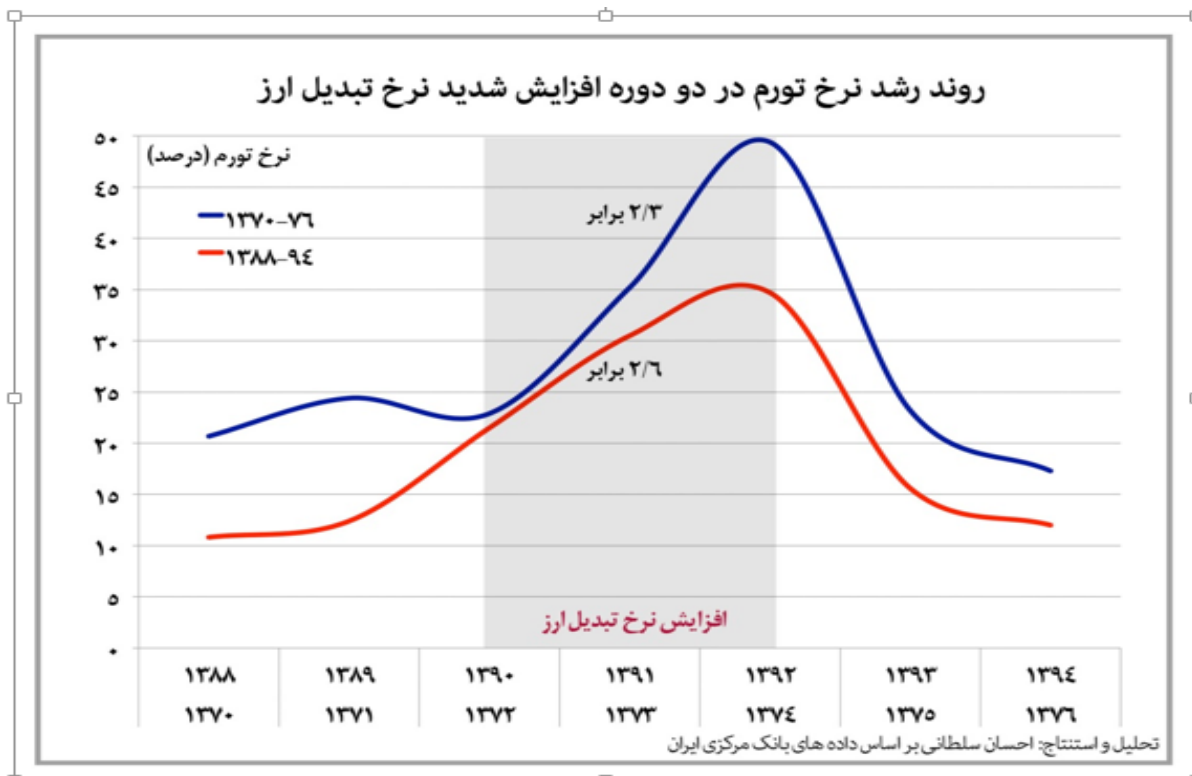
یکی از این عوامل علم اقتصاد است که به گفته‌ی اقتصاددان‌های بزرگ نظیر «جوزف استیگلیتز»^{۹۷} سقوط آزاد کرده است. علم اقتصادی که مشکلات ساختاری در آن نهادینه است. علم اقتصادی که به طمع و منفعت اصالت می‌بخشد و آن را ترویج می‌کند. افزایش هزینه‌های دولت، کسری بودجه، انتشار پول بدون پشتوانه، خلق نقدینگی، بدهی دولت و استقراض خارجی منجر به تورم و موجب ذلیلی و خواری ریال می‌شود.

توجیهات افزایش نرخ ارز

مهم‌ترین درس جنگ ارزی این است که لزوماً آن نتایجی که شما از آن انتظار دارید مانند افزایش صادرات و اشتغال و رشد را تولید نمی‌کند که عموماً دلایلی هستند که برای توجیه نشان دادن کاهش ارزش پول کشور توسط اساتید و کارشناسان علم اقتصاد استفاده می‌شوند. کاهش ارزش پول منجر به کاهش قیمت شدید، تورم شدید، رکود اقتصادی، افسردگی یا فاجعه اقتصادی می‌شود؛ بنابراین به‌طور معمول، سیاستمداران و اقتصاددان‌ها کاملاً در اشتباه هستند.

در ایران افزایش نرخ ارز موجب افزایش صادرات نمی‌شود؛ زیرا در ایران بسیاری از مواد اولیه لازم برای تولید کالا، تجهیزات و ماشین‌آلات صنعتی و همچنین کالاهای مصرفی به کشور وارد می‌شود. این امر منجر به افزایش بهای تمام‌شده کالا می‌شود و از سوی دیگر به افزایش تورم دامن می‌زند که نتیجه آن کاهش شدید قدرت خرید مردم است. از سوی دیگر با کاهش قدرت خرید مردم؛ تولیدکننده‌ها با کاهش درآمد و افزایش هزینه‌ها روبه‌رو خواهند شد که این امر منجر به ورشکستگی آن‌ها می‌شود و لذا نرخ بیکاری هم افزایش می‌یابد. عملاً چرخه باطلی شکل می‌گیرد که نرخ ارز و نرخ بیکاری و هم تورم افزایش می‌یابد و منجر به پدیده «رکود تورمی» خواهد شد. شرایطی که در حال حاضر اقتصاد ایران با آن روبه‌رو است.

^{۹۷} Joseph Stiglitz



به عنوان سند این ادعا می توان به نمودار بالا اشاره کرد. در سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲، افزایش سه برابری دلار نه تنها تولید و صادرات در ایران بهبود پیدا نکرد بلکه قیمت ها را چند برابر کرد و به تورم بسیار بالا منتج شد و تقاضای بسیاری از کالاهای وابسته به ارز را با مشکل جدی مواجه ساخت. رکود مستمر موجود در اقتصاد تا حد قابل ملاحظه ای به جنگ ارزی سال ۹۰ و ۹۱ مرتبط است و اقتصاد نمی تواند به راحتی از آن شرایط خارج شود.

«عباس شاکری» رئیس سابق دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی در این رابطه می گوید:

در اقتصادی که دلالی، سوداگری و فعالیت های نامولد حرف اول را می زند و بی کاری و تورم، هر دو بالاست و رقابت پذیری فنی و مدیریتی تأمین نیست، افزایش نرخ ارز به هیچ وجه موجب شتاب صادرات نمی شود، اما به خاطر تورم بالا و مستمر، ثابت ماندن نرخ ارز صادرات را محدود می کند.

نکته قابل ذکر این است که با بالا بردن نرخ ارز تأمین بخشی از کسری بودجه دولت هم محقق نمی شود. ما از زمانی که چند شوک درمانی اخیر را اجرا کردیم (از سال ۸۹ به بعد) شاهد واگرایی شدید کسری بودجه دولت هستیم، به طوری که دولت به بیمه ها، پیمانکاران، بنگاه های

داخلی، بانک‌ها و بانک مرکزی همه و همه بدهکار است و بدهی دولت دیگر به چند هزار میلیارد تومان منحصر نمی‌شود بلکه به صدها هزار میلیارد تومان بالغ می‌گردد. این‌ها هم بخش دیگری از نتایج شوک‌درمانی‌های بدون بستر و در فضای آلوده به فساد و جولان دست‌های منفعت‌طلب است که تنها نامولدها، رانت‌طلبان و سوداگران از آن منتفع شدند و دولت و عوامل مولد هم مثل معیشت مردم وضعشان بدتر شد. در بیان ضعف دیدگاه بعضی از این افراد همین بس که در شرایط رکود تورمی موجود، آن‌ها دقیقاً عواملی که ما را به این مشکلات وارد کرده را عامل برون‌رفت و رهایی از آن معرفی می‌کنند.^{۹۸}

از افزایش نرخ ارز، در درجه اول صنایع متکی به رانت انرژی و منابع (پتروشیمی، فولاد، معادن و ...) با افزایش درآمد ارزی حاصل از صادرات مواد خام و اولیه بهره خواهند برد. دولت نیز اگرچه کسری‌های خود را می‌پوشاند، اما با تأخیر گرفتار تورم ناشی از آن می‌شود. باید توجه داشت که بخش غالب صادرات کشور شامل تولیدات متکی به رانت انرژی و مواد خام و اولیه است، بنابراین افزایش نرخ ارز منجر به ایجاد اشتغال یا کسب دیگر منافع مهم جهت اقتصاد ملی نمی‌گردد. بدنه سیاست‌گذار در اقتصاد ایران همواره به نام حمایت از تولیدکننده و صادرکننده دست به اقداماتی زده است که همواره به ضد تولید و صادرات منجر شده است.

مردم و معیشت و سطح زندگی و رفاه آن‌ها بی‌تردید بزرگ‌ترین قربانی موج افزایش قیمت‌ها بوده و هستند. به‌اصطلاح واقعی سازی قیمت‌ها در شرایطی باید انجام شود که سطح درآمد مردم هم بالا رفته باشد. افزایش قیمت‌ها به فقیرتر شدن هر چه بیشتر عامه مردم منجر خواهد شد. تورم ظالمانه‌ترین مالیاتی است که دولت‌ها به مردم می‌بندند چراکه در این شرایط بازدهی سرمایه‌های ثابت نظیر مسکن و زمین بسیار بیش از بازدهی در تولید است. در این شرایط فقرا فقیرتر و اغنیا ثروتمندتر خواهند شد.^{۹۹}

^{۹۸} نسیم: [دولت بازی خطرناکی را با نرخ ارز شروع کرده که نتیجه‌ای هم برایش ندارد](#)

^{۹۹} نسیم: [تورم بزرگ در راه است!](#)

فصل دوم

اصول اقتصاد لیبرالی

اصول اقتصاد لیبرالی

یکی از عوامل مهم در ایجاد جنگ ارزی ۱۳۹۰ نقش «علم/اقتصاد» بود. اقتصادی که به طمع و سود حداکثری در جامعه اصالت می‌بخشد. از اصول اقتصاد لیبرالی می‌توان موارد به «امانیزم»^{۱۰۰}، «فردگرایی»^{۱۰۱}، «سوداگری»^{۱۰۲}، «منفعت‌گرایی»^{۱۰۳}، «پول‌گرایی»^{۱۰۴} و «طمع»^{۱۰۵} اشاره کرد.

این اصول ساختار استعمارگرانه دارد؛ و بر مبنای جدایی اقتصاد از دین است که «سکولاریسم» را رقم می‌زند. انگاره‌ی اساسی که انسان غربی با ایجاد آن توانست مدرنیته را بدین مرحله برساند، نظریه «جدایی سیاست از دین» نبود بلکه «جدایی اقتصاد از دین» بود. خطرناک‌ترین پروژه‌ای که می‌تواند برای جامعه اسلامی مصیبت به بار آورد سکولار شدن الگوی معیشت و جدایی اقتصاد از دین است.

اقتصاد اسمیتی به طمع و خودبینی اصالت می‌بخشد و برای بقای خود نیاز به تحریک این خصایص در بین مردم جامعه دارد. اصالت بخشی به اقتصاد بر مبنای عواملی چون «فردگرایی» و تحریک تقاضا با تحریک طمع در افراد به‌منظور بهره‌کشی بیشتر از زمین و منابع محدود آن و همین‌طور سودجویی بی‌حد و حصر از انسان‌ها در مجموعه‌های تولیدی خود جهت بالا بردن سطح کمی تولیدات به جهت تأمین نیاز روزافزون و لجام‌گسیخته‌ی مردم و پوشاندن عیوب احتمالی محصولات با بمباران تبلیغاتی رسانه‌های پرشمار غربی از بنیان‌های اصلی اقتصاد لیبرالی است.

اگر هر فرد در جامعه تنها به فکر رفع نیازهای خود باشد و تفکر فردگرایی در جوامع بشری رونق یافته و تبلیغ شود لاجرم باید منتظر بروز اتفاقات ناگوار در سطح جوامع بود. پاشنه آشیل تفکر «آدام اسمیت»^{۱۰۶} در اقتصاد کلاسیک وی، اصالت بخشیدن به «فردگرایی» و «مکتب سودگرایی» و دامن زدن به طمع فردی می‌باشد که به‌طور حتم در صورت سیاست‌گذاری‌ها بر این مبنا در اقتصاد، باید منتظر بروز مخاطراتی چون اختلاس‌های کوچک و بزرگ و کلاه‌برداری‌های

^{۱۰۰} Amanism

^{۱۰۱} Individualism

^{۱۰۲} Mercantilism

^{۱۰۳} Utilitarianism

^{۱۰۴} Monetarism

^{۱۰۵} Greed

^{۱۰۶} Adam Smith

متعدد و کلان بود و از این طریق شاهد از بین رفتن روحیه ایثار و از خودگذشتگی و کم‌رنگ شدن روحیه ترجیح منافع جمع بر منافع خودخواهیم بود.

«مکتب اسمیتی» که به نوعی مقوم «لیبرالیسم» در جهان غرب شد این گونه مردم را هدایت می‌کند که برای رسیدن به نفع شخصی خود می‌توانید از هر شیوه‌ای - پراگماتیسم - استفاده کنید تا به سود حداکثری دست یابید و این تنها راه نجات خود و جامعه‌تان خواهد بود پس تا می‌توانید در این زمینه خودبین و خودخواه باشید زیرا اسمیت معتقد است که افراد هنگامی که صرفاً به فکر منافع خود هستند ناخودآگاه نفعی به جامعه می‌دهند که چندین برابر حالتی است که به فکر منافع عمومی‌اند. این تفکر به این دلیل مورد مناقشه و نکوهش است که اصالتی برای نفع عمومی در عرصه‌ی شخصی برای افراد قائل نیست و نفع جامعه را در ذیل نفع فردی افراد به عنوان جزئی از کل می‌پندارد.^{۱۰۷}

در همین راستا یکی دیگر از مخاطرات موجود در مکانیسم اصالت بخشی به تفرددگرایی و طمع مردم در جنگ ارزی سال ۱۳۹۰ نمایان شد؛ و آن حرکت سرمایه به صورت جمعی به بازار سکه و ارز در آن مقطع زمانی بود. بدین ترتیب که افراد برای کسب بیشترین سود شخصی و بدون در نظر گرفتن منافع جمعی و ملی، سعی کردند پول خود را در بازار سکه و ارز سرمایه‌گذاری کنند که در آن زمان تصور می‌کردند می‌تواند بیشترین سود را عایدشان می‌کند.

فرض کنید که در اقتصادی مثل ایران تنها ۱۰ درصد نقدینگی، یعنی حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان، ترجیح دهد از ریال به دلار تبدیل شود. این ترجیح کافی است که تقاضایی معادل واردات سالانه کشور به بازار ارز تحمیل کند و نیاز ارزی کشور را دو برابر کند.

این موضوع به نوعی موجب به هم خوردن توازن اقتصادی و ارزی کشور شد و موجب نابودی و رکود تولید و بروز تورم‌های افسارگسیخته‌ای در سال‌های بعد برای جامعه شد.

قابل توجه است که پدر علم اقتصاد لیبرالی؛ «اسمیت» عقیده دارد که از نظر سیاسی نباید به تجار اطمینان کرد زیرا تجار لزوماً شهروند یک کشور به خصوص نیستند و بر اساس سودآوری بیشتر فعالیت‌ها و سرمایه‌ی خود را از جایی به جای دیگر منتقل خواهند کرد.^{۱۰۸}

^{۱۰۷} باشگاه استراتژیست‌های جوان: [اسمیتزاسیون اقتصاد در ایران](#)

^{۱۰۸} کتاب لیبرالیسم غرب ظهور و سقوط

حال مبتنی بر همین عقیده چگونه می‌توان به افرادی که بر اساس فردگرایی و سودگرایی سرمایه‌ی خود را به‌راحتی از کشوری به کشور دیگر منتقل می‌کنند اعتماد کرد؟ بر همین اساس در تفکر استراتژیک یک استراتژیست باید نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی مشکوک باشد. اصل نفوذ، جریان سرمایه‌گذاری خارجی در وجه کوتاه‌مدت آن است. بهترین راه برای اعمال نفوذ در یک کشور سرمایه‌گذاری در آن کشور است.

یکی دیگر از خطرات اصالت بخشی به فردگرایی و سود حداکثری در اقتصاد لیبرالی که می‌تواند برای مردم جامعه ایجاد کند در بحث تحریم‌ها خود را نشان می‌دهد. بدین صورت که جامعه می‌داند که کشور با تحریم‌های ظالمانه روبرو است اما به دلیل نگاه فردگرایانه و تجویز نسخه‌های ضد اخلاقی و ضد ارزشی، افراد منافع شخصی خود را به منافع جامعه ترجیح می‌دهند و با نگاه مبتنی بر سود حداکثری خود و نه سود حداکثری جمع، جنس و کالای خارجی را برای رفع نیاز خود در مقابل کالای ایرانی خریداری می‌کنند در این وضعیت شاهد نابودی تولید داخلی و اقتصاد کشور خواهیم بود.

هسته مرکزی لیبرالیسم «لسفر» است. معنای کاربردی آن در جامعه، حداقل دخالت دولت در امور اقتصادی افراد و جامعه است؛ یعنی همه‌چیز باید رهاشده و به حال خود واگذار شود و به‌جای اینکه به فقیر کمک شود باید اجازه داد تا جمعیت مازاد به‌طور طبیعی حذف شود. لسفر اجتماعی را «داروین‌یسم اقتصادی» نیز می‌گویند. «داروین» رقابت اقتصادی را شکلی از تنازع بقا می‌داند.

آدام اسمیت نظریه تکامل را قبل از داروین پیش‌بینی کرده بود. او اندک بودن وسایل معاش را عامل اصلی عدم تولیدمثل فقرا می‌داند و اظهار می‌کند که طبیعت به هیچ طریقی نمی‌تواند با این مسئله برخورد کند مگر با حذف فرزندان؛ آدام اسمیت نام این نظریه را نژاد زحمت‌کشان نامید.

چکیده‌ی نظریه‌ی «مالتوس» این است که هر چیزی که شرایط تهیدستان را تغییر دهد آن‌ها را به داشتن فرزند بیشتر تشویق خواهد کرد؛ لذا تعداد تهیدستان بیشتر خواهد شد بدون این که ثروت بیشتری پدید آید. وی تا آنجا پیش رفت که اظهار داشت که اگر تهیدستان صاحب فرزندی شوند و نتوانند آن‌ها را تأمین کنند (یعنی کسانی که دستمزد اندکی دارند یا بیکارند) باید به جرم بی‌مسئولیتی و عدم رعایت محدودیت‌های جنسی مجازات شوند. مالتوس هیچ‌گونه حق حمایتی برای تهیدستان قائل نیست. کینز نیز به نقل عبارتی از مالتوس می‌پردازد که به‌گونه‌ای مؤثر حق وجود را برای کسانی که در فقر متولد می‌شوند نفی می‌کند:

انسانی که در دنیایی از قبل تملک شده به دنیا می‌آید اگر نتواند قوت خود را از والدینش دریافت دارد (که خواستی عادلانه است) و اگر جامعه خواهان کار او نباشد، هیچ‌گونه حقی برای دریافت کمترین مقدار غذا یا چون‌وچرا در مورد مقام و موقعیت خود ندارد. در سفره‌ی گسترده طبیعت جایی برای او وجود ندارد. طبیعت، حکم به رفتن او می‌دهد و خود نیز حکم را اجرا می‌کند.^{۱۰۹}

نکته‌ای که باید به نفوذ نظریه‌ی مالتوس اضافه شود تأثیر اندیشه‌های او بر داروین و نظریه‌ی تکامل او است. نه فقط داروین بلکه «آلفرد والاس» و از جهتی دیگر «هربرت اسپنسر» نیز پس از مطالعه‌ی آثار مالتوس به نتایجی درباره مفهوم تکاملی مبارزه برای بقا رسیده‌اند.

آزادی، مسئولیت فردی و علم، سه زمینه را در اقتصاد لیبرالی تشکیل می‌دهد که به موجب آن تهیدستان باید به حال خود رها شوند.^{۱۱۰}

داروینیسیم اقتصادی تطورهایی است که در اقتصاد رخ می‌دهد که با دست‌کاری بشر در اقتصاد ایجاد می‌شود و کشورهایی که نتوانند خود را با آن منطبق کنند محکوم به نابودی هستند. اقتصاد لیبرالی برای این که بتواند بقا داشته باشد کشورهای شرقی را استعمار و استحمار کرده است. امروزه روند داروینیسیم مالی زیر نظر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول رخ می‌دهد. قانون طبیعت نظام مالی این است که افرادی نابود شوند تا افراد دیگر باقی بمانند. ربا جوهره اقتصاد غربی است زیرا می‌خواهد که به هر قیمت بقا داشته باشد. در بقای اصلح داروینیسیم تنها کسانی می‌توانند که بقا داشته باشند که رباخوار شوند.

برخی از مسئولین دولت تدبیر و امید معتقدند گروهی از مردم فقیر که قدرت انطباق با محیط را ندارند، عقیم شوند تا هزینه کمتر اقتصادی بر دولت وارد کنند. این نظریه برگرفته از تئوری داروینیسیم اجتماعی است که در کشورهای غربی در عمل سال‌ها است که نسبت به مردم فقیر جامعه اجرا می‌شود. آن‌ها معتقدند دین از سیاست و فن حکومت‌داری کاملاً

^{۱۰۹} همان

^{۱۱۰} همان

جدا است و برای کاهش هزینه‌های جامعه و توسعه اجتماعی اگر افراد فقیر، زبردست افراد ثروتمند نبود شوند یک پدیده عادی اجتماعی است. برخی مسئولین ما هم معتقدند گورخواب‌ها کسانی هستند که نتوانستند اختلاس کنند، در بورس ثروت جمع کنند و رانت داشته باشند لذا بر طبق نظر مقامات باید عقیم شوند، این یعنی داروینیسیم اجتماعی، سیاسی و فرهنگی چراکه تنها انسان‌هایی که خود را با محیط منطبق می‌کنند منقرض نمی‌شوند.

واقعیت این است که بر اساس تفکرات جریان داروینیسیم از نظر برخی مسئولین، کسانی که در سیاست، اقتصاد و اجتماع قدرت انطباق با شرایط را نداشته باشند باید از بین بروند و این موضوعی است که در مورد گورخواب‌ها قابل بررسی است. در جریان جنگ ارزی ۹۰ هم مردم طبقه متوسط و تولیدکنندگانی که نتوانستند و یا نخواستند که خود را با محیط دلالی و سوداگری وفق دهند شکست خوردند و نابود شدند و این ماحصل بارگیری پیاده‌سازی الگوهای اقتصاد نئولیبرالی بود که دولت وقت به کار گرفت.



درواقع جنگ اقتصادی ضعف و آسیب‌پذیری را ابتدا در معاش جامعه افزایش دهد، سپس این ضعف را به کل نظام اجتماعی تسری داده زمینه‌ی فروپاشی آن را فراهم می‌کند. محاصره‌ی اقتصادی یا آن‌گونه که به غلط تحریم خوانده گفته می‌شود یک استراتژی مقدماتی در یک جنگ اقتصادی است. محاصره نقاط ضعف و آسیب‌پذیر حریف را تقویت می‌کند تا امکان اعمال تهدید ایجاد شود.

نفوذ از طریق منفذ و توسط نافذ انجام می‌شود. در جمهوری اسلامی این منفذ عمل کردن به الگوهای اقتصاد لیبرالی است که توسط اقتصاددان‌ها در دانشگاه‌ها و در دولت انجام می‌پذیرند. در دنیای امروزی نفوذ از طریق نهادهای مالی صورت می‌گیرد. در بعضی از قسمت‌های نظام کار از نفوذ نیز گذشته است و آنجا به تصرف دشمن درآمده است. بانک مرکزی را می‌توان از جمله‌ی این مکان‌ها قلمداد کرد.

در نظریه‌ی اصلی امنیت، تهدید از بیرون و آسیب‌پذیری در درون است. در این صورت اگر آسیب‌پذیری وجود داشت، تهدید کارآمد خواهد بود. آسیب‌پذیری این است که در کشور برای واردات کالاها و تکنولوژی‌هایی موردنیاز به دلار ایالات متحده محتاج هستیم که مدیریت آن تحت کنترل دشمن است و می‌تواند مانع ایجاد کند و تهدید را به‌گونه‌ای رقم می‌زند تا از کانال این آسیب‌پذیری‌ها، امنیت مخدوش شود.

متقابلاً ایران برای فروش، معاملات و تعاملاتش نیاز به دلار دارد تا بتواند کالای خود را بفروشد که متقابلاً با استفاده از چرخه یوترن دشمن مانع ایجاد می‌کند که کسی این اجازه را داشته باشد که این خرید را صورت دهد. درواقع تهدید، به نیازهای کشور در تجارت بین‌المللی و استفاده از دلار در معاملات بین‌المللی و به‌کارگیری اصول اقتصاد لیبرالی در کشور برمی‌گردد.

یکی از تفاوت‌های جنگ اقتصادی با جنگ نظامی این است که در جنگ نظامی، غیرتها و تعصب‌های ملی، به کمک نظامیان می‌آید. مثلاً استاد دانشگاه، روحانی، کارگر ساختمانی، کشاورز و... برای کمک به کشور باینکه نه نظامی هستند و نه مجبور، به جبهه می‌روند. سایر افراد نیز زندگی و درآمدهای خود را در راه دفاع از کشور هزینه می‌کنند، اما در جنگ اقتصادی چه‌بسا همان خانمی که در زمان جنگ نظامی از طلا و ثروت خود می‌گذرد اینجا پول خودش را برای سود بیشتر تبدیل به طلا می‌کند؛ یعنی آن همبستگی که در جنگ نظامی وجود دارد در جنگ اقتصادی ایجاد نمی‌شود. به همین دلیل است که «اقتصاد مقاومتی»، فرهنگ مقاومتی هم می‌خواهد. مردم باید به این باور برسند که در «جنگ تمام‌عیار اقتصادی» قرار دارند.

بخش پنجم

راهکارها و جمع‌بندی

فصل یکم

ارائه راهکارها

ارائه راه کارها

سرویس‌های اطلاعاتی دنیا یکی از کارهایی که در کشورهای هدف انجام می‌دهند بی‌ثبات‌سازی شرایط اقتصادی آن کشور است و بی‌ثباتی اقتصادی منجر به بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی در کشور هدف می‌شود. جنگ ارزی باهدف بی‌ثبات‌سازی شرایط اقتصادی در کشور هدف انجام می‌پذیرد.

دشمن در این جنگ ارزی با ایجاد فشار بر مردم ایران از طریق نابودی ریال این هدف را دنبال می‌کند که رژیم چینج (تغییرات حکومت) در ایران صورت بگیرد یا در مرتبه‌ی پایین‌تری انتقال نرم قدرت سیاسی صورت بگیرد و گروهی در ایران به قدرت برسند که موافق آمریکا و سیاست‌های او در جهان باشند. (کما این‌که این امر محقق شد و یک سال بعد از این جنگ ارزی علیه ایران گروهی در ایران به قدرت رسیدند که معاهده ننگین برجام را رقم زدند.) این کاملاً در اظهارنظرهای استراتژیست‌های آمریکا مشهود بود.

در شرایط جنگ ارزی، پول ملی کشور که ناموس اقتصاد کشور است هدف قرار می‌گیرد، مسئولان و نهادهای اطلاعاتی نباید اجازه دهند که عده‌ای با کامل کردن پازل دشمن در این جنگ ارزی بر اساس مؤلفه طمع و منفعت به ازای نابودی ارزش‌داری‌های مردم برای خود منفعت کسب کنند. واضح است که برای خنثی کردن این تهدید ارزی افزایش نظارت نهادهای اطلاعاتی بر نحوه عملکرد این جریان سرمایه ضرورت دارد.

برای مقابله با بحران، بانک مرکزی سیاست‌هایی نظیر افزایش نرخ بهره برای جمع‌آوری نقدینگی و سرمایه از بازار ارز را پیش گرفت. همچنین در مهرماه سال ۱۳۹۱ مرکز مبادلات ارزی را برای از بین بردن سیستم چند نرخ ارز و ایجاد نرخ ارز مبادله‌ای ایجاد کرد؛ اما افزایش نرخ‌های بهره ممکن است منجر به رکود اقتصادی شود که تبعات کاهش درآمدهای مالیاتی دولت و افزایش کسری بودجه دولت را به دنبال دارد.

فارغ از نتایج حاصله و روند به وجود آمده پس از سال ۹۱، مسئله این است که همه تبعات به وجود آمده مانند برجام، به دلیل غفلت از جنگ ارزی طی سال‌های ۹۰-۹۱ بود. هرچند رهبر انقلاب تذکر و هشدار داده بودند اما غفلت مسئولین و نخبگان و ضعف ایشان باعث به وجود آمدن چنین شرایطی شد.

یکی از دلایل شکست ایران در این جنگ ارزی، ضعف مدیریت دولت وقت در مواجهه با بحران و ناتوانی در مدیریت بازار پول در داخل بود. دولت توانایی کنترل بانک‌های خصوصی را ندارد که هر از چند گاهی برای سودآوری وارد بازارهای ارز، سکه و یا مسکن می‌شوند و موجب افزایش قیمت در این بازارها و ایجاد تورم در اقتصاد می‌شوند. توان دلالی بانک‌ها در بازار ارز را مردم جامعه دادند که روزبه‌روز سفره‌ی آن‌ها کوچک‌تر شد.

راهکار عمومی برای پیشگیری از چنین بحرانی، گفتمان سازی جنگ ارزی در بین مردم جامعه و آگاهی بخشی به آنها در این زمینه است.

ارزش پول ملی، قدرت خرید پول هر کشور در بازار کالا و خدمات است؛ بنابراین با کاهش ارزش ریال این قدرت خرید مردم است که نابود می‌شود. کارمندی که یک‌میزان درآمد ثابت در ماه دارد با کاهش ارزش ریال، ماه دیگر به مقدار کمتری می‌تواند با این حقوق از کالا و خدمات استفاده کند و این به معنای کوچک شدن اقتصاد خانوار است.

ایجاد جنگ روانی و برهم زدن ثبات روانی مردم جامعه و کاهش اعتماد به ارز ملی آن کشور که منجر به بی‌ثباتی اقتصادی، نابودی تولید و مشاغل و نابودی ارزش پول آن کشور می‌شود از ابزارهای جنگ ارزی برای ضربه زدن به دشمن محسوب می‌شود. ریشه‌ی جنگ ارزی عدم باور مردم جامعه به پول ملی کشور بود که دشمن آن را مبنا قرار داد و بر این بستر بود که جنگ ارزی علیه کشور را رقم زد. عدم اعتماد مردم جامعه به پول ملی باعث شد که دشمن در این جنگ ارزی پیروز شود.

در شرایطی که جنگ ارزی رخ می‌دهد باید هم‌مقدار و هم‌قیمت ارز را مدیریت کرد. همان‌طور که مردم در جنگ سخت احساس جنگ دارند و درک می‌کنند که کشور در شرایط جنگی است، در هنگام شکل‌گیری جنگ ارزی علیه کشور نیز مردم باید به این باور برسند که کشور در جنگ به سر می‌برد. لذا نگهداری ارز برای اهداف غیر تولیدی کلاً باید ممنوع گردد و با نهادها (بانک‌ها و صرافی‌هایی که از عوامل تشدید جنگ ارزی ۱۳۹۰ بودند) طمع‌کاران و سوداگرانی که سعی دارند تا از این بحران به وجود آمده نهایت استفاده را ببرند مانند عوامل دشمن برخورد شود. چراکه اثرات این جنگ را می‌توان بر کل معیشت جامعه مشاهده کرد.

راه کارهای تاکتیکی

۱. ارز فقط باید به کالاهای اساسی داده شود و از تخصیص ارز برای واردات کالاهای غیرضروری مانند اتومبیل‌های لوکس اجتناب شود.
۲. همچنین باید واردات کالاهایی که مشابه داخلی دارند ممنوع شود.
۳. ایجاد سیستم یکپارچه کنترل بین تجارت، ارز و ثبت سفارش کالاها در گمرک نیز از ملزومات است.

۴. دولت نباید اجازه داشته باشد که در هنگام کسری تجاری از ذخایر ارزی کشور استفاده کند چراکه صندوق ذخیره ارزی کشور به مثابه مهمات جنگ ارزی است.

۵. ایران نباید ذخایر ارزی خود را در بانک‌های خارجی نگه دارد به این علت که دشمن به آسانی می‌تواند بر اساس هر بهانه واهی آن را مصادره کند.

۶. به طور کلی پیاده‌سازی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌تواند اقتصاد ایران را به گونه‌ای کانالیزه کند که دشمن نتواند به راحتی به اقتصاد ایران نفوذ کند.

راه کارهای استراتژیکی

۱. تبدیل تهدید به فرصت

آیا این تحریم‌ها صرفاً برای ما هزینه زا بوده یا فرصت ساز هم بوده است؟

- در صنایع موشکی که از اول انقلاب تحریم بودیم، خودکفا شدیم. به این معنا که تکنولوژی ساخت را در اختیار داریم و صفر تا صد محصولات مثل موشک در داخل کشور تولید می‌شود. در حال حاضر صنایع نظامی ما می‌تواند الگویی برای بقیه صنایع در این زمینه باشد که تازه دارند تحریم می‌شوند.

- دولت در اثر تحریم‌ها ناچار به بازمهندسی شرکای تجاری شد. علی‌الخصوص در تهیه اقلام اساسی مثل گندم و دارو که مبادی وارداتی را از شرکت‌های واسطه غربی که روابط تیره‌ای در زمینه‌ی سیاسی با ایران دارند به کشورهای همسایه (تولیدکننده) تغییر داد و منافع آن‌ها را هم تا حدی به خود گره زد. ایران باید منافع خود را به منافع دیگر کشورها گره بزند. ایران تا الآن مسئله گره زدن منافع را جدی نگرفته است و حتی انحصار هم در زمینه‌ی واردات به برخی اشخاص داده شده است که این زمینه‌ساز وابستگی است.

- دولت به دلیل کمبود ارز ناچار به ایجاد شفافیت در تجارت خارجی و معاملات ارزی شد، دولت تا قبل از این نمی‌دانست ارز کشور کجا مصرف می‌شود. باید ارز تخصیصی برای هر کاری صرفاً برای همان کار صرف شود. دولت با به راه انداختن پورتال ارزی سعی کرد تا به این نیاز پاسخ دهد. تا قبل از این جنگ ارزی، هیچ‌کدام از مراکز دخیل در واردات با یکدیگر در ارتباط سیستمی نبودند. مرکز مبادلات ارزی که بخشی از پورتال ارزی است، به راه افتاد تا شفافیت بیشتر شود.

- وضع تحریم سوئیفت نشان داد که برخلاف ادعای این شبکه پیام‌رسان بین‌المللی مبنی بر بی‌طرف بودن، این شبکه تحت نفوذ مستقیم آمریکا و متحدین اروپایی خود قرار دارد و این کشورها هر زمان که اراده کنند، با کوچک‌ترین بهانه‌ای امکان دسترسی ایران و یا هر کشور دیگری که با آن مشکل دارند را به این شبکه قطع خواهند کرد. در چنین شرایطی وابستگی بیش‌ازحد به این نهادها اقدامی منطقی نیست و لازم است تدابیری اتخاذ شود که ایران در تعاملات بین‌المللی خود کمترین وابستگی را به این کشورها داشته باشد. در این راستا لازم است ایران از وابستگی کامل به سامانه سوئیفت در مبادلات خارجی بپرهیزد.

بعد از تحریم ایران از سوی سوئیفت، سامانه پیام‌رسان ملی «سپام» به‌منظور استفاده در نقل‌وانتقال‌های داخلی راه‌اندازی شد. اکنون بانک مرکزی باید این سامانه را توسعه دهد و امکان استفاده از آن را در تبادلات خارجی با برخی کشورها فراهم نماید.

- موسسه مطالعات خاور نزدیک واشنگتن در گزارشی به تأثیر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران و راه مقابله جمهوری اسلامی با این تحریم‌ها و درعین‌حال افزایش درآمدهای غیرنفتی ایران پرداخته است:

نقش نفت در اقتصاد ایران در حال کمرنگ شدن است، امری که موجب کم اثر شدن تلاش‌های غرب برای فشار قرار دادن رژیم با کاهش درآمدهای نفتی شده است. جمهوری اسلامی در حال تجربه شکوفایی اقتصادی بدون اتکا به نفت است. بدون صادرات نفت ظرفیت ماندن در زمره کشورهای با درآمد متوسط را داراست و ذخایری که سرمایه‌گذاری برای این گذار (انتقال) را در این دوره فراهم کند. برای سال‌ها، به رهبران ایران در خصوص کاهش اتکا به نفت توصیه شد اما تلاش‌ها در این راستا ناچیز بودند. تحریم‌های غرب موجب تسریع روند عملیاتی شدن این توصیه‌ها شد- در پیام نوروزی رهبری انقلاب (آیت‌الله) علی خامنه‌ای در ۲۱ مارس برای اولین بار بر نقش محدودیت‌ها بر صادرات نفت کشور و مؤثر بودن آن، تصریح شد.

«تحریم‌ها تأثیر داشته‌اند و آن‌هم به خاطر وجود نقیصی بنیادی است که ما اکنون از آن رنج می‌بریم. نقیصه‌ای که اقتصاد ما از آن رنج می‌بریم وابستگی به نفت است.» وی همچنین اذعان کرد که ضعف اقتصادی موجب ایجاد شرایط دشوار برای گروه‌های مشخصی از مردم شده است. به جای تغییر در سیاست‌های هسته‌ای، مع‌هذا رهبر ایران استدلال کرد، «ما توانایی تبدیل

هرگونه تهدید به فرصت را دارا هستیم. تحریم‌ها سبب فعال شدن ظرفیت عظیم داخلی ایرانیا
شده‌اند»

نکته دیگر این که افزایش صادرات غیرنفتی به قوی‌تر شدن قشر متوسط و کاهش نقش دولت
در اقتصاد منجر خواهد شد^{۱۱۱}.

۲. تدارک آرایش جنگی در اقتصاد کشور و تشکیل واحد فرماندهی جنگ ارزی.

این واحد فرماندهی به‌عنوان محل اصلی ایجاد تهدیدات ارزی، ابزارهای تشویقی و استراتژی دفاع ارزی فعالیت خواهد کرد. با توجه به این که جنگ تمام‌عیار اقتصادی علیه مردم ایران جریان دارد، ساختار عمومی جامعه و نهادهای اقتصادی کشور باید آرایش جنگی مناسب در برابر محاصره و تهاجم اقتصادی دشمن بگیرند. در برابر جنگ ارزی دشمن، هنوز قرارگاه و مرکز فرماندهی جنگ ارزی در کشور تشکیل نشده است.

مقامات کشور در حوزه‌های مربوطه و همچنین مقامات نظامی باید برای مقابله با جنگ ارزی آماده شوند. چراکه در عصر جدید تقابل کشورها و تمدن‌ها در وجه قدرت نیمه سخت در بسترهای جنگ‌های سایبری و ارزی رقم می‌خورد. لذا ضرورت دارد که همان‌طور که در جنگ سخت یک مرکز طراحی جنگ و فرماندهی وجود دارد، برای جنگ ارزی نیز ستاد جنگ ارزی تشکیل شود تا بتوانیم برای شکل نوین جنگ‌ها در عصر جدید آماده شویم.

۳. استراتژی آمریکا این است که ابتدا دشمن را با استفاده از طرح SSR به اشکال مختلف حقوقی، فنی، علمی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی، تضعیف می‌کند^{۱۱۲}، سپس به آن کشور حمله نظامی می‌کند. تا مطمئن شود که پیروز از میدان برگردد.

^{۱۱۱} اتاق شیشه ای خبر: گزارش موسسه آمریکایی درباره تحریم ایران

^{۱۱۲} طرح SSR به معنی «رفرم اجزاء و قطعات قطاع امنیت» کشور هدف است. پروژه "SSR Security Sector Reform" طرحی برای در هم شکستن مقاومت یک جامعه محسوب می‌شود. هیچ کشوری منابع پنج‌گانه قدرت ارگانیک (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، دفاعی - نظامی) هم‌سطح و هم‌ترازی ندارد؛ از این‌رو در یک حوزه قدرتمندتر و در حوزه‌ای دیگر ضعیف‌تر است. سازوکار پروژه SSR به این گونه است که منابع پنج‌گانه قدرت کشور هدف، ارزیابی شده، سپس مشخص می‌شود که هر کدام از این منابع قدرت در چه سطحی هستند و بلندترین و پایین‌ترین سطح قدرت در کدام حوزه است؛ آنگاه با سازوکارهای خاص خود، قوی‌ترین منبع قدرت را آن قدر تحت فشار قرار می‌دهند و فرسوده می‌کنند تا به سطح چهارم برسد، سپس در مرحله بعد این دو سطح را با هم تحت فشار قرار می‌دهند تا به سطح سوم برسد و به همین ترتیب این روند تا آنجا طی می‌شود که همه سطوح قدرت به پایین‌ترین سطح برسند.

دامنه‌ی تضعیف اقتصادی ایران از حوزه‌ی تضعیف سخت‌افزاری اقتصادی و نرم‌افزاری اقتصادی تا برهم زدن تعادل روانی ایران را در برمی‌گیرد. اقتصاد ایران وقتی تسخیر می‌شود که کلیه‌ی چرخه‌ی سیکل اقتصاد در کنترل دشمن قرار بگیرد. بازار و اقتصاد ابتدا اشغال و سپس تسخیر می‌شود. سپس عملیات جنگی اقتصادی علیه ایران در بطن اقتصاد کشور تثبیت می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران از هر عامل تضعیف‌کننده‌ی خود که زمینه‌ساز حمله‌ی اقتصادی و مالی دشمن است باید دوری گزیند. تقویت خود (به‌ویژه در حوزه‌های مورد طمع دشمن برای حمله) یک ضرورت استراتژیک است. در واقع بازدارندگی، در ممانعت از شکل‌گیری روند تضعیف خود است.

نظام مالی جهانی دلار پایه و نظام تجارت جهانی ابزارهای مناسبی برای اعمال فشار بر ایران و تضعیف آن کشور در چهارچوب مقررات بین‌المللی مالی تجاری طراحی شده توسط آمریکا هستند لذا ایران برای جلوگیری از تضعیف خود در این فضا باید نظام مالی بومی و منطقه‌ای خاص خود را طرح‌ریزی کند.

۴. ایران باید طرح جامع محاصره‌ی اقتصادی خود را تضعیف کند؛ برای این منظور باید «جنبش مقاومت اقتصادی» را پدید آورد تا محاصره‌ی اقتصادی را خفیف و حلقه‌ی محاصره را بشکند.

۵. جنبش مقاومت اقتصادی، باید با تکیه بر اقتصاد درون‌زا، اصل خودکفایی را هدف استراتژیک خود قرار دهد و در راستای استقلال اقتصادی از هضم در نظام سلطه‌ی اقتصادی کاپیتالیستی غرب ممانعت به عمل آورد.

۶. ایجاد «جنبش اجتماعی مقاومت در جنگ ارزی» در میان توده‌های مردم برای بالا بردن سواد مالی مردم در این زمینه یک ضرورت است.

۷. درزمینه‌ی مقابله با تحریم‌ها ایران باید سیاست تهدید در برابر تهدید را عملی کند. ایران باید در حداقل توان خود، به ایجاد موازنه‌ی وحشت و امکان مقابله به‌مثل نامتقارن برای هر تهدید بالفعل آمریکا، در هر لحظه و هر جا برسد و آن تراز را حفظ نموده و بسط دهد.

۸. جمهوری اسلامی ایران باید تدابیری اتخاذ کند که هزینه‌ی دشمنی ایالات‌متحده با ایران بسیار بالا برود. در حوزه‌ی ارزی نیز باید تدابیری اتخاذ کند که هزینه‌ی جنگ ارزی آمریکا علیه ایران در هر اقدام بالاتر از برآورد موردنظر آمریکا شود.

۹. آمریکا در هر مکانی که درگیری ارزی را آغاز نمود، ایران ضمن پاسخ در آن مکان، باید بلافاصله چند جبهه‌ی تاکتیکی، عملیاتی و دیگر علیه او بگشاید.

۱۰. فرماندهان نیروهای انقلاب اسلامی نباید فراموش کنند که عامل اساسی پیروزی قاطع در منازعه، حفظ ابتکار عمل در مدیریت سطوح منازعه و بازتعریف میادین دیگری است. از این رو اساس عمل خود را بر اقدام نامتقارن مثبت قرار دهند. فرماندهان نیروهای انقلاب اسلامی، مدیریت هوشمند و خامت اوضاع، از اقتصادی به سیاسی، از سیاسی به اقتصادی، از اقتصادی به نظامی و بالعکس را باید جزئی از وظایف ذاتی خود بدانند.

۱۱. اخذ اجماع جهانی و منطقه‌ای و پرهیز از تکروری اقتصادی یکی از مؤلفه‌های دکترین استراتژیک اقتصادی امریکا است. ایران باید جلوی این اجماع جهانی را بگیرد تا بتواند از انزوای اقتصادی خود جلوگیری کند. از لحاظ اقتصادی باید ضریب نیاز به ایران در کشورهای منطقه بالا رود و ایران نباید به هیچ کشوری اجازه دهد که این ضریب نیاز اقتصادی را کاهش دهد.

۱۲. آمریکا با به‌کارگیری استراتژی قورباغه توانست محیط اقتصادی و امنیتی ایران را گرم کند. محیط پیرامون ایران به‌وسیله‌ی تروریسم اقتصادی گرم شده است؛ اما ایران آب‌پز نشده است. اجماع تجاری ممکن است اما اجماع اقتصادی ممکن نیست. چون سیکل چرخه‌ی اقتصاد در درون ایران موجود است و ایران با داشتن منابع استراتژیک نظیر گندم، نفت، گاز، مس تیتانیوم و ... احتیاجی به خارج از کشور ندارد.

۱۳. تحریم اقتصادی با تحریم تجاری فرق می‌کند. اخذ اجماع جهانی در تحریم تجاری و مالی است؛ اما در تحریم اقتصادی ایران می‌تواند با بستن درهای کشور و به‌کارگیری سیاست‌های اقتصاد مقاومتی این تهدید را تبدیل به فرصت کند و بنیه‌ی اقتصادی کشور را مقاوم کند.

۱۴. ایران باید برای جلوگیری از اخذ اجماع جهانی علیه خود باید عمق استراتژیک خود را در درون ایران با اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی قرار دهد و بین تجارت با اقتصاد تفکیک قائل شود.

۱۵. ایران باید تا جایی که می‌تواند حجم ذخایر طلای خود را بالا ببرد تا در آینده بتواند پشتوانه ریال را طلا قرار دهد.

۱۶. حذف پول بدون پشتوانه‌ی دلار از مبنای مناسبات اقتصادی ایران باید در دستور کار قرار گیرد.

۱۷. ایران باید عمق استراتژیک مالی خود را از اقتصاد و با ارز پایه‌ی دلار در مرحله‌ی نخست به اقتصاد با ارزش‌های پایه‌ی متنوع دیگر سپس به اقتصاد با ارز پایه‌ی ریال قوی تغییر دهد. ریال ایران باید هویت انقلابی خود را پیدا کند و در مقابل دیکتاتوری دلار بایستد.

۱۸. پاشنه‌ی آشیل و شاه‌رگ آمریکا دلار آن است. در قواعد جنگیدن باید قوی‌ترین ضربه را به ضعیف‌ترین جای دشمن وارد کرد. باید دلار نابود شود. باید قواعد بازی امپراطوری جهان و امپراطوری دلار مشخص و تبیین شود و سپس به آن‌ها توسط راهکارهایی مانند ایجاد پیمان‌های پولی چندجانبه حمله شود.

۱۹. ایران باید در ائتلاف‌ها و پیمان‌های اقتصادی جهانی و منطقه‌ای مطلوب خود نیز حضور مؤثر و قوی داشته باشد.
۲۰. در تشدید دمای بحران‌های نیمه سخت، تروریسم اقتصادی و جنگ ارزی از سوی آمریکا و غرب و متحدان منطقه‌ای او، آستانه‌ی تحمل خود را بالا ببرد.

۲۱. یکی از دلایل آسیب‌پذیری اقتصاد ایران در قبال تحریم‌ها این بود که بخش عمده‌ای از تجارت ایران به کشور کوچکی مثل امارات که توان چانه‌زنی سیاسی با آمریکا را نداشت وابسته بود. بخش عمده واردات و صادرات کشور در این جنگ ارزی ناگزیر از تبدیل ریال به دلار و به درهم در امارات بود. ایران باید از وابستگی به کشورهایی که در جریان تحریم‌ها علیه ایران با آمریکا متحد شدند جلوگیری کند.

۲۲. مهم‌ترین ابزار دفاع و حمله اقتصادی آمریکا قدرت دلار است. با این وجود بعضی کشورها به دنبال گزینه‌های غیر دلاری هستند. کشورهایی مانند چین و روسیه خواهان برهم زدن نظم کنونی نظام مالی بین‌المللی هستند و در این راه اقداماتی را انجام داده‌اند. اگر سیستم‌هایی که با دلار آمریکا کار نمی‌کنند در جهان رشد کنند، واکنش‌گتن در حملات و دفاع اقتصادی با مشکل روبرو خواهد شد.

۲۳. سیستم پتrodلار از معاملات نفتی ابتدا در ایران و سپس در جهان باید حذف شود. کشورهای دیگر باید نفت کشورهای حوزه خلیج فارس را با ارزهایی به غیر از دلار بخرند (به عنوان مثال نفت با ارز رایج بین دو کشور مبادله شود) در این صورت توازن قدرت به ضرر آمریکا تغییر خواهد یافت و سیستم پتrodلار از بین خواهد رفت که به دنبال آن ذخایر ارزی جهانی مبتنی بر دلار نیز کاهش خواهد یافت و این چنین می‌توان به دلار ایالات متحده حمله کرد. چین و روسیه در حال حرکت به این سمت هستند.

فصل دوم

جمع بندی

بقای حکومت در یک کشور در گرو ایجاد اشتغال در آن کشور است. هدف واقعی از ایجاد جنگ ارزی علیه یک کشور نابودسازی اشتغال در آن کشور از طریق نابود کردن قدرت ارز آن کشور است.

جمع بندی

به دنبال تحریم خرید نفت و تحریم بانک مرکزی، ایران به دلیل عدم دسترسی به چرخه یوترن و با جدا شدن از سیستم مالی سوئیفت در دریافت بهای نفت خود دچار مشکل جدی شد. با توجه به کاهش درآمدهای نفتی و سهم بالای درآمدهای نفتی در درآمدهای ارزی کشور، این امر موجب کاهش درآمدهای دولت شد. در نتیجه دولت با کسری بودجه روبه‌رو شده و در دادن اعتبار به طرح‌های عمرانی دچار مشکل شد. همچنین واردات کالاهای اساسی، کالاهای واسطه‌ای و تجهیزات و مواد اولیه به مسئله‌ای بغرنج برای دولت تبدیل شد. چون برای واردات این کالاها به ارز خارجی و دلار نیاز است و ذخایر ارزی کشور در جنگ ارزی کاهش یافته است. کاهش درآمدهای نفتی بر منابع ارزی کشور تأثیر گذاشت. به این سبب که کاهش درآمدهای نفتی معادل کاهش ارز خارجی در اختیار است و این عامل توانست از طریق افزایش قیمت ارزهای خارجی، منجر به پدید آمدن موج سوداگری در بازار ارز شود.

ایجاد جنگ روانی علیه ریال توسط رسانه‌های دشمن و ضدانقلاب سبب ایجاد ترس از سقوط ریال شد و باعث شد که جریان نقدینگی از بانک، بازار سرمایه و بازار مسکن به سمت بازار ارز شیفت پیدا کند. با کاهش ارزش ریال، قدرت خرید مردم کاهش یافت و سفره اقتصادی خانوار کوچک‌تر و بنیه اقتصادی خانوار هرروز در برابر هزینه‌های روزمره ضعیف‌تر شد. در نتیجه بسیاری از کالاها از سطح دسترسی خرید بخش قابل توجهی از مردم خارج شد. از سوی دیگر افزایش سوداگری در بازار ارز افزایش دلار را رقم زد و دسترسی واحدهای تولیدی که برای واردات مواد اولیه و قطعات یدکی و تجهیزات و ماشین‌آلات به دلار نیاز دارند را دچار مشکل جدی کرد. در نتیجه موجب کاهش تولید و به تبع موجب کاهش سودآوری این شرکت‌ها شد تا حدی که بسیاری از واحدهای تولیدی به علت این جنگ ارزی ورشکسته شدند.

تحریم‌های اقتصادی و حمله به ریال و ایجاد جنگ روانی علیه ریال به‌عنوان عامل خارجی و حمله‌های سفته‌بازی دلالتان و نهادهای دولتی (بانک‌ها و صرافی‌هایی که از عوامل تشدید جنگ ارزی ۱۳۹۰ بودند) به‌عنوان عامل داخلی و نقش علم اقتصاد با سازوکار دامن زدن به طمع و اصالت دادن به منفعت از عوامل شکل‌گیری جنگ ارزی ۱۳۹۰ علیه جمهوری اسلامی ایران بودند؛ بنابراین، شناخت این پدیده‌ها و یافتن راهکارهای مقابله با آنها از اهمیت اساسی برخوردار است.

ایران باید توجه کند که جنگ ارزی پاشنه‌ی آشیل اقتصاد ایران است. در این جنگ تمام‌عیار اقتصادی ابتدا ایران با استفاده از تحریم‌ها تضعیف شد و سپس از منظر اقتصادی به تسخیر دشمن درآمد. بازار مصرف ایران توسط شرکت‌های خارجی تسخیر شد و تولید داخلی نابود شد. در جامعه باید کسی که بنیه‌ی اقتصادی کشور را تضعیف می‌کند به‌عنوان دشمن شناخته شود.

سایه‌ی سنگین پیامدهای افت ناگهانی ارزش پول ملی در سال‌های ۹۰-۹۱ و نصف شدن سرمایه مردم هنوز بر سیستم پولی کشور دیده می‌شود. تداوم تمایل بخشی از مردم به عدم نگهداری ریال و تلاش برای تبدیل فوری ریال به سایر ارزها یا کالاها، یکی از نمودهای بارز بی‌اعتمادی است که به واسطه عملکرد ضعیف دولت در حفظ ارزش پول ملی دیده می‌شود.

رکود تورمی، بیکاری بالای ۲۰٪، افزایش سطوح نابرابری‌های اجتماعی و افزایش فاصله‌های طبقاتی، کاهش درآمدها و فقیرتر شدن طبقه متوسط و کوچک‌تر شدن سفره مردم، رکود حاکم بر صنعت، کاهش ارزش پول ملی در مقابل ارز خارجی، افزایش واردات بی‌رویه به قیمت ورشکستگی تولیدکنندگان داخلی و... تصویری غیرقابل کتمان از تبعات این جنگ ارزی بوده است.

هیچ تهدیدی جدی‌تر از بیکاری، ثبات و امنیت جامعه را به خطر نمی‌اندازد. نابرابری‌هایی که حاصل فساد اقتصادی در کشور است. ریشه بسیاری از ناهنجاری اجتماعی و نقصان‌های فرهنگی چیزی جز گسترش فقر نیست. آنچه اتفاق افتاد جابجایی ثروت نه فقط از جیب فقرا که از جیب نسل آینده به ثروتمندان و صاحبان سرمایه و دارایی امروز است.

ستون فقرات یک ملت نظام مالی آن ملت است. جنگ ارزی این ستون فقرات را مورد حمله قرار می‌دهد. سایه جنگ ارزی در کشور ما مستولی است! وظیفه مسئولین زدودن سایه‌ی این جنگ است. در حال حاضر خطر جنگ ارزی کشور را تهدید می‌کند زیرا با جابه‌جایی نرخ ارز و سپس افزایش واردات شغل‌های زیادی در کشور نابود می‌شود. هر کشوری قیمت ارز خود را کاهش می‌دهد که بتواند راحت‌تر صادرات انجام بدهد. بازی باقیمت ارز موجب نابودی تولید و اشتغال کشور باهم می‌شود.

۷ میلیارد نفر در جهان از جمله ایران اسیر دلار هستند و تا زمانی که هژمونی دلار شکسته نشود ایران زیر چتر آن خواهد بود. دلار ابزار وابستگی استراتژیک به دشمن است که دشمن از این ابزار در جنگ ارزی علیه ایران استفاده می‌کند. نیروهای انقلابی باید تدابیری بی‌اندیشند تا به این مؤلفه‌ی هژمونی اقتصادی آمریکا حمله کنند و کارایی دلار به‌عنوان یک سلاح را از بین ببرند. این یک اصل استراتژیک است که کشور در هیچ زمینه‌ای نباید به غرب وابسته باشد تا دشمن بتواند از آن علیه کشور استفاده کند.

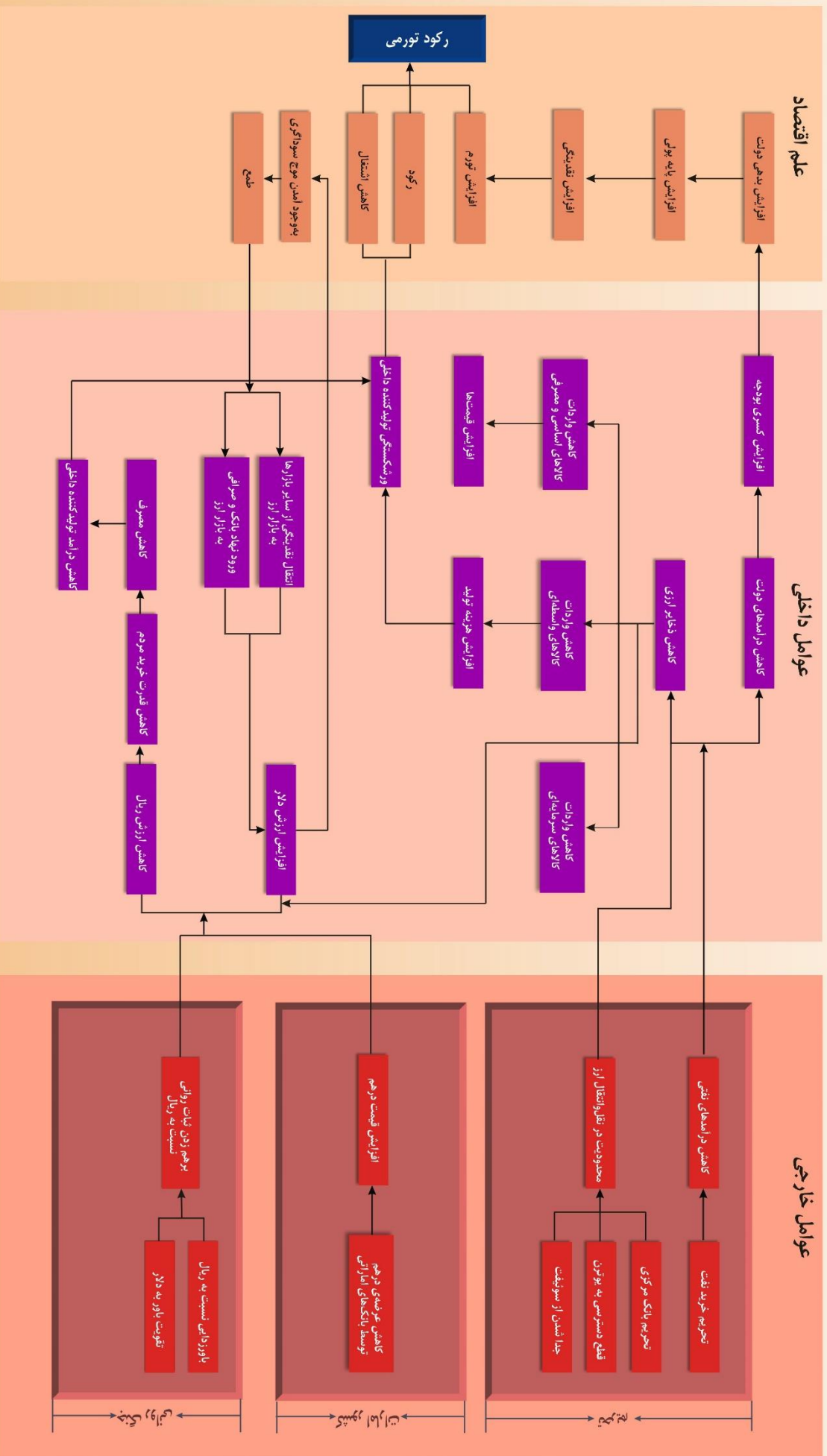
امروزه ریال بسیار ضعیف و بی‌ارزش است. باید پول ایران به پول پر قدرت جهان تبدیل شود. ریال ایران مانند موشک ایران باید در صحنه دنیا باشد و جزئی از مؤلفه‌های قدرت کشور شود.

اقتصاد مقاومتی به عنوان یک دکترین در سطح اجرایی و یک نظریه‌ی علمی، یک معارض ذاتی دارد که تفکر اقتصاد لیبرالی است و پایه‌ی اقتصاد لیبرالی، مکتب پولی است. اقتصادی که در آن پول بدون پشتوانه چاپ می‌شود، غرب را به زوال خواهد کشاند. نظر به فرمایش رهبری مبنی بر مفهوم تهدید در برابر تهدید، اگر هر تهدید اقتصادی که صورت می‌گیرد، جامعه‌ی ما آمادگی داشته باشد که مفهوم تهدید در برابر تهدید را در مواجهه با دشمن عملیاتی کند، در این وضعیت نامناسب اقتصاد جهانی قطعاً می‌توانیم به سلامت از این برهه عبور کنیم.

تا قبل از وقوع جنگ ارزی علیه کشور، ارز عمدتاً ابزار مبادله و معیار سنجش برای پرداخت‌های بین‌المللی بود؛ اما در هنگام جنگ ارزی به خصوص از اردیبهشت سال ۹۰ وقتی حمله سفته‌بازان دولتی و خصوصی به بازار ارز کشور شروع شد، از این زمان به بعد ارز کارکرد ذخیره ارزش را پیدا کرد و علاوه بر آن ماهیت پول کالا شده را نیز پیدا کرد. غافل از این که دلار فقط یک کاغذ بدون پشتوانه است و نمی‌تواند به عنوان ذخیره ارزش به کار گرفته شود. همچنین به فرموده امام خمینی پول نباید کار کند، اما در جریان جنگ ارزی ۹۰ خود ارز رقیب کالاهای دیگر شد و به عنوان کالا خرید و فروش شد. این دو عامل سبب شد تا سناریو جنگ ارزی علیه ایران کامل شود و به شکست ایران در این جنگ ارزی منتهی شود.

بقای حکومت در یک کشور و استمرار ثبات سیاسی در یک کشور در گرو ایجاد اشتغال در آن کشور است. بازی با قیمت ارز وسیله‌ای برای رسیدن به هدف است اما **هدف واقعی از ایجاد جنگ ارزی علیه یک کشور نابودسازی اشتغال در آن کشور از طریق نابود کردن قدرت ارز آن کشور است.** نیاز مبرم به ایجاد اشتغال در کشورها است که زمینه‌ی ایجاد تنش در حوزه ارز را ایجاد می‌کند.

در جنگ ارزی بدون شلیک یک گلوله قلب نظام مالی را هدف می‌گیرند و نابود می‌کنند. جنگی که دیر یا زود ممکن است دوباره گریبان گیر کشور شود و آن روز ممکن است دیگر برای آماده شدن دیر باشد.



منابع

- ریکاردز، جیمز - جنگ‌های ارزی - ترجمه رحیم میلانی - تهران - ترجمه بنیاد تعاون ناجا - ۱۳۹۳ - چاپ یکم
- مهرپور، مهدی - محرمانه‌های اقتصاد ایران - مصاحبه با شمس‌الدین حسینی - تهران - نشر نور علم - ۱۳۹۵ - جلد اول

- عبدالله صوفی، استاد اقتصاد دانشگاه ویسکانسین، تورم و بحران ارزی در ایران: ۱۳۵۹-۱۳۹۱
- شمس‌الدین حسینی، اقتصاد ایران همراه با تحریم با تأکید بر عملکرد سال ۱۳۹۱، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال یکم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲
- بانک‌ها در بحران ارزی سال ۹۱ چه نقشی داشتند؟ مجله نامه اتاق بازرگانی - آبان ۱۳۹۲، سال هشتم و پنجم

- Jay Solomon, "The Iran Wars, Spy Games, Bank Battles, and the Secret Deals That Reshaped the Middle

- پایگاه حفظ نشر آثار مقام معظم رهبری

<http://farsi.khamenei.ir>

- خبرگزاری فارس

<http://www.farsnews.com>

- خبرگزاری مشرق

<http://www.mashregnews.ir>

- خبرگزاری نسیم

<http://nasimonline.ir>

- خبرگزاری تسنیم

<https://www.tasnimnews.com>

- خبرگزاری ایسنا

<http://www.isna.ir>

- روزنامه دنیای اقتصاد

<http://donya-e-eqtasad.com>

- پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت خزانه‌داری آمریکا

<https://www.treasury.gov>

- پایگاه خبری العربیه

<http://www.alarabiya.net>

- پایگاه خبری CNN

<http://cnnpressroom.blogs.cnn.com>

- پایگاه خبری روزنامه نیویورک تایمز

<http://www.nytimes.com>

- پایگاه خبری بیزینس اینسایدر

<http://www.businessinsider.com>



«اقتصاد قوی و مستقل کشور ما هم مایه‌ی اقتدار ما است لذا با آن مخالفاند. تحریم می‌کنند، برای اینکه اقتصاد را ضربه بزنند تدابیر گوناگونی به کار می‌بندند که ای کاش اقتصاددان‌های مؤمن ما بیایند برای مردم تشریح کنند تدابیری را که دشمنان ما در آن سوی مرزها به کار می‌برند تا ما نتوانیم در داخل، اقتصاد محکم و مستقل و قوی داشته باشیم.»

دانشگاه افسری امام حسین علیه السلام
۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۶

چندین سال است که ایران درگیر یک «جنگ اقتصادی» است. مرکز فرماندهی این جنگ تمام‌عیار، «وزارت خزانهداری» آمریکا است. مأموریت اصلی این وزارت‌خانه، کنترل پول و استفاده از دلار به عنوان «سلاح» است که این فرآیند از طریق اعمال «محاصره‌ی اقتصادی»، «جنگ ارزی» و «جنگ مالی» صورت می‌پذیرد.

در جنگ ارزی آمریکا علیه ایران در سال‌های ۱۳۹۰-۹۱، بیش از ۲۰۰ درصد از ارزش ریال از دست رفت. سقوط ارزش ریال در برابر دلار، منجر به تورم افسارگسیخته‌ای شد که ساختار کل اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار داد و کل مردم ایران با تبعات این جنگ ارزی روبه‌رو شدند.

وزیر وقت خزانهداری آمریکا ضمن اعلام محاصره مالی جمهوری اسلامی ایران، اعلام کرد:
«بی‌ارزش کردن ریال و بی‌اعتبار کردن آن برای کاربرد در معاملات تجاری بین‌المللی ضرورت دارد.»

دیوید کوهن؛ معاون وقت وزیر خزانهداری آمریکا:

«به‌طور خاص، ما به‌دقت اقداماتی که می‌تواند فشار بر ارزش ریال را افزایش دهد، دنبال می‌کنیم.»



مرکز بررسی‌های دکترینی
www.Andishkadeh.ir